

گیلان فردا

توجه به نقش موثر فناوری در اقتصاد

بهره برداری از تالار مرکزی شهر

زومستان سخت است یا نه

رشد جمعیت لازمه توسعه

رشت

در حال خانه تکانی

پیاده راه

شروعی برای توسعه شهر

ضد زرد در فضای مجازی

متولد روز جهانی آب

و فرزند جنگل

یلدا مبارک



کناف ایران

فروش و اجرای سیستم های کناف

تیرازه
TIRAJEH
(صنعت ساختمان)



KNAUF
Drywall Systems

باماتماس بگیریید

۳۳۷۳ ۶۶۶۶-۹





EVIDRY

شامپو
مناسب موهای خشک و
آسیب دیده



کراتینه و ترمیم کننده مو
کمک به پیشگیری از مو خوره
رطوبت رسان و حالت دهنده مو



Guilan Pain Clinic



کلینیک چند تخصصی

دردگیلان

www.guilanpainclinic.com



با همکاری اساتید دانشگاه و پزشکان فوق تخصصی و متخصصین درمان دردهای حاد و مزمن (با استفاده از روش های غیرتهاجمی و بدون نیاز به بیهوشی و جراحی)

مجیز به بخش های

- ◀ مداخله ای و اینترونشنال (کم تهاجمی و بدون نیاز به جراحی)
- ◀ لیزر
- ◀ زیبایی
- ◀ رادیو فرکونسی و اصلاح عصب
- ◀ PRP و پلاسمای غنی از پلاکت
- ◀ طب سنتی
- ◀ طب سوزنی
- ◀ امبیدینگ (کاشت نخ)
- ◀ ازون تراپی
- ◀ ماساژ درمانی

درمان

- ◀ با روشهای غیر جراحی و کم تهاجمی
- ◀ دردهای ستون فقرات، کمر درد، درد گردن
- ◀ دردهایی ناشی از آرتروز و مفاصل، درد زانو، درد شانه
- ◀ دردهای سرطانی و پیچیده
- ◀ سردرد و درد ناشی از میگرن

مشاوره با متخصصین

- ◀ ارتوپدی
- ◀ نورولوژی و مغز و اعصاب
- ◀ روانپزشکی و روان شناسی
- ◀ فیزیوتراپی و طب فیزیکی
- ◀ آنکولوژی

با هم برای آینده ای بدون درد

رشت. تقاطع بلوار شهید انصاری و گلاباغ نماز. جنب MRI مارلیک. ساختمان گیلان

تلفن: ۳۳۷۳۴۵۳۹ * ۳۳۷۳۱۶۳۴ - ۰۱۳

شماره پیام کوتاه: ۱۰۰۰۱۳۳۳۷۳۱۶۳۴

اطلاعات تکمیلی را در وب سایت تخصصی کلینیک درمانی گیلان مشاهده نمایید.



DANADENTALHOME

Digital Dentistry
Laser & CAD/CAM

کلینیک تخصصی دندانپزشکی دیجیتال دانا

داریای بورد تخصصی از تودنسی
عضو هیات علمی دانشگاه
عضوانجمن متخصصین از تودنسی
ایران و آمریکا
درمان مشکلات فکی کودکان و نوجوانان
درمان از تودنسی با سیستمهای مدرن
Damon ,MBT و...

دکتر سارا ضیایی
متخصص از تودنسی و زیبایی

Dr. Sara Zyaei
Orthodontist • Cosmetic Dentistry

بورد تخصصی پروتز و ایمپلنت
عضو هیات علمی دانشگاه
عضو تیم بین المللی ایمپلنتولوژی ITI
فلوشیپ ایمپلنت از سوئیس
فلوشیپ لیزر از انگلستان
دوره پیشرفته CAD/CAM
عضو آکادمی دندانپزشکی زیبایی
آمریکا (AACD)

دکتر دانش تیموری
متخصص پروتز و ایمپلنت

Dr. Danesh Teimouri
Prosthodontist • Implantologist



رشت، چهارراه گلزار، ساختمان پزشکان دانا، طبقه ۱۱ ۳۳۱۱۳۰۳۰
www.danadentalhome.ir info@danadentalhome.ir

نقش موثر زنان

در تغییر و تحولات اجتماعی

طاهره زاهد صفت *



اکثر متفکران و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی در جهان امروز معتقدند، مهمترین عامل موثر در توسعه یافتگی یا عقب ماندگی هر جامعه، نیروی انسانی آن است و نیروی انسانی متشکل از مردان و زنانی است که دوشادوش یکدیگر با به خدمت گرفتن امکانات طبیعی و سرمایه‌های مالی در زمینه‌های مختلف به تلاش و تکاپو می‌پردازند. در این میان هر چند هر یک از دو گروه مردان و زنان نقش و جایگاه با اهمیت و غیرقابل انکار خود را دارند، اما زنان تا همین چند دهه قبل شاید در نتیجه فرهنگ دیرینه مردسالاری مطلق، در اکثر مناطق جهان، کمتر فرصت می‌یافتند که توانمندی‌های خود را به اثبات برسانند. البته از نیروی زنان در همه زمینه‌های پرورش و تربیت فرزندان، کارهای اقتصادی، هنری، فرهنگی و حتی گاهی اوقات نظامی و سیاسی بهره گرفته می‌شد. اما افکار عمومی جامعه کمتر به نقش مهم زنان در پدید آوردن نظام‌های حاکم اجتماعی، واقف بوده‌اند.

در این بین پیامبران و یا مصلحانی سعی کرده‌اند باورهای صرفاً مردسالار را به سمت شایسته‌سالاری اصلاح و به جهانیان نشان دهند که در وجود زنان نیز توانمندی و ویژگی‌های منحصر به فردی است که در صورت شکوفایی کامل و احترام گذاشتن به آنها جامعه خیلی بهتر و با سرعت بیشتری می‌تواند به سمت سعادت نهایی حرکت کند. نمونه بارز این جریان را می‌توان در

سیره رسول مکرم اسلام حضرت محمد «ص» مشاهده کرد که ایشان در میان اعراب جاهلیت از نقش و جایگاه ارزشمند زنان دفاع کرد و حضرت فاطمه زهرا «س» را در جایگاه عزیزترین و محترم‌ترین فرزندان خود قرارداد. با این حال فقر فکری و فرهنگی برخی جاهلان متعصب در سراسر جهان فارغ از هر دین و ملیت تا امروز نیز پابرجاست و مشاهده می‌کنیم که عده‌ای متعلق به طیف فکری همین گروه در بعضی مناطق هنوز زن را جنس ضعیف و صرفاً ابزاری برای خدمت مردان تصور می‌کنند.

اما خوشبختانه در جهان کنونی فرصت‌های بیشتری نسبت به قبل برای زنان پدید آمده است تا توانایی‌های خود را به اثبات برسانند. به طوری که هم اکنون در سراسر جهان زنان زیادی در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی دوشادوش مردان حضور فعال دارند و البته در کنار آن از وظیفه همسری و مادری خود نیز غافل نشده‌اند. به ویژه در یک قرن اخیر در اکثر کشورها زنان زیادی به جهان معرفی شدند که توانستند در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، هنری، صنعتی، اقتصادی و سیاسی به بالاترین سطح در مملکت خود برسند.

در کشور ایران با وجود برخورداری از پیشینه غنی فرهنگی و به ویژه با وجود پذیرش اسلام که در متن مفاهیم آن احترام به حقوق زنان مشاهده میشود، زنان خیلی دیرتر از آنچه انتظار می‌رفت توانستند تا حدودی به جایگاه مناسب اجتماعی خود دست یابند. اما در حال حاضر پس از گذشت سی و اندی سال از عمر با برکت انقلاب اسلامی و با دقت در متن قانون اساسی که توجه بسیاری به حقوق زنان کرده است و با توجه به موارد مذکور می‌توان نتیجه گرفت نیروی انسانی که در گروه مردان و زنان در ابتدای این نوشتار بدان اشاره شد در ایران اسلامی با ظرفیت کامل خود فعال است و زنان در داخل کشور از نقش و جایگاه اجتماعی خوبی برخوردارند و در کنار مردان در شکل‌گیری تغییر و تحولات اجتماعی موثرند.

* رییس شورای عالی نظام پزشکی کشور
و رییس هیات مدیره نظام پرستاری رشت



بسم الله الرحمن الرحيم

ماهنامه اجتماعی- فرهنگی گیلان فردا

سال اول، شماره دوم و سوم، آبان و آذر ۱۳۹۴
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رقیه ابراهیم زاده اصلی
مدیر شورای سیاست گذاری: محمد کاظم شکوهی راد

مدیر تحریریه: سارا فرزانه

مدیر داخلی: ساناز فرزانه

مدیر پشتیبانی: محمد علی فرزانه

کارشناس عکس: علیرضا عزتی

گرافیک: ماهان خوش رفتار

صفحه آرا: پیمان پیشگاه

حروف چینی: میترا مکرمی

ویراستار: فرشته فتوحی

چاپ و لیتوگرافی: شاهد

پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدسان

با تشکر ویژه از جناب آقای شکوهی راد مدیر مسئول روزنامه گیلان امروز

نشانی: رشت، چهارراه میکائیل، پشت بانک مسکن مرکزی، پلاک ۱۰۵

کد پستی: ۴۱۸۴۹۱۳۳۷۶۶

تلفن: ۰۹۱۱۱۴۹۳۲۰۹

نمابر: ۳۳۳۳۵۵۵۲

پست الکترونیک: guilanfarda94@gmail.com

سایت: guilanfarda.ir

اینستاگرام: GUILANFARDA94

اسامی همکاران این شماره آقایان و خانم‌ها: دکتر منتقی طلب، دکتر اصفهانی، دکتر میرعسکری، دکتر اصفرنیا، دکتر تیموری، دکتر نادر نبی، دکتر یداللهی، دکتر ثابت قدم، مهندس آرامی، مهندس دانش، مهندس تیبانیان، مهندس آرامی، مهندس ضیایی، شکوهی، مرتاض، هاشمی و ...

فهرست:

۸ لزوم برنامه ریزی موثر در برنامه ششم توسعه

۹ یلدا و زایش دوباره خورشید مبارک

سیاسی - اقتصادی

۱۰ بودجه ریزی بر مبنای عملکرد - بسته شدن بی ام دی

۱۱ بسته اقتصادی، شاید راه گشا

۱۲ احیا سازمان مدیریت چند گام به جلو

شهری - توسعه

۱۴ رشت در حال خانه تکانی

۱۵ پیاده راه شروع توسعه

۱۶ ضرورت توسعه درون زا

۱۸ دیوارهای عمودی در شهر

۱۹ رودخانه بزرگترین تصفیه خانه

اجتماعی - توسعه

۲۰ رشد جمعیت، لازمه توسعه پایدار

۲۲ پرونده های زیاد در قوه قضائیه یک هشدار

۲۳ دسترسی برای همه با هر میزان توانایی

۲۴ خواستن همراه با دانایی

فرهنگی - هنری

۲۶ ضد زرد در فضای مجازی

۲۸ چهارده سالگی گروه شعر گیلکی

۲۹ کتاب روح را بزرگ می کند

۳۰ هنر در گستره فرهنگ عمومی

۳۱ در محفل انس

۳۲ میرزا کوچک خان، محبوب همگان

۳۳ تحریفات در واقعه تاریخی کربلا

۳۴ نمایشگاه عکس سرمایه اجتماعی

۳۵ کلوچه سنتی فومن خوشمزه و خاطره انگیز

۳۶ ملودی دلنواز در شهر باران های نقره ای

۳۷ گیلما و کشتی گیله مردی

موفقیت - کسب و کار

۳۸ عاشق کار هستم

۴۰ خلاقیت در کسب و کار

یاد و خاطره

۴۱ پروفیسور اکبرزاده

۴۲ بلوط کپک زده و غسل مورچه ای

۴۳ جشن رونمایی

خبر و نظر

۴۴ خرید با کارت اعتباری و...

پژوهشی - فناوری

۴۷ الیاف کربن در پارکینگ طبقاتی

۴۸ پدیده الینو

۵۰ سرمایه های اجتماعی و بهبود کارآفرینی

۵۳ نقش موثر فناوری در اقتصاد

۵۴ باز آفرینی شهر رشت

۵۶ معماری ایرانی با جلوه ای از معماری یادمانی

لزوم برنامه ریزی موثر در برنامه ششم توسعه

ما برای رسیدن به اهداف تعیین شده در سند چشم انداز باید به رشد بالای هشت درصد برسیم. و در آستانه تدوین برنامه ششم توسعه هستیم.

آیا در تدوین برنامه ششم کارشناسان به برنامه ریزی موثر توجه دارند؟

امروزه بسیاری از سازمان های مرتبط به جای اجرای برنامه، مسئول رسیدگی به اهداف هستند. چون وقتی برنامه ای موفق شد اعضای مشمول برنامه باید از شمولیت برنامه خارج شوند به مثابه اتمام دارویی که حال مریض را خوب کرده و دیگر نیاز به ادامه مصرف نیست.

کارشناسان می گویند «یک برنامه را برای همه نوشتن بد است اما یک برنامه بد داشتن، بدتر است».

به عنوان مثال بسیاری از وام های اشتغالزایی موفق نبوده و بیکاری کاهش نیافته است و اجرای بعضی از برنامه های آموزشی یا فرهنگی و اقتصادی به طور یکسان برای اقشار متفاوت یا در مناطق مختلف هیچوقت نتوانسته انتظار برنامه ریزان و خدمات گیران را به نحو مطلوب پاسخ دهد.

از سوی دیگر نظارت ضعیف بر چگونگی اجرا خود موضوع قابل تامل دیگری است. امروزه ارزیابی اثر بخشی برنامه، شاه کلید برنامه ریزی است. بدان گونه که با برنامه ریزی و صرف میلیاردها، یک کشور ممکن است پیشرفت کند و یک کشور درجا بزند.

تا وقتی آنچه که در جامعه می بینیم و حس می کنیم با آمار ارایه شده از جانب مسئولان هماهنگی نداشته باشد نمی توان به راحتی با عدد و رقم کنار آمد. وقتی هر خانواده ای چند بیکار تحصیل کرده دارد، هر قدر هم بگوییم بیکاری کاهش یافته است باور پذیر نخواهد بود. و یا وقتی از اخلاقیات حرف می زنیم ولی نمود رفتار و کردار اجتماعی ما به گونه ای دیگر باشد نمی توان پذیرفت که در برنامه ریزی ما موفق بوده ایم و این نمونه ها در حوزه های دیگر هم صادق است.

امید که با نگاه علمی و درست موضوعات را بررسی کرده و با برنامه ریزی موثر در ابعاد خرد و کلان، گام های بهتری را برای رسیدن به پیشرفت برداریم.

مدیر مسئول

چرا بعضی از کشورها به رشد و توسعه رسیدند و بعضی نرسیدند؟ آیا کشورهای گروه اول پول بیشتری خرج کردند؟ آیا برای کاهش فقر باید پول بیشتری هزینه کرد؟

شاید در دهه های قبل تر و از دید برخی افراد برای جلوگیری یا کاهش فقر باید پول زیادی صرف می شد و یا بهره مندی از ابزار آلات تکنولوژی علامتی برای رسیدن به توسعه بود. ولی امروزه این دیدگاه ها با چالش روبه رو هستند. چرا بعضی از کشورها از جمله کشور ما علی رغم برنامه ریزی و هزینه کرد زیاد نتوانسته است به اهداف پیش بینی شده آن چنان که شایسته و بایسته است برسد؟

به عنوان مثال آیا پرداخت نقدی یارانه دردی از مشکلات جامعه را حل کرده است؟ اصلا اهداف پرداخت یارانه چه بوده و اکنون چه کارکردی از آن سهم جامعه شده است؟

چرا آمارهای ما با آنچه که به طور ملموس در جامعه می بینیم و حس می کنیم متفاوت است؟ اشکال کار کجاست؟

امروزه بسیاری از صاحب نظران از «برنامه ریزی موثر» سخن می گویند و این نشان می دهد که صرف برنامه داشتن نمی تواند ما را به سر منزل مقصود برساند. از سوی دیگر اینکه برنامه ها بر پایه و اساس کدام آمارها نوشته و تدوین می شوند و آیا کسی که آمار را تهیه کرده متخصص این کار بوده یا نه از جمله موضوعاتی است که باید مورد توجه و تدقیق بیشتر قرار گیرد.

از سوی دیگر آیا اجرای یک برنامه مشترک و یکسان برای مثال در کشور بزرگی مثل ایران با اقلیم متنوع و فرهنگ های مختلف می تواند به کارکرد مورد نظر دست یابد و موفق شود؟

کارشناسان می گویند «برنامه اثر بخش مثل داروی اثر بخش است و شما را خوب می کند و وقتی خوب شدید دیگر به آن دارو احتیاج ندارید».

شاید تصور شود برنامه موثر داشتن نیاز به اعتبار و بودجه زیاد هم دارد، ولی لزوما این طور نیست و بسیاری از برنامه های خوب و اثر بخش می توانند کاملا مقرون به صرفه هم باشند. مهم این است که برای تدوین یک برنامه خوب ارزیابی درستی از وضع موجود و پیرامون داشته باشیم.

یلدا و زایش دوباره خورشید مبارک

می گویند فقط یک دقیقه طولانی تر از شب های دیگر است. اما همین یک دقیقه کافی است تا بهانه ای برای جشن و سرور باشد، بهانه ای برای دور هم بودن، بهانه ای برای دوست داشتن و بهانه ای برای گرامیداشت فرهنگی آیینی و طبیعت دوستی...

بر اساس اطلاعات موجود خورشید در حرکت سالانه خود، در آخر پاییز به پایین ترین نقطه افق جنوب شرقی می رسد که موجب کوتاه شدن طول روز و افزایش زمان تاریکی شب می شود. اما از آغاز زمستان یا انقلاب زمستانی، خورشید بار دیگر به سوی شمال شرقی باز می گردد که نتیجه آن افزایش روشنایی روز و کاهش شب است. به عبارت دیگر، در شش ماهه آغاز تابستان تا آغاز زمستان، در هر شبانه روز خورشید اندکی پایین تر از محل پیشین خود در افق طلوع می کند تا در نهایت در آغاز زمستان به پایین ترین حد جنوبی خود با فاصله ۲۳/۵ درجه از شرق یا نقطه اعتدالین برسد.

از این روز به بعد، مسیر جابجایی های طلوع خورشید معکوس شده و دوباره به سوی بالا و نقطه انقلاب تابستانی باز می گردد. آغاز بازگشت خورشید به سوی شمال شرقی و افزایش طول روز، در اندیشه و باورهای مردم باستان به عنوان زمان زایش یا تولد دیگر باره خورشید دانسته می شد به طوری که آن را گرمایی و فرخنده می داشتند.

در گذشته، آیین هایی در این هنگام برگزار می شده است که یکی از آنها جشنی شبانه و بیداری تا بامداد و تماشای طلوع خورشید تازه متولد شده، بوده است. جشنی که از لازمه های آن، حضور کهنسالان و بزرگان خانواده، به نماد کهنسالی خورشید در پایان پاییز بوده است، و همچنین خوراکی های فراوان برای بیداری درازمدت که مثل انار و هندوانه و سنجد، به رنگ سرخ خورشید باشند.

امروزه می توان تولد خورشید را آن گونه که پیشینیان ما به نظاره می نشستند، تماشا کرد. در دوران باستان بناهایی برای سنجش رسیدن خورشید به مواضع سالانه و استخراج تقویم ساخته می شده که یکی از مهمترین آنها چارتاقی نیاسر کاشان است. پژوهش ها نشان می دهد که این بنا به گونه ای طراحی و ساخته شده است که می توان زمان رسیدن خورشید به برخی از مواضع سالانه و نیز نقطه انقلاب زمستانی و آغاز سال نو میتراپی را با دقت تماشا کرد و تشخیص داد. چارتاقی نیاسر بنایی است که تولد خورشید به طور ملموس و قابل تماشا در آن دیده می شود. این ویژگی را چارتاقی «بازه هور» در راه نیشابور به تربت حیدریه و در نزدیکی روستای رباط سفید، نیز داراست که البته فعلاً دیواری نوساخته و الحاقی مانع از دیدار پرتوهای خورشید می شود. هر ساله مراسم دیدار طلوع و تولد خورشید در چارتاقی نیاسر با حضور دوستداران ستاره شناسی در کاشان برگزار می شود. در زمان ابوریحان بیرونی به دی ماه، «خور ماه» (خورشید ماه) نیز می گفتند که نخستین روز آن خرم روز نام داشت و ماهی بود که آیین های بسیاری در آن برگزار می شد. از آن جا که خرم روز، نخستین روز دی ماه، بلندترین شب سال را پشت سر دارد پیوند آن با خورشید معنایی ژرف می یابد. از پس بلندترین شب سال که یلدا نامیده می شود خورشید از نو زاده می شود و طبیعت دوباره آهنگ زندگی ساز می کند و خرمی جهان را فرا می گیرد.

حافظ در شب یلدا

معمولاً در شب یلدا رسم بر این است که صاحب خانه، دیوان حافظ را به بزرگتر فامیل می دهد. سپس هر یک از میهمانان نیت کرده و بزرگ مجلس، این جمله را می گوید و تفعلی به گنجینه حافظ می زند: «ای حافظ شیرازی/ تو محرم هر رازی/ بر ما نظر اندازی/ قسم به قرآن مجیدی که در سینه داری...» یا هر چیزی شبیه به این. این رسم یکی از رسوم پرترفدار شب یلدا است



ای نسیم سحر آرمگه یار کجاست منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست
شب تارا است و رهoadی ایمن در پیش آتش طور کجا موعده دیدار کجاست
هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد در خرابات بگوید که هشیار کجاست
آن کس است اهل بشارت که اشارت داند نگهها هست بسی محرم سرار کجاست
هر سرموی مرابا تو هزاران کار است
ما کجایم و ملامت گری کار کجاست...

اعلام ویژگی‌های بودجه ۹۵ توسط دکتر نوبخت:

بودجه ریزی بر مبنای عملکرد

برنامه ششم است در این جهت پایه گذاری می شود و جزئیات آن با آمار اعلام خواهد شد و آنچه در تدوین لایحه بودجه ۹۵ و برنامه ششم توسعه پیش بینی شده، حاصل عقل جمعی است.

وی اظهارداشت: درباره بسته سیاستی تسریع در رونق اقتصادی نیز مهمترین کار آن است که دولت از خزانه خود برای تحرک اقتصادی پول اختصاص می دهد و نصف آن را نیز نظام بانکی تسهیلات می دهد و امید است آثار آن در اقتصاد مشاهده شود.

وی با اشاره به اینکه هر ساله تعداد زیادی تبصره تکراری در این لایحه گنجانده می شد اظهار داشت: امسال دولت تدبیر و امید حسب قولی که به مجلس داده عمل کرده و تمام تبصره های تکراری حذف شده است. و تمام این تبصره ها به صورت یک جا در قانون تنظیم برخی مقررات مالی دولت تدوین و تثبیت شده است.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با بیان اینکه دولت، بودجه سال ۹۵ را مانند سال های گذشته در وقت مقرر قانونی و در آذرماه به مجلس خواهد داد، تصریح کرد: بودجه امسال به روش عملیاتی تهیه شده و خیلی شفاف و فاقد تبصره است.

وی افزود: از دیگر ویژگی های لایحه بودجه امسال بودجه ریزی بر مبنای عملکرد است که بر اساس قانون مداری در زمان مقرر به مجلس ارائه می شود.



دکتر محمدباقر نوبخت گفت: از اولویت های پیش نویس لایحه بودجه سال ۹۵ و همچنین برنامه ششم توسعه توجه به رشد اقتصادی و بهبود معیشت مردم از جمله کارکنان دولت به معنای عام آن است.

سخنگوی دولت افزود: پیش نویس لایحه بودجه ۹۵ و برنامه پنج ساله ششم کشور در سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهیه و به دولت تقدیم شده است و انتظار داریم دولت به زودی آنها را تصویب و به مجلس ارائه کند.

وی گفت: اگر قرار است در رابطه با رشد اقتصادی و بهبود معیشت مردم به نتیجه ای برسیم همه اینها باید در لایحه بودجه ۹۵ و برنامه ششم توسعه لحاظ شود. سخنگوی دولت با بیان اینکه جزئیات برنامه ششم توسعه به زودی تشریح خواهد شد افزود: امیدواریم آنچه در این برنامه پیش بینی شده است بتواند در شرایط پساتحریم؛ سیاست های کلی نظام از جمله اقتصاد مقاومتی و دستیابی به رشد اقتصادی سالانه هشت درصدی را تضمین کند.

دکتر نوبخت گفت: لایحه بودجه سال ۹۵ نیز که همزمان با اولین سال

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس:

اتمام بهانه های غرب باید

با بسته شدن پی ام دی همراه شود



عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، با مثبت ارزیابی کردن گزارش آمانو، گفت: حال با اتمام بهانه ها از سوی غرب به طور قطع باید پرونده پی ام دی بسته شود.

مهندس غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی با اشاره به گزارش جدید مدیرکل آژانس انرژی اتمی یوکا آمانو درباره ارزیابی نهایی در خصوص مسائل گذشته موسوم به، گفت: طبق گزارش آژانس تمام دنیا پی ام دی فهمید که ایران به دنبال استفاده از سلاح هسته ای نبوده و نیست.

نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه با عمل به وعده ها از سوی ایران انتظار داریم که گروه ۵+۱ نیز به تعهدات خود متعهد باشد، افزود: غرب و آمریکا باید بدانند که اگر آثاری از ساخت بمب اتمی پیدا نکردند این دلیلی بر این نیست که ما در تحریم و مذاکرات شکست خورده ایم بلکه تنها دلیل آن عمل به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر حرام بودن استفاده از بمب هسته ای است.

این نماینده مردم در مجلس نهم، با تاکید بر اینکه ایران علم و امکانات ساخت بمب هسته ای را دارد اما خود مایل به ساخت آن نیست، تصریح

کرد: کشورهای ۵+۱ باید بدانند که هر نوع نقض تعهداتشان با برخوردی از سوی ما همراه خواهد بود.

وی با بیان اینکه اگر تحریم ها نیز برداشته نشود باز هم ایران بنا به فرموده رهبر انقلاب به سمت ساخت سلاح هسته ای نخواهد رفت، گفت: بهترین راهکار برای کشورهای غربی و آمریکا همنوایی با ایران است.

جعفرزاده ایمن آبادی ادامه داد: دل چرکین بودن ایران از اظهارات اخیر کنگره بوده از این رو انتظار داریم کنگره آمریکا لحن خود را متناسب با عزت و قدرت ایران در منطقه عوض کند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، یادآور شد: باید دانست تسلیم غرب در برابر ایران تنها نتیجه ایستادگی مردم و تلاش دولت یازدهم است

بسته اقتصادی دولت، شاید راه گشا



محمد کاظم شکوهی راد

بسته اقتصادی دولت آیا می تواند راهبر اقتصاد شود و گره های کور این اقتصاد را باز کند؟ شرایط اقتصادی کشور در حال حاضر نزدیک به بحرانی ارزیابی می شود و این شرایط را با سخت ترین سال های جنگ مقایسه می کنند.

در شرایط فعلی رکود بر اقتصاد کشور حاکم شده است گرچه دولت توانسته است تورم را تا حد قابل قبول از ۴۰ درصد به حدود ۱۵ درصد کاهش دهد و رشد اقتصادی منفی سال های ۹۰ و ۹۱ را به رشد مثبت در حد ۳ تا ۵ درصد برساند، اما گفته می شود این رشد نیز پایدار نخواهد بود و ممکن است با توجه به تداوم رکود این رشد در سال جاری به صفر برسد. دلایلی که برای کاهش رشد اقتصادی ذکر می شود عمدتاً مربوط به کاهش درآمد دولت از نفت است. در سال های منتهی به ۱۳۹۰ درآمد ارزی حاصل از فروش نفت هر سال بیش از یکصد میلیارد دلار بوده است اما بر اثر تشدید تحریم ها این درآمد در سال ۹۱ به ۷۰ میلیارد دلار، در سال ۹۲ به ۵۶ میلیارد دلار و سال ۹۳ به حدود ۳۰ میلیارد دلار رسیده است. با توجه به قیمت های جاری نفت در بازار جهانی برای سال ۹۴ درآمد حاصل از فروش نفت خام در حد ۲۵ میلیارد دلار تخمین زده می شود که عملاً آنچه از این درآمد به دست دولت می رسد حدود ۱۶/۵ میلیارد دلار است. (مطابق رویه های قانونی ۲۰ درصد درآمد نفت به صندوق توسعه ملی و ۱۴/۵ درصد به وزارت نفت اختصاص دارد.) مشکل فعلی اقتصاد کشور در ارتباط با کاهش زیاد درآمد نفت خام کشور است و در سایر کشورهای نفت خیز نیز چنین مشکلاتی به وجود آمده است. این کاهش درآمد نفت، سبب تکانه های شدید در

بازار ارز و کالا شده است اما با همه ی اینها در سال جاری علیرغم کاهش شدید این درآمد اگرچه رکود بر بازار تولید و تقاضا و مصرف حاکم بوده معذالک بازار دچار تکانه های معنی دار نشده. قیمت ارز به طور نسبی ثابت مانده و بخش عمده تولید کشاورزی، صنعتی و خدمات نیز با ظرفیت های حداقلی مشغول کار هستند، از طرف دیگر اما بسیاری از واحدهای تولیدی، بخصوص در بخش صنعت، تولیدات دپو شده و در انبار مانده دارند که برای آنها در بازار، تقاضا وجود ندارد که این امر احتمالاً بخشی از آن مربوط به عدم امکانات صادرات (به دلیل تحریم) و نیز کاهش تقاضا در داخل، به دلیل افت نقدینگی و

کاهش قدرت خرید مردم است.

این کاهش تقاضا و رکود معنی دار بازار بخصوص در مسکن، اتومبیل و کالاهای خانگی بیشتر خود را نشان داده است که گرچه همه ی آنها تابع همان اصل کاهش تقاضا به دلیل افت نقدینگی بوده، معذالک اشباع بازار به دلیل تولید فراوان (در مسکن، تولید مسکن مهر و سرمایه گذاری بنگاه های مالی در امر تولید مسکن در سال های ۸۸ تا ۹۱ نیز مزید بر علت است.) در عرصه اتومبیل نیز باید به گشایش هایی در ورود اتومبیل های خارجی به داخل از طریق گمرکات رسمی و گسترش ورود اتومبیل سواری از طریق مناطق آزاد تجاری اشاره کرد. بنابراین بسته اقتصادی دولت برای برون رفت از این شرایط بیش از هر چیز بر دو امر مهم اقتصادی است. در درجه اول برنامه ریزی و کنترل در راهبری بنگاه های مالی و بانک ها و رونق محیط کسب و کار متمرکز است. در مورد استفاده از ابزار پول برای تحریک بازار و ایجاد شوک برای رفع رکود، پارادوکس اصلی این است که ورود پول و نقدینگی (اگر موجود باشد و به دست آید) تا چه حد تقاضا را تحریک خواهد کرد و تحریک تقاضا تا چه



حد به برنامه اصلی دولت برای کنترل تورم لطمه می زند. در مکانیسم استفاده از ابزار پول، گزارشات بانک مرکزی حکایت از این دارد که رشد نقدینگی در حد ۲۰ درصد بوده و این نشان از انقباض ندارد اما اثرات معنی داری نیز در بازار نداشته است. مانورهای دستگاه های مالی کشور (مؤسسات مالی و اعتباری و بانک ها) تحت هدایت و کنترل بانک مرکزی مبتنی بر جلب سپرده از یک طرف و کاهش نرخ سود بانکی از سوی دیگر قرار دارد. علاوه بر این بانک مرکزی قرار است در بازار پولی بین بانکی مداخله کند. در این بازار سود بانکی تا ۳۰ درصد است که قرار است این رقم به ۲۴ درصد کاهش پیدا کند.

توفیق در این امر نیز مستلزم این است که بانک مرکزی فرمولی واحد برای همه ی مؤسسات مالی و بانک ها به کار نگیرد زیرا بسیاری از بانک ها با ترازنامه ی خوب و عملکرد منضبط در کشور کار کرده و دارایی های غیرنقدی آنها نیز واجد ارزش مناسب است. اما بسیاری دیگر چنین شرایطی ندارند و به عنوان مؤسسات و بانک های بد شناخته می شوند. در این مکانیسم باید بانک های خوب تقویت شوند تا بتوانند محرک بازار باشند. علاوه بر این دولت باید مکانیسم مبادله بدهی های خود و شرکت های عمده مانند صنایع خودروسازی و نهادهای مسکن ساز را طراحی و اجرا کند. بازار بورس - سرمایه - نیز از مراکزی است که با اصلاح ساختار و حمایت های جدی می تواند به رونق بازار کمک کند.

ابزار دیگری که می تواند در برون رفت از شرایط فعلی به کار گرفته شود بهبود فضای کسب و کار است که همه ی ابعاد و ابزار این پدیده نیز در اختیار دولت نیست. جلب سرمایه گذار خارجی نیز می تواند به برون رفت از شرایط رکود کمک کند.

اقدامات عملی در راستای اجرای بسته اقتصادی دولت تاکنون بر محور مانور در گردش نقدینگی استوار بوده است. از جمله کاهش سود بین بانکی به ۲۴ درصد، کاهش سود سپرده ها به ۱۸ درصد، اختصاص و تسهیلات خرید خودرو تا ۲۵ میلیون تومان به صورت خرید دین، اجرایی شدن تسهیلات مسکن تا ۸۰ میلیون تومان برای مسکن اولی ها، پیش بینی ساز و کارهای بهتر برای نظارت بانک مرکزی بر بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری و اقدامات و دستورالعمل های مودی برای بهبود فضای کسب و کار، مجموعه ی این اقدامات به نظر می رسد نتواند بدون بهبود جدی شرایط مالی دولت و به دست آوردن ارزهای جا مانده به دلیل تحریم ها، بازار را تحریک کند.

ماحصل کلام اینکه انضباط مالی دستگاه های مالی و پولی کشور، کاهش نرخ سود همراه با گشایش در درآمد دولت به دنبال رفع تحریم ها ظرف شش ماه آینده تضمین نسبی است برای ایجاد رونق در اقتصاد و برون رفت از شرایط فعلی. لکن این بدان معنا نیست که این اقدامات و سطح درآمدی که برای کشور از مسیر رفع تحریم ها پیش بینی می شود بتواند جهش قیمتی در پی داشته باشد بلکه می تواند تا حد قابل قبولی تقاضا را از طریق افزایش نقدینگی تحریک کند و راهگشای برون رفت از این شرایط باشد. دوره ی زمانی که برای چنین تحولی پیش بینی می شود کمتر از شش ماه نخواهد بود.

محمد کاظم شکوهی راد متولد سال ۱۳۲۸ مروستان شیراز که سال ها در رشت زندگی می کند و یک گیلانی تمام عیار است، فارغ التحصیل علوم اجتماعی دانشگاه تهران بوده و در سال ۱۳۵۲ با طی دوره تکمیلی علوم اجتماعی از موسسه مطالعات اجتماعی، دارای تجربه مدیریت در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در وزارت بهداشتی و استانداری های فارس و گیلان است. وی مدیر خوشنامی است که از سال ۱۳۷۶ نیز به صورت حرفه ای کار روزنامه نگاری را با انتشار هفته نامه خبر و نظر آغاز و با انتشار مستمر روزنامه گیلان امروز به این کار ادامه داده است.

احیاء سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ها نه یک گام بلکه چند گام به جلو



گیلان فردا - هرچند که سال ها از ادغام سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با استانداری ها گذشته و در یکی دو سال اخیر سازمان مدیریت در کشور احیا شده است، اما هنوز اثرات و پیامدهای این تصمیم و این اقدام در نظام برنامه ریزی کشور مشهود است. وقتی در سال ۸۶ به دستور رئیس جمهور وقت این ادغام صورت گرفت، افکار عمومی می پرسید که مگر می شود سازمانی با وظایف برنامه ریزی و بودجه بندی را حذف کرد و یا آن را زیر مجموعه یک نهاد اجرایی و سیاسی قرارداد؟ خیلی ها هم این اقدام را غیر کارشناسی ارزیابی می کردند، اما این اتفاق افتاد! از سوی دیگر حالا که با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، سازمان مدیریت و برنامه ریزی در استان ها احیا شده است نمی توان انتظار داشت در طرفه العینی این سازمان به کارکرد اصلی خود دست یابد. در همین خصوص نظر آقای مهندس حسین آرامی، آخرین رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان که هم اکنون مشاور معاونت هماهنگی برنامه و بودجه ریاست جمهوری هستند را جویا شدیم. ماحصل گفت و گوی اختصاصی ماهنامه گیلان فردا با ایشان را که اوایل آبان ۹۴ انجام شد در ادامه می خوانید:

♦ جناب آقای آرامی شما چندین سال ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان های بوشهر و گیلان را به عهده داشتید، پس از سال ها تجربه در این پست و احیای این سازمان، اکنون نظرتان چیست؟

احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و همچنین سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ها از جمله شعارهای مطرح در جریان کارزار انتخاباتی سال ۱۳۹۲ توسط اغلب کاندیداهای ریاست جمهوری به ویژه دکتر حسن روحانی، رئیس جمهور فعلی بود. با انتخاب جناب آقای دکتر روحانی بالطبع انتظار این بود که این کار جزو اولین اقدامات باشد به گونه ای که رئیس جمهور با یک موج رسانه ای و مطالبه ی عمومی نخبگان در رابطه با ایفای این عهد قرار گرفت و اگرچه با تاخیر ولی سرانجام با انتخاب آقای دکتر محمد باقرنوبخت به سمت رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی، عملا این کار آغاز شد. و پس از چند ماه بالاخره با مصوبه شورای توسعه ی مدیریت و سرمایه ی انسانی کشور انتزاع وظایف برنامه ریزی، بودجه ریزی، آمار، نظام فنی، امور اداری استخدامی و آموزش و پژوهش از استانداری ها و شکل گیری نهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ها رسماً جامه قانونی به خود پوشید. در حال حاضر رؤسای همه سازمان ها منصوب شده اند، چارت تشکیلاتی ابلاغ، احکام صادر و روال قبل از سال ۸۶ تقریباً در استان ها

سازی و جاری شده است.

♦ اما سؤال این است که واقعا این ادغام چه تأثیرات و یا آسیب هایی داشت؟ چون از نظر برخی مدیران دولت قبل، ادغام سازمان های استانی با استانداری مبتنی بر یک ضرورت بوده. اما نیاز به احیای سازمان های استانی چطور؟ آیا با اصلاح و بازگشت به روال و چارچوب تشکیلات قبلی می توانیم شاهد کارکردهای بهتری در خصوص طرح ها و برنامه ها باشیم؟ واقعیت این است که اگر در انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و تفکیک آن به دو معاونت ریاست جمهوری استناد به مطالعاتی می شد که در داخل خود سازمان انجام شده و ضمن آسیب شناسی توصیه به دگرگونی و تجدید نظر در ساختار تشکیلات و ماموریت های آن داشت، در مورد سازمان های استانی که بر مبنای قانون مصوب شورای انقلاب شکل گرفته بودند هیچ گونه مطالعه و توصیه ای انجام شده ای وجود نداشت بلکه جدا از نوع نگاه به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و اینکه باید یک سازمان کوچک و صرفاً شریک در سیاستگذاری و مجری مصوبات باشد، لذا بی نیاز از گستردگی و واحدهای استانی است، به نظرمی رسد تجربه استانداری رییس جمهور وقت در استان اردبیل و گرایش به تمرکزگرایی در مدیریت و همه کاره بودن شخص استاندار به عنوان رییس جمهور استان (متناظر با رییس جمهور کشور) دلیل اصلی تغییرات صورت گرفته یعنی انحلال سازمان های استانی و ادغام وظایف در استانداری ها بوده است. زیرا بررسی ها و یافته های تجربی همه حکایت از توفیق سازمان های استانی در انجام وظایف و ماموریت های خود و انجام امور مدیریت توسعه استان با راهبری استاندار و حداقل مشکل را داشت.

♦ خیلی ها همان موقع این ادغام را غیر کارشناسی عنوان می کردند.

نگاه و ایده رییس جمهور وقت برای اجرا، چارچوب نهادی دیگری رامی طلبید. زیرا در آن هنگام و هم اکنون هم، علیرغم انتخاب استاندار با رای هیات وزیران، استانداری به عنوان بخشی از پیکره تشکیلاتی وزارت کشور تلقی می شود و استاندار نیز زیرمجموعه وزارت مذکور است و از آنجا حقوق می گیرد و ارزیابی می شود. این نکته ایراد اساسی ساختار فعلی مدیریت استانی است که از طرفی استاندار نماینده عالی دولت در استان است و از طرف دیگر استانداری بخشی از یک وزارتخانه و استاندار کارمند وزارت کشور تلقی می شود. چون وزارت کشور که همان وزارت امور داخله باشد مسئول تنظیم و برقراری سیاست و امنیت داخلی است و دو وظیفه اصلی برعهده دارد از

جمله برقراری و رصد امنیت در کشور که در این رابطه وزیر کشور رییس شورای امنیت کشور و استاندار رییس شورای تأمین استان است و همچنین برگزاری انتخابات به عنوان مجری اعم از انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، خبرگان و... و در استان این مسئولیت توسط استاندار و ستاد انتخابات استان انجام می شود.

♦ ماهیت و وظایف کار سازمان مدیریت و استانداری متفاوت بوده و هست.

بله، در حقیقت شاکله وزارت کشور یک شاکله سیاسی-امنیتی است در کنار سایر وزارتخانه ها که شاکله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... دارند. اما استاندار به عنوان نماینده عالی دولت راهبری مدیریت توسعه استان و هماهنگی دستگاههای اجرایی در این مسیر را برعهده دارد و البته مسئول تأمین امنیت استان نیز هست.

از این رو با یک تناقض نظری و عملی روبه رو هستیم. از یک طرف استانداری به عنوان نماینده استانی وزارت کشور مسئولیت و جوهره سیاسی-امنیتی دارد و از طرف دیگر استاندار نماینده عالی دولت و هماهنگ کننده دستگاههای اجرایی در مسیر توسعه استان است.

در دوره گذشته علیرغم حسن نیتی که به نظر می رسد در پشت پرده تصمیم گیری می تواند بوده باشد به دلیل وجود تناقض مذکور انحلال سازمانهای استانی و ادغام وظایف و ماموریت ها در وظایف استانداری ها از منظر لازم برخوردار نبوده و لذا آسیب ها و زیان هایش بیش از منافعش ارزیابی می شود.

♦ در واقع این اقدام هم اثرات استانی داشته و هم اثرات ملی.

بله، وضعیت گذشته حداقل از دو منظر قابل بررسی و

روسای سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان پس از انقلاب

آقایان مرتضی باقری نژاد به عنوان اولین رییس سازمان پس از انقلاب در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۰ منصوب شدند و پس از ایشان احمد میرزایی دومین رییس سازمان از تاریخ ۶۱/۱۲/۷ بودند و سپس در تاریخ ۶۶/۹/۴ احمد حسام محمودی نژاد به عنوان سومین رییس سازمان عهده دار مسئولیت شدند. آقایان محمد ابراهیمی چهارمین رییس سازمان و پس از ایشان سید کامل تقوی نژاد در تاریخ ۷۷/۲/۱۲ به عنوان پنجمین رییس سازمان و در نهایت آقای حسین آرامی ششمین و آخرین رئیس سازمان قبل از انحلال و ادغام سازمان با استانداری در تاریخ ۸۰/۸/۲۲ منصوب شدند

معاونین برنامه ریزی استان گیلان

بعد از ادغام سازمان در استانداری آقایان بهزاد ظهیری به عنوان نخستین معاون برنامه ریزی در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۶ و بعد از ایشان کیهان هاشم نیا سپس محمد حسین اصغریان به سمت معاون برنامه ریزی و اشتغال منصوب شدند

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان پس از احیای سازمان

پس از احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، آقای دکتر نوبخت معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲۳ طی حکمی آقای کیوان محمدی را به سمت رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان منصوب کردند

دیگر اینکه وزارت کشور یک وزارتخانه است و بالطبع وزیر در معرض تذکر، سوال و استیضاح قرار دارد و لذا هم وزارتخانه و هم استانداری متأثر از این ماهیت بوده و فشارهای سیاسی و ابراز نظرات و سلیقه های سیاسیون از جمله نمایندگان مجلس در اتخاذ تصمیمات چه در زمینه عزل و نصب ها و چه توزیع منابع تاثیرگذار بوده و لذا جریان امور را از ضابطه گرایی، برنامه محوری و عدالت گرایی به انحراف می کشاند. به شهادت سابقه کار و تجربه نظام برنامه ریزی، سازمان های استانی در زمان استقلال به عنوان نهادهای تخصصی بی طرف، ضابطه مدار و برنامه محور به شمار رفته و اصولاً کمتر در معرض مطالبات سیاسی غیرمنطقی بودند و به لحاظ اینکه سازمان مرکزی نیز مشمول سوال و استیضاح نبود با اعتماد به نفس بیشتر بر اجرای قوانین و مقررات و مضامین عدالت طلبانه اصرار و مقاومت می کردند.

♦ **ارزبابی شما از احیای سازمان مدیریت چیست؟**

با توجه به آنچه گفته شد احیای سازمان های مدیریت و برنامه ریزی استان ها نه یک گام، بلکه چند گام به جلو به شمار می آید و امید است تاثیرات این امر در شتاب گیری توسعه عادلانه استان ها هرچه زودتر آشکار شود. به علاوه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نیز با وجود نهادهای استانی و حضور موثر در پهنه سرزمین امکان توفیق بیشتری در انجام مأموریت ها و وظایف خود داشته باشد.

♦ **سخن پایانی شما؟**

شاید یادآوری یک نکته خالی از لطف نباشد. در سالهای ۸۴ و ۸۵ که مساله ادغام وظایف دراستانداری ها مطرح شده بود جمع بندی بررسی و تاملات اهل نظر و مدیران استانی و ملی در رفع تناقضی که در اول گفت و گو بدان اشاره شد بدین صورت بود:

- تاسیس نهاد استانداری در هر استان متناظر نهاد ریاست جمهوری در سطح ملی
- نهاد استانی وزارت کشور تحت عنوانی مثل سازمان امور کشور مثل سایر وزارتخانه ها
- سمت معاون استاندار داشتن برخی مدیران استانی مثل سازمان مدیریت و محیط زیست

تامل است. از نظر ملی و از نظر استانی.

از نظر ملی، نهاد برنامه ریزی کشور که وظیفه برنامه ریزی، بودجه ریزی، توزیع منابع انسانی، تولید آمار و اطلاعات، نظام فنی و اجرایی و رصد روند توسعه کشور را در سطح ملی برعهده دارد برای انجام این وظایف نیاز به بازوهای استانی داشته و دارد. حضور در نزدیکترین جغرافیای تصمیم گیری، لحاظ کردن اقتضات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بومی و محلی در تصمیم گیری ها، اطمینان از مراعات سیاست ها و اولویت ها در مرحله اجرا در دورترین نقاط سرزمینی، رصد مستمر و موثر آثار اجرای سیاست های ملی در سطح استان ها و شهرستان ها از جمله مواردی بوده که از قبل از انقلاب تاکنون وجه اشتراک نظر متخصصان و کارشناسان و مدیران بوده است. لذا انحلال واحدهای استانی، سازمان را از این بازوان توانا و کارآمد محروم ساخت.

نکته دیگر در این رابطه اغتشاش در نسبت مسئولیت ها و اختیارات بود، در حالی که برنامه ریزی و بودجه ریزی جزو وظایف ذاتی و تعریف شده نهاد برنامه ریزی بوده و هست، ابزار اعمال این وظایف در سطح استان در اختیار وزارت کشور قرار گرفته بود که مسوولیتی در این زمینه نداشت. یعنی نهاد ملی برنامه ریزی باید پاسخگوی مسایلی می شد که ابزارش در اختیار دیگران بود.

♦ **پیامدهای استانی این ادغام چه بوده؟**

۲- از نظر استانی سلسله مراتب تصمیم سازی و تصمیم گیری کارآمد توسعه در استان بدین ترتیب است که بودجه ریزی سالانه در قالب برنامه های توسعه میان مدت و برنامه های میان مدت در چارچوب اسناد راهبردی و برنامه های بلند مدت استان تعریف و اجرا می شود و این مقوله مستلزم ثبات نهاد برنامه ریزی و نظارت است که مجموعه اقدامات اجرایی و تصمیمات را در راستای منطقی و درست خود و به دور از سلیقه های شخصی و متغیر هدایت کند در حالی که ذات سیاست تطبیق، مصلحت سنجی و تغییر است به گونه ای که برای مثال استان گیلان طی سالهای ۸۴ الی ۹۲ یعنی در یک دوره ۸ ساله ۵ بار تغییر استاندار را شاهد بوده و این یعنی اعمال پنج سلیقه مختلف سیاسی و مدیریتی در فواصل کوتاه به نظام برنامه ریزی و بودجه ریزی استان.

حسین آرامی متولد بوشهر و دارای مدرک مهندسی برق از دانشگاه صنعتی اصفهان و کارشناسی ارشد برنامه ریزی سیستمها از مؤسسه عالی پژوهش برنامه ریزی و مدیریت است. وی طی سال های کاری خود مسئولیت های مختلفی داشته است. از جمله کارشناس و مسئول گروه برق در جهاد سازندگی، کارشناس مسئول امور تولیدی سازمان برنامه و بودجه بوشهر، معاون بودجه و نظارت و سپس رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی بوشهر بوده و از سال ۱۳۸۰ تا ۸۶ ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان را به عهده داشته اند. و پس از ادغام مسئولیت مدیرکل توسعه و هماهنگی امور استان ها، ریاست امور بودجه منطقه ای معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، ریاست امور آمایش و توسعه منطقه ای معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور از سوابق ایشان است. ایشان یکی از مدیران خوشنام و فعال هستند و قبلاً به عنوان مدیر نمونه استان در استان های بوشهر و گیلان و مدیر نمونه ملی سازمان برنامه و بودجه کشور به ریاست دکتر نجفی انتخاب شدند

رشت در حال خانه تکانی

رقیه ابراهیم زاده اصلی

هر بار که حرف از پروژه پیاده راه میدان شهرداری می شود من در جایگاه یک شهروند نظر موافق می دهم و این ثابت قدم ماندن باعث شده که اطرافیان متعجب شوند!

ابراز نظر موافق و مخالف به هنگام اجرایی کردن یک طرح بزرگ امری عادی است و اگر غیر از این باشد عجیب است. بنابراین لازم است ضمن معرفی هرچه بیشتر و بهتر پروژه پیاده راه، هم نظرات مثبت و موافق را انعکاس دهیم و هم نظرات منفی و مخالف را. به هر صورت هر شهروندی حق دارد که در مورد فضاهای عمومی شهر و دیارش نظر بدهد و انگیزه ای برای مشارکت در امور شهری داشته یا نداشته باشد. بی شک در این میان نظرات کارشناسان و دست اندرکاران که به علم و آگاهی و تخصص مجهز هستند در مرتبه بالاتری قرار می گیرد.

به نظر می رسد در بهترین حالت حتی اگر به همه کارکردهای هدف گذاری شده در پروژه پیاده راه سازی دست یابیم باز ممکن است نقایصی بروز کند، که بسیار عادی است. اما سوال این است

که مگر همه ی ما از این رکودی که در شهر بود گله مند نبودیم؟ مگر همه ما برای رنجوری رشت دل نمی سوزاندیم؟ مگر بارها از عظمت و شکوه فرهنگی و هنری دیرین رشت یاد نکرده و تاسف نخورده بودیم؟ مگر بارها نگفته بودیم چرا ده ها سال است که شهر رشت به لحاظ مبلمان شهری و امکانات رفاهی و حمل و نقلی هیچ تغییری را به خود ندیده؟ مگر نمی گفتیم رشت زیبایی اش را از دست داده؟ مگر نمی گفتیم ترافیک رشت سرسام آور شده؟ مگر نمی گفتیم و نمی گوئیم که بیکاری در رشت بیداد می کند؟ مگر... خب حالا عزمی جزم شده است که کاری انجام شود، تغییری، تحولی، ساخت و سازی و در یک کلام بازآفرینی شهر. و این عزم جزم شده تلاش می کند تا با مشارکت مردم گرد و غبار را از طرحی که سال ها پیش مصوب شده بزاید و آن را اجرایی کند.

البته برای شهری که سال ها تغییری به خود ندیده و شهروندانی که با رکود سر کرده اند به یک باره درگیر شدن با پروژه پیاده راه سازی در سه خیابان منتهی به میدان مرکزی شهر، آن هم با کمبود مسیرهای فرعی برای تردد اتومبیل ها، به نوعی با سردرگمی همراه بوده است. اما بالاخره کار را باید یک زمانی و از یک جایی شروع کرد.

وقتی نظر مردم کوچک و بازار را جویا می شویم، خیلی ها فکر می کنند که این پروژه بزرگ بدون داشتن برنامه مدون آغاز شده است در حالی که اینطور نیست و این در واقع شروع طرح بزرگ تغییر و تحول شهری است. بعضی از شهروندان طرح را خوب ولی زمان اجرا را نامناسب می دانند و می گویند «با وجود مشکلات مختلف شهری، پیاده راه سازی نباید در اولویت قرار می گرفت». تعدادی هم نظر منفی دارند و با اشاره به دزدی ها و رشوه خواری ها و اختلاس های پیش آمده توسط بعضی از مدیران و مسئولان متخلف دوره های گذشته واهمه دارند که نکند بودجه شهر به بهانه های مختلف حیف و میل شود بدون اینکه دزدی از مردم دوا شود. افراد مسن تر و بیمار هم بخاطر دور شدن بعضی از مسیرها گله مند

هستند. در بین مغازه داران و رانندگان تاکسی هم نظرات متفاوت است. بعضی ها با نگاه بلند مدت موافق طرح هستند و بعضی ها هم امیدی به بهبود شرایط اقتصادی در کوتاه مدت ندارند.

اما از این ها که بگذریم یک سوال اساسی ذهن را درگیر می کند و آن اینکه چرا با وجودی که افراد می خواهند شرایط بهتر شود ولی مخالف بعضی از طرح ها هستند و چرا افکار عمومی علی رغم اطلاع رسانی و تاکید مسئولان مبنی بر بهبود وضعیت شهر، به طرح ها و پروژه ها همراه با شک و تردید نگاه می کنند؟ به نظر می رسد مدیران و مسئولان برای کاهش این بی اعتمادی خیلی باید تلاش کنند و در پروژه پیاده راه رشت، جناب شهردار و دیگر مدیران مرتبط وظیفه خطیری در راستای اعتماد سازی و امانتداری به عهده دارند. چه قبل از این بعضا مدیرانی در سطح روستا، شهر، استان و کشور بودند و قول هایی می دادند اما هرگز آنچنان که باید محقق نمی شد و به بار نمی نشست. و این ها همه در ذهن مردم باقی مانده و موجب شده اقشار مختلف مردم فکر کنند که بعضی از مسئولان بیش از آنچه که باید به نفع



شهروندان کار کنند به نفع خودشان کار می کنند و نفع شخصی را بر نفع جمعی و عمومی ترجیح می دهند! بنابراین زدودن رسوب ذهنی بی اعتمادی به جا مانده از پس سال ها، کار سترگی است که بر دوش شهردار جوان و همکاران ایشان گذاشته شده و امید در تحقق این مهم موفق باشند. بی شک در این راه، اطلاع رسانی شفاف و جامع، معرفی پیمانکاران و شرح وظایف و تعهد آنها برای عموم شهروندان، تقویت ناوگان عمومی... و در یک کلام کار کارشناسی شده و اصولی از شک و تردیدها کاسته و مردم بیشتری را همسو و علاقمند به مشارکت خواهد کرد.



(عکس ها: علی شفیعی)

نظرات برخی از شهروندان (از اقشار مختلف دانشجو، کاسب، راننده، خانم خانه دار، کارشناس فنی، مسافر از شهر دیگر، کارمند، بازنشسته فرهنگی، محقق، استاد و...) در مورد پروژه پیاده راه سازی میدان شهرداری که تیتروار به نظراتان می رسد:

- همه شهر را داغان کرده اند.
- طرح خوب است ولی در اولویت نبود.
- بدون آماده کردن زیرساخت کار را شروع کردند.
- کم کم مردم عادت می کنند مثل پیاده راه خیابان علم الهدی
- باید این کار در بهار و تابستان انجام می شد نه در پاییز و زمستان
- وقتی سرویس درست و حسابی حمل و نقل عمومی نداریم نباید این کار را می کردند.
- بعضی ها عادت دارند با هر کاری مخالفت کنند به نظر من کار خوبی است.
- چون سال ها در رشت هیچ کاری انجام نشده برای مردم تازگی دارد، وگرنه در خیلی از شهرهای کشور و دنیا چنین پیاده راه هایی وجود دارد و کار خیلی عجیبی نیست. ولی باید ناوگان عمومی قوی باشد.
- خدا می داند که چقدر در این میان باید به جیب سوء استفاده گران برود، دلشان برای مردم که نمی سوزد.
- مسیر خیابان امام برای رفت و آمد بی آر تی به اندازه کافی عریض نیست. اگر مشکلی پیش آید چطور می توان خدمات رسانی کرد؟
- کاش اطلاع رسانی بیشتری از طریق روزنامه ها و تلویزیون انجام می دادند. ما هنوز نمی دانیم وقتی می گویند این تازه شروع کار است یعنی چی؟
- ما که امیدی به این کارها نداریم چون مردم شده اند بازیچه دست مسئولان. شما که این حرف ها را نمی نویسید، چرا می پرسید.
- کاش حالا که این کار را شروع کرده اند فکری هم برای اشتغال جوانان بیکار ما بشود.
- اجرای طرح ترافیک در میدان شهرداری خیلی رفت و آمد را برآیمان سخت کرده است.
- وضع کاسبی و بازار که خراب بود، خراب تر هم شد.
- برای ما بد نیست، از ترافیک همیشگی راحت شدیم و راحت تر مسافر سوار می کنیم. ولی خب در مسیرهای دیگر همکارانمان، مسافرانمان را از دست داده اند.
- لطفا بنویسید حالا که دارند اینقدر هزینه می کنند کار با کیفیت انجام دهند.
- فقط با پیاده راه ساختن نمی توان گردشگری را زیاد کرد باید به بخش های دیگر شهر هم برسند.
- چرا پیاده رو خیابان ها اینقدر زود خراب می شود؟ آیا اگر مصالح خوب به کار ببرند باز هم ظرف مدت کوتاهی پیاده رو خیابان ها داغان می شود؟

پیاده راه شروع یک طرح بزرگ برای توسعه شهر و استان است



گردشگری فرهنگی کار کنیم. در واقع باید روی داشته هایمان بیشتر کار کنیم. به عنوان مثال شاید در صنعت استان مزیت رقابتی نداشته باشیم که بتوانیم با صنایع دیگر رقابت کنیم. و یا در حوزه کشاورزی چقدر می خواهیم خرید تضمینی انجام دهیم؟ اصلا آیا نسل بعدی علاقه دارد کار کشاورزی پدر را ادامه دهد؟ و این ها واقعیات است، اگر می خواهیم با واقعیات روبرو نشویم که هیچ، باید به همان حالت قبلی ادامه دهیم. اما دیگر رفتارهای عوام فریبانه و پوپولیستی جایی ندارد. مردم با این حرف ها زندگی نمی کنند و نان شب با این حرف ها در نمی آید. ما باید واقعیات را ببینیم و مردم را با واقعیات آشنا کنیم».

در حوزه فرهنگ و هنر و سلامت می توانیم تولید ثروت بکنیم

دکتر ثابت قدم با بیان اینکه عقبه شهر رشت تئاتر و کتابخانه و فعالیت های فرهنگی است می افزاید: در دوره قبل سازمان فرهنگی را فعال کردیم و امسال هم در حال فعال کردن محلات هستیم و اعتقاد داریم در حوزه فرهنگ و هنر و سلامت می توانیم تولید ثروت بکنیم».

اگر قرار است تغییر کنیم باید همه اجزایمان تغییر کند

شهردار با تاکید بر حفظ محیط زیست می گوید: گاه می گویند چرا ۳۷ درخت را قطع کردید. اما شاید بعد ۳۷ هزار درخت رشد کند. قرار نیست همه چیز سر جای خودش باشد اما تغییر هم داشته باشیم. اگر قرار است به همان مدل قبل زندگی کنیم که هیچ ولی اگر قرار است تغییر کنیم باید همه اجزایمان تغییر کند. باید خودمان و زندگیمان را ارتقا دهیم».

طرح باز آفرینی شهری سند چشم انداز ۱۰ است وی با تاکید بر اینکه طرح باز آفرینی شهری، سند چشم انداز مادر ۱۰ سال آینده شهر رشت است می گوید: تلاش می کنیم با اجرای طرح های کوتاه مدت و اثر گذار اعتماد سازی کنیم و شرایط را برای حضور مسافران و گردشگران فراهم کنیم».

(عکس ها: روابط عمومی شهرداری رشت)

و از این تعداد فقط ۳۵ اتوبوس قابل استفاده است. بنابراین بد نیست اول به تمام اجزای فعلی شهرمان و وضعیت موجودمان توجه کرده و بعد قضاوت کنیم. قطعاً شهرداری ضعف هایی دارد اما باید با هم کمک کنیم و با رعایت حقوق شهروندی سرمایه های اجتماعی مان را قدر بدانیم».

آیا زیر ساخت فقط خیابان است

شهردار با بیان این نکته که چند درصد شهر الان فعالیت مولد دارد ادامه می دهد: «بالغ بر ۸۰ تا ۹۰ درصد سرمایه های این شهر سرگردان هستند. و یا ما ۶ هزار و ۲۰۰ تاکسی مجوز دار (به جز تاکسی تلفنی) داریم اما فقط حدود ۲ هزار و ۸۰۰ تاکسی دارند کار می کنند. پس بقیه کجا هستند؟ آیا تاکنون این سوالات را از مسئولین وقت پرسیدید؟ بعد می گوئیم حمل و نقل عمومی ما زیر ساخت ندارد. آیا زیر ساخت فقط خیابان است؟».



باید واقعیات را ببینیم و مردم را با واقعیات آشنا کنیم

وی اضافه می کند: تا زمانی که ما زیرساخت های لازم را در شهر ایجاد نکنیم، تقاضا وجود ندارد و سرمایه گذار در این شهر سرمایه گذاری نمی کند. بنابراین باید احساس نیاز بوجود آید، همانطور که طی این روزها چندین سرمایه گذار برای احداث پارکینگ طبقاتی پیشنهاد دادند. باید ببینیم که هر سرمایه گذاری به دنبال اضافه کردن سرمایه خود است. اما الان چقدر شهروندان مشارکت دارند و چقدر سرمایه داران شهر حاضرند در راستای منافع شهر کار کنند؟ باید روی بناهای قدیمی و تاریخی خودمان در راستای توسعه

گیلان فردا - شهردار رشت انجام پروژه های مربوط به توسعه شهری را به متناهی یک جراحی ارزیابی می کند و می گوید: «شاید پرداخت چنین هزینه ای برای من در جایگاه شهردار و همکارانم از دید خیلی ها عقلانی نباشد. ولی باید این موضوعات را یک روز آغاز کرد. شاید در همین زمان نتایج واقعی آن معلوم نباشد، اما این کار یک مقوله فرهنگی است که قابلیت تولید اقتصادی زیادی هم دارد».

دکتر ثابت قدم، پیاده راه را شروع و مبدا یک طرح بزرگ برای توسعه شهر و استان ارزیابی می کند و می گوید «ما یک وسعت محدود با یک جمعیت به نسبت زیاد در استان داریم. ۷۵ درصد اراضی استان، منابع طبیعی است و عمده خدمات ما در شهر مرکزی رشت است. و متأسفانه در استان شهرهایی داریم که جمعیت شاغل آن کم و بیکاری بالاست. و وقتی اشتغال نباشد اثرات و پیامدهای آن در روح و روان ... اثر می گذارد. به عبارت دیگر گیلان داری مساحتی بالغ بر ۱۴ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون پانصد هزار نفر است که تراکم جمعیت در مرکز شهر بسیار بالاست و بیکاری و ترافیک از معضلات این شهر محسوب می شود. صنعت و کشاورزی هم در این شهر نتوانسته اشتغال ایجاد کند و تبعات آن هم حضور دستفروشان در مرکز شهر است، و با اینکه ایجاد اشتغال از وظایف سازمانی ما نبوده و نیست اما در راستای رفع معضل سد معبر، ایجاد فضاهای جدید برای دستفروشان تبدیل به وظیفه شهرداری شده است. البته شخصاً خوشحال می شوم که بتوانم برای مردم رشت اشتغال ایجاد کنم».

عادات قدیمی مان را کنار بگذاریم

وی در جلسه پرسش و پاسخ با خبرنگاران با تاکید بر اینکه باید عادات قدیمی خودمان را کمی کنار بگذاریم می گوید: «اگر قرار باشد یک بار با موضوع برخورد بی واسطه، جدی و واقعی بکنیم راهی ندارد جز اینکه بفهمیم موضوع چیست؟ و اگر بدانیم که ترک عادت با همه سختی، پاسخ خوبی برایمان خواهد داشت بهتر است این کار را بکنیم. آیا خروجی رفتارهای قبلی ما خوب بوده؟ اگر خوب بود که کشور ما در حال توسعه نبود و می شد یک کشور توسعه یافته. و استان ما هم این همه بیکار نداشت. بنابراین معیارهای سنجش ما قابل قبول نیست که بگوئیم وضع موجود ما خیلی خوب بوده است».

کدام مشخصه از رشت

نشاندهنده یک شهر سالم است

دکتر ثابت قدم با اشاره به اینکه سند چشم انداز ما برای ۱۰ سال آینده رشت تدوین شده اضافه می کند: «ما امروز با حضور مردم، سازمان ها و تشکل های مردم نهاد بخشی از این سند چشم انداز را ارایه می کنیم. تا مردم از گردش در شهر رشت لذت ببرند. اما الان کدام مشخصه از رشت، نشاندهنده یک شهر سالم است؟ ما ۵۶ درصد خودرو تک سرنشین داریم. تعداد اتوبوس های ما باید ۳۰۰ تا می شد که ۱۱۰ تا است

ضرورت توجه به توسعه درون زا، خود بنیاد و مردم نهاد

یا زمین خواری) و نوظهوری را موجب می شوند، علی الخصوص وقتی که تجدید نظر طرح جامع با کاربری های شناور تدوین و بیش از سطح موجود شهر به صرف کلانشهری عرصه های زراعی همجوار شهری را آن هم در محدوده قطب کشاورزی و گردشگری غیر ضروری به اراضی شهری تبدیل کند، این موضوع را تشدید نیز می کند. که با توجه به تنگناهای موجود تامین مالی پروژه های شهری از سوی دستگاه های ذیربط، جمع منافع پیش بینی شده توسعه شهری غالباً این منابع دستخوش تاراج از سوی بخش خصوصی شده و سهم بخش دولتی (مردم محوری یا حقوق شهروندی) در این میان ناچیز و نادیده گرفته می شود که غالباً به این روند شکل شرعی و قانونی هم داده می شود و تنها مغموم این گذر همان شهروندانی هستند که به جای مشارکت در ساخت شهر برای شهر هدف ضرر و زیان مضاعف می شوند.

۲ از ویژگی های بارز این گونه طرح ها نحوه نگرش برنامه ریزان و طراحان به صرف نگرش طراحی شهری آن است و هیچ توجه و علاقه ای به حفظ منابع و پایداری محیط نداشته و مهمتر اینکه با افزایش محدوده و پهنه بافت خالی جدا از کاهش شدید تراکم به منظور تامین بار مالی تراز فیزیکی شهری، حجم بزرگی از توسعه معضلات شهری و افزایش شدید هزینه زیرساختی را به دستگاه های اجرایی تحمیل می کند چرا که در پیوستگی و تداوم زمانی و همسانی اجرای برنامه ها در دوره زمانی طرح مصوب که نشانگر پویایی شهری و دیدگاه آینده نگر مدیران شهری است به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی گیرد که این امر مغایر است با دیدگاه مردم محوری شهر که به دنبال احساس مسئولیت نسبت به حقوق شهری و سرنوشت شهر است و از نکات بسیار موثر در تجدید حیات هر شهر به شمار می آید.

۳ حقوق شهری از دیدگاه مردم محور هر جامعه شهری، نه صرفاً در حکم میراث، بلکه به مثابه ثروت است و هدف نه تنها حفظ دارایی های موجود، بلکه افزودن بر این ثروت ها و ایجاد دارایی های جدیدتر است. به همین دلیل طرح تجدید نظر شهری می باید با هدف تثبیت بازده اقتصادی و خارج کردن شهر از وضعیت رکود و افزایش سطح اشتغال و درآمد باشد و با این مباحث ارتباط تنگاتنگ دارد نه آنکه منابع و منافع مدیریت

تامین مسکن مواجه نبود زیرا در هیچ مقطع زمانی ولو با رشد جمعیت و مهاجرت این مناطق با کمبود مسکن روبرو نبوده بلکه با آن همسان بوده اند، ولی متأسفانه این منطقه همیشه با کمبود غم انگیز توسعه بافت شهری درگیر بوده است، زیرا عامل جمعیت رو به رشد که اکثر طرح ها بر آن تاکید دارند نمی تواند به تنهایی علت افزایش چشمگیر محدوده شهری و قیمت املاک شهری باشد، بلکه کاربرد الگوی اشتباه کالبدی شهری است که این وضعیت ها را تشدید کرده و باعث پیدایش سکونت گاه های غیر رسمی می شود، زیرا اندیشه توسعه شهری تاکید بر ایجاد درآمد از طریق الزامات ضوابطی بیش از خاستگاه و مشارکت مردمی و توان محیطی دارد، الزاماتی که بر توانمند کردن بخش خصوصی برای استحصال درآمد از طریق غیر شرعی (بزاز بفروش) بر توسعه تاکید می ورزد که منشا آن اضافه تراکم به صرف تامین درآمد برای اقتصاد شهری است، و برای همین از زمان پیدایش قوانین توسعه شهری که برگرفته از قوانین جهان در حال توسعه بوده است شهرها هیچگاه برای شهروندان طراحی نشده و به همین دلیل به جای داشتن آرامش و هویت دارای انواع نارسایی ها و کمبودها و نهایتاً معضلات شدید ناپایداری اند.

با مروری بر تجربیات گذشته که بی توجه در تجدید نظر طرح ها صورت گرفته به نکاتی بر می خوریم که قابل تامل است. به عنوان مثال:

۱ در برنامه و طرح های تجدید نظر طرح ها همیشه تاکید زیادی به وضع موجود می شود نه تبعات آتی آن، از جمله توجه خاص به کسب درآمد و بازگشت سرمایه ها (غیر مردم محور) معطوف شده، مثلاً تامین درآمد مالی و تراز فیزیکی شهر ناشی از خرید تراکم مازاد که به هیچ وجه مردم عادی قادر به خرید آن نیستند بلکه الزام به آن برای واگذاری به غیر (بزاز بفروش و ها) است، که به هیچ وجه با مفاهیم سرمایه گذاری و جذب آن تطبیق ندارد و جدا از نقش توری این روند در اقتصاد ملی و منطقه ای علی الخصوص دستیابی واقعی به درآمد ناخالص ملی، موجبات هزینه های سربار قابل توجه و تحمیلی را هم در بخش زیر ساخت های شهری به سیستم های اجرایی وارد می کند. به مثل همه داد و ستدهای غیر رسمی شهری که تجارت غیر رسمی (دلالی

سید مهدی ضیابری

اگر در مورد بسیاری از نگرانی های عمده شهر نشینی امروز که از آن به عنوان بزرگترین چالش ناپایداری توسعه اعم از محیطی و منابع طبیعی و انسانی یاد می شود فکر کنیم، به یک پاسخ بیشتر نخواهیم رسید و آن اینکه منشا دامنه تخریبی و



ناپایداری شهری و روستایی منطقه از اندیشه نفوذی و فقر فکری در طراحی شهری آن است، نه از «اندیشه توسعه درون زا و خود بنیاد و مردم نهاد».

این موضوع عمده نگرانی هایی است که متفکرین انسان گرا و هواداران محیط زیست معتقد و متعهد به دانش بومی را در رویارویی با دانش کلاسیک در مسایلی مانند اکوسیستم های متعادل، مشارکت مردم، سبک های زندگی مناسب، فناوری بومی، تولید و بازیافت مواد زاید و مانند آنها قرار می دهد، چون یک سوال همیشه در این راه بی پاسخ مانده است و آن اینکه شهری که هنوز یک روستا شهر بزرگ است چگونه می تواند با معیارهای جهانی کلانشهر شود، آن هم از نوع کلانشهرهایی که با توجه به چالش های جهانی آب و هوایی خود می رود که روستا شهر شود، این از آن جهت بیان می شود که مدت مدیدی است برنامه ریزان و طراحان شهری این کلانشهرهای مترو پولیتن جهانی به دنبال توسعه تولیدات روستایی از سقف های سبز گرفته تا طراحی کالبدی برج ها هستند که بتوانند به مزارع کشاورزی دست پیدا کنند، و این در حالی است که جمع شهرهای منطقه هم اکنون نیز خدادادی از این مزیت برخوردار بوده اند، مکان هایی که هزاران سال است مردم آن سرپناه های شگفت انگیز (با مصرف انرژی کم و چشم انداز وسیع) ساخته اند و در واقع شگفتی در همین است که اگر شهرهای ما با اندیشه توسعه درون زا، خود بنیاد و مردم نهاد و به دور از اندیشه نفوذی و فقر فکری در برنامه ریزی و طراحی توسعه می یافت ما هیچوقت در رویای واهی کلانشهر شدن به سر نمی بردیم، زیرا اگر توسعه شهری و روستایی ما به مثل گذشته های دور همسان بود، طراحی شهری با الگوی



مستقل شهر را تامین کند و مصرف هزینه کل (بودجه عمومی) زیر ساخت ها را افزایش داده و مشارکت های مردمی و استقلال مدیریت محلی را در تصمیم گیری های مربوطه در سرنوشت اقتصادی شهر نادیده انگارد و اخذ مصوبات قانونی را با این روند هماهنگ کند. و یا مصوبات قانونی را برای تصمیمات غیر واقعی به کار گیرد. مشارکت مردمی در برنامه ریزی و طراحی و اجرای پروژه ها از نکات چشمگیر توسعه شهری است که اگر با فرهنگ و نگرش های اعتقادی و خود باور و خود بنیان جامعه هماهنگ نباشد موجب تخریب فرهنگی و ناپایداری اجتماعی می شود که این پدیده متاثر از نفوذ تفکرات غیر متوازن بومی بوده و متعاقباً در روند اجرا به معضل شهری بدل می شود. یکی از مهمترین اهداف تجدید نظر طرح آماده کردن اذهان عمومی برای پذیرش یک رویکرد متوازن برای تحول و خروج از رکود و افزایش سطح اشتغال و درآمد موجود و تثبیت شده آتی شهر است، بدون آنکه خدشه ای بر خودباوری و اعتقادات جامعه تحمیل کند، پس الزام است برای پذیرش چنین رخدادی نظر خواهی از آنان (طراحی بر پایه مردم نهاد) از ویژگیهای طرح های توسعه به شمار آید.

با توجه به نکات فوق طرح تجدید نظر شهری کلانشهر رشت هر چند در مراجع ذیربط بر اساس پیشنهادات و وضع موجود تهیه و در مرحله اجرا قرار دارد اما بر اساس نکات ذیل ممکن است مشکلی را نگشاید بلکه حتی بر ناپایداری محیطی اثرات غیر قابل جبرانی بگذارد، زیرا مسئله افزایش وسعت شهر به معنای ضرورت خدمات رسانی به ناحیه ای بزرگتر است و این کار نه تنها تراکم مسکونی را کاهش نمی دهد بلکه به گونه ای نامناسب رشد غیر متوازن را ایجاد می کند که از آن جمله زمان سفر و هزینه ی حمل و نقل عمومی را افزایش خواهد داد، اما این اتفاق می تواند پدیدار نشود و این توسعه یافتگی می تواند به دلیل نزدیکی روستاهای همجوار که توسط شهر بلعیده می شود کنترل و ساماندهی شود، با توجه به اینکه مناطق مذکور هم دارای طرح ناحیه ای و هم شهرستان مصوب هستند، با این تاکید که مهاجرت های روستایی به شهر در گذشته هیچ وقت برای سکونت رخ نداده است بلکه بیشترین شکل مهاجرت برای دستیابی به اشتغال بوده است و تامین مسکن و واگذاری خانه های دور از مرکز شهری کمک زیادی به جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهردر منطقه نمی کند ولی عمده این محدوده های الحاقی به شهر سریعاً به محله های فقیر نشین شهری تبدیل می

شوند که نیروی کار ارزان صنایع موجود در آن محدوده را تامین کنند و وقتی فرصت اشتغال صنعت نباشد می شود همان بیکاری شش ماه از سال روستا و به مراتب معضلات شدیدتر شهری را پدیدار و پایدار می کند.

در حالی که اگر طرح های توسعه شهری همگام با مشارکت مردم و دانش بومی همگن شود بدون شک توسعه ای پایدارتر و همگن اتفاق خواهد افتاد، زیرا هر توسعه ای در گام نخست می بایست به تناسب نیازها و توانمندی محیطی و بهره گیری و ارزیابی متوازن از منابع، نسبت به درآمد رشد معقول داشته باشد، اگر فضای اشتغال شهری تهی از نمادهای اقتصادی باشد توسعه شهری مفهوم خود را به عنوان مهاجر پذیری از دست می دهد و خود شهر مهاجر فرست می شود، پس ضرورت افزایش محدوده معنی ندارد، و این امر آن بخش از مشاغل ساکن روستایی که در حال فعالیت هستند را نیز حذف کرده و بر میزان مهاجر فرستی روستا می افزاید. توسعه باید متاثر از هویتی باشد، هویتی که از درون جامعه بر می خیزد، چرا که این هویت بر پایه نیازهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی است، نه اینکه توسعه شهری بر پایه اصل هویت بخشی باشد و اگر هم چنین باشد به مثل مطالب قبل می باید بطئی و تدریجی و متوازن باشد. مثلاً در حمل و نقل باید بر حسب ضرورت و نیاز شهری از یک سیستم حمل و نقل ساده و موفق و مورد استقبال مردم شروع شود و به تدریج شبکه ای پیچیده بنا به ضرورت های غیر قابل حل تبدیل شود. در غیر این صورت برای توسعه یک معضل محسوب می شود.

با توجه به اینکه در طرح جامع قبلی کلانشهر وجود شبکه های شریانی رینگ به دلیل غیر همگونی با اصالت خطی شهر پاسخگو نبوده و هزینه های تقاطع های غیر هم سطح را بر شهر تحمیل کرده و پاسخ گوی نیازهای شهری نبوده چرا در طرح تجدید نظر جامع جدید رینگ شریانی نعلی شکلی از شمال، غرب و جنوب پیش بینی می شود و در شرق شهر بلا تکلیف رها می شود، و برای چنین حرکتی محدوده شهر با افزایش چشم گیر زمین شهری معادل سطح پر شهر از اراضی کشاورزی استفاده می شود که حتی در ضوابط پیشنهادی طرح تفصیلی هم پاسخ مناسبی از آن دریافت نمی شود، و مجموعه ضوابط پیشنهادی طرح تفصیلی مشخصاً بیان نمی کند که ما بدنبال محدود کردن شهر بر پایه افزایش تراکم هستیم و یا گسترده گی شهر. این موضوع بیانگر این واقعیت است که برخی، تنها به یک راهبرد جایگزین اندیشیده اند که آن هم ناپایداری محیطی و بی ثباتی

توسعه آتی شهری است. و این مغایر با سند چشم انداز ملی است که طبق اسناد آن تاکید بر پایداری توسعه و حفظ منابع طبیعی در قالب ارزیابی کاربری های موثر و فعال به مثابه بهترین راه و روش صیانت از آنها تاکید می شود، یعنی حفاظت و بهبود محیط زیست و رفاه عمومی ناشی از شناخت توانمندی ها و امتیازها و منابع موجود در هر محدوده و تشخیص نقشی شایسته و مناسب برای منطقه شهری که از ضروریات اصلی تجدید نظر طرح های جامع موفقیت آمیز به شمار می آید که این خود نیاز به نگرش و بینشی دارد که به درستی تشخیص دهد کجا نیازهای بالقوه نهفته است و چه کاربری هایی برای شهر مناسب است، چالش اصلی در این میان، ایجاد ظرفیت و استعداد رقابتی برای این گونه مناطق است. هر محدوده در دست توسعه مانند سایر بخش های اقتصادی نیاز به ایجاد شالوده اقتصادی متنوع و نیز برقراری تعادل میان نیازها و خواسته های متفاوت دارد و این امر می تواند از طریق ارائه مستمر کاربری های ترکیب شده حاصل شود. نقشی که در طرح تجدید نظر کمتر به چشم می خورد

مهندس سید مهدی رضوی ضیابری، فارغ التحصیل دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، از مدیران اسبق شهرسازی و معماری سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان طی سال های ۶۹ تا ۸۱ بوده است، ایشان دبیر کمیسیون های شورای عالی شهرسازی استان، کمیسیون ماده ۵ و عضو ارشد کمیسیون های تصویب طرح های هادی شهری و روستایی و تبدیل اراضی و دبیر کمیسیون ماده ۱۳ و عضو ماده ۹۹ آئین نامه احداث بنا در خارج از محدوده نیز بوده است.

مدیرعاملی شرکت فراگیر عام قائم و ریاست هیات مدیره شرکت هنر و اقلیم از دیگر مسئولیت های ایشان بوده است.

مهندس ضیابری همچنین مسئولیت ریاست، مدیریت، طراحی، اجرا و مشاوره در بیش از ۹۰ پروژه بزرگ را به عهده داشته و دارد.

ایشان که یکی از بانیان نظام مهندسی ساختمان و یکی از بانیان قانون میراث فرهنگی و گردشگری بوده، عضویت در هیات مدیره سازمان مسکن سازان گیلان، هیات مدیره منطقه ویژه اقتصادی بندرانزلی، هیات مدیره سازمان نظام مهندسی گیلان، هیات مدیره مجمع متخصصین استان گیلان را نیز در سوابق خود دارد.



در شهر نباید با دیوارهای عمودی برخورد کنیم

کاهش ساخت و ساز به ۵۰ درصد دوران رونق رسیده است

مهندس صابر عضو کمیسیون توسعه و عمران شورای شهر رشت و هیات مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان، نیز عمده دلیل کاهش ساخت و ساز ساختمان در رشت را چرخه اقتصادی نامناسب در کشور عنوان کرد و گفت: کاهش ساخت و ساز هیچ ربطی به نظام مهندسی و طرح تفصیلی ندارد. برخی در این خصوص تحلیل‌های نامناسب دارند. ما استان‌های دیگر را رصد کردیم، کاهش ساخت و ساز ساختمانی در آن مناطق نیز رخ داده و بحث ارجاع نظارت هیچ ربطی به ساخت و ساز نداشته بلکه ناشی از مسئله اقتصادی است. وی گفت: در حال حاضر از سوی شهرداری هم صدور پروانه ساختمانی کم شده و این نشان می‌دهد تقاضای صدور پروانه از طرف کارفرما و بساز فروش‌ها کاهش داشته است.

وی در خصوص اجرای طرح تفصیلی اظهار داشت: تلاش می‌کنیم اجرای این طرح برای کل رشت اتفاق بیفتد. فعلاً برای منطقه چهار رشت اجرای طرح ابلاغ شده و برای مناطق یک و دو و سه هم به دنبال ابلاغ آن هستیم.

وی افزود: سیاست‌گذاری دولت و حاکمیت در اجرای طرح تفصیلی کاهش تراکم در محلات و مناطق مختلف رشت است. توسعه شهری برای عموم مردم بهتر است که همراه با توسعه خدمات رسانی به کل شهروندان همراه باشد. به نظر ما در شهر نباید با دیوارهای عمودی برخورد کنیم بلکه شهری با مبلمان زیبا و ساخت وسازهای اصولی می‌خواهیم. مشاورینی که مطالعه طرح تفصیلی را انجام داده‌اند جمعیت در حال حاضر شهر و امکانات زیر ساختی و رفاهی و فضای سبز را در نظر گرفتند. اگرچه به عنوان یک متخصص معتمد طرح تفصیلی نواقصی دارد اما نسبت به قبل، اصلاحات زیادی در آن صورت گرفته و آن چیزی که الان از طرح، در حال اجرایی شدن در برخی نقاط است خیلی خوب و بهتر از گذشته است.

وی در ادامه با اشاره به کاهش ساخت و ساز در رشت نسبت به سال‌های گذشته و دوران رونق ساخت و ساز، با کاهش و طرح تفصیلی در این خصوص تأثیرات خیلی کمی داشته و با قاطعیت معتقدم چرخه اقتصادی نامناسب در کشور دلیل این رکود است. در سال جاری نسبت به سال‌های گذشته و دوران رونق ساخت و ساز، با کاهش مواجه بودیم و ساخت و ساز الان به ۵۰ درصد دوران رونق گذشته رسیده است.

لازم به ذکر است طرح تفصیلی بر اساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع، نحوه استفاده از زمین‌های شهری را در سطح محلات مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آنها را تعیین می‌کند. تراکم در واحدهای شهری، اولویت‌های مربوط به مناطق بهسازی، وضع دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور و میزان تراکم جمعیت، توسعه و حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهری از دیگر اهداف طرح‌های تفصیلی عنوان شده است.

نیز گفت: در انتخاب مهندسین ناظر ساختمانی از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان سلیقه‌ای عمل می‌شود. مشکل اصلی دفاتر فنی سیستم اجرای نظارت است و این مساله باعث کاهش کار شده و کارفرمایان هم راغب نیستند با هر مهندسی کار کنند. البته این یک مشکل کشوری است و فقط مربوط به شهر رشت نیست.

وی همچنین با اشاره به طرح تفصیلی شهر رشت گفت: طرح تفصیلی طرح خوبی است به شرطی که فقط منافع برخی‌ها در آن لحاظ نشده و زمین‌ها و ملک آنها در طرح نباشد. هم اکنون بیشتر زمین‌های مسکن و شهرسازی در طرح تفصیلی، تجاری و زمین‌های دیگر معمولی تعیین شده‌اند. از سوی دیگر برای بعضی محلات تراکم کمتر و پارکینگ‌های اختصاصی برای همه واحدها در زمین‌های با متراژ کوچک در نظر گرفته شده که خود این مساله نیز در کاهش ساخت و ساز تأثیر زیادی داشته است.



نداشتن توجیه اقتصادی موجب کاهش در ساخت و ساز رشت شده

مهندس رجبی، عضو شورای اسلامی شهر رشت و عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان با اشاره به اینکه نهایی شدن طرح تفصیلی با مشخصات موجود، تشکیل کمیته تفاهم و توافق در شهرداری و اختصاص مکانی مناسب برای سرمایه‌گذاران از جمله پیشنهادات برای بهبود وضعیت ساخت و ساز در شهر رشت است افزود: به نظر من از سوی شهرداری باید طرح‌های تشویقی برای کارفرمایان ارائه شود. چون اگر توجیه اقتصادی برای سازندگان وجود نداشته باشد و از سرمایه خود آن بازخورد مورد نظر را کسب نکنند یا دست از ساخت و ساز برمی‌دارند یا با ساخت و ساز غیر اصولی در شهر آشفته‌گی به وجود می‌آورد.

وحیده اسماعیلی

اجرائی شدن طرح تفصیلی شهر از سوی وزارت مسکن و شهرسازی برای برخی از مناطق رشت سبب شده تا کاهش محسوسی را در ساخت و ساز ساختمان‌های چند طبقه در سطح شهر شاهد باشیم و این امر به خودی خود کاهش قیمت ملک، زمین و ساخت و ساز را در برخی از مناطق رشت در پی داشته است. بیش از یک سال از دستورالعمل سازمان نظام مهندسی ساختمان مبنی بر تعیین مهندس ناظر ساختمان از سوی این مجموعه در ساخت و سازهای شهری می‌گذرد. دستورالعملی که تا حدود زیادی اعتراضات دفاتر فنی و مهندسی ساختمانی را در پی داشت و اینکه افراد زیادی از سوی این دفاتر به دلیل کاهش ساخت و ساز، تعدیل نیرو شدند. به گفته برخی از مهندسین حاضر در این دفاتر سختگیری سازمان از یک طرف موجب کاهش ساخت و ساز و کم رونقی در امر مسکن شهری و از سوی دیگر باعث نارضایتی کارفرمایان و بساز و فروش‌ها شده است.



بازار کار و سهمیه به طور یکسان در نظام مهندسی توزیع نشده

مهندس نعیمی مدیر یکی از دفاتر فنی مهندسی رشت در این باره می‌گوید: همه کارفرمایان و دفاتر فنی، مهندسین ناظر مخصوص به خودشان داشتند. و در واقع با کار او به خوبی آشنا بودند اما بعد از جلوگیری نظام مهندسی ساختمان از انتخاب ناظر توسط دفاتر، عملاً کارفرمایانی که کار آماده ساخت در اختیار داشتند برای مدتی از ساخت و ساز دست کشیدند و یا کار خود را به تعویق انداختند. این مساله در نهایت کاهش تقاضای ساخت و ساز و هزینه‌های دفاتر فنی را در پی داشت تا جایی که حدود ۲۰۰ دفتر فنی به این دلیل تعطیل شدند. نعیمی افزایش تعرفه‌های نظام مهندسی و شهرداری، مالیات و کاهش صدور پروانه‌های ساختمانی را از دیگر علل کاهش ساخت و ساز در رشت عنوان کرد و افزود: انتخاب مهندس ناظر از سوی نظام مهندسی موجب شده تا به برخی از این افراد که دارای سهمیه بیشتر و پایه بالاتری هستند، کار بیشتری اختصاص داده شود و برخی دیگر عملاً بیکار بمانند. در حالی که باید بستری فراهم شود تا نقش جوانان در نظام مهندسی پر رنگ تر و با شفاف سازی اداری و اسنادی بحث عدم اعتماد رفع شود. وی تأکید کرد: باید بازار کار و سهمیه به طور یکسان توزیع شود تا مهندسین برای اجرای بخش ارجاع و تعرفه‌ی خود به مشکل برخورد نکنند.

بیشتر زمین‌های مسکن و شهرسازی در طرح تفصیلی، تجاری معرفی شدند

مهندس عابدی مسوول دفتر فنی ساختمان در رشت

رودخانه بزرگترین تصفیه خانه است

گیلان فردا - شاید بیش از هر چیز دیگر جدیت، علاقه و انرژی مثبت او بود که در اولین جلسه مطبوعاتی نظرم را جلب کرد. نمی دانم چند درصد از خبرنگاران حاضر در جلسه با من هم نظر هستند، ولی به اعتقاد من یکی از کیفی ترین جلسات مطبوعاتی بود که تا کنون حضور داشتم. چون کاملا مشخص بود که شعار نمی دهد و توانمندی و تخصصش را دارد. برای طیف وسیعی از ما خبرنگاران که به جلسات مشابه و دعوت می شویم، حضور در یک جلسه مطبوعاتی به شیوه تقریباً کارگاه آموزشی شاید تازگی داشت، و این نوید را میداد که چشم به راه اتفاقات خوب در بخش منابع آبی و حل مشکلات مرتبط باشیم. مهندس نیکخوی که اخیراً به عنوان سرپرست شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان انتخاب شده است، با تاکید بر اینکه در این حوزه بدون مشورت هیچ تصمیمی نخواهد گرفت گفت: «آب موجود زنده است و باید با رودخانه دوست باشیم». وی چند بار ضمن صحبت، مانند یک معلم و استاد منحنی هایی را روی تابلو وایت برد که از قبل آماده شده بود رسم کرد تا بتواند موضوع مهم «مقطع مرکب در هیدرولیک» یا به بیان ساده تر «مهندسی علمی جریان آب» را برای حاضران تشریح کند و بگوید که چطور با این روش توانسته اند در بخش پیربازار مشکل مرتبط را حل کنند. و یا توضیح دهد که چگونه با داشتن رودخانه های زیاد در استان، می توان درآمد گیلان را به ۱۰ برابر افزایش داد. وی ضمن قدردانی از زحمات رئیس پیشین و همچنین قدردانی از زحمات استاندار، حضور دکتر نوبخت در معاونت ریاست جمهوری را افتخار استان و یک ظرفیت برای گیلان برشمرد که باید به بهترین شکل برای حل مشکلات استان از ایشان بهره گرفت. گفتنی است وی دارای مقالات متعدد علمی بوده و ۱۸ سال است در دانشگاه های مختلف گیلان تدریس می کند و به زودی از دانشگاه ساری، در رشته مهندسی در مقطع دکترا فارغ التحصیل خواهد شد. در ادامه بخش هایی از مطالب ارایه شده در این جلسه را می خوانید:

آبیاری تناوبی

سرپرست شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان گفت: گیلان بیش از ۱۴ میلیارد مترمکعب بارش دارد و کل بارش کشور کمتر از ۱۰ میلیارد مترمکعب است. اما حدود ۸ میلیارد از آن ۱۴ میلیارد مترمکعب بارش، تعریق و تعرق می شود. کل آب تجدید شونده در ایران به ۱۰۵ میلیارد مترمکعب می رسد. به فرموده مقام معظم رهبری اگر فقط ۱۰ درصد آب کشاورزی را صرفه جویی کنیم کل آب شرب کشور تامین می شود. در گیلان در بخش مدیریت آب به آمار خوبی رسیدیم و داریم به استاندارد جهانی نزدیک می شویم چون از روش «آبیاری تناوبی» استفاده می کنیم. میزان آب تجدید شونده که می شود در گیلان مدیریت کرد شش میلیارد و نیم مترمکعب است. و کل سهم آب های زیر زمینی از منابع آب های تجدید شونده نزدیک به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون مترمکعب است. یعنی آب سطحی که از گیلان وارد خزر می شود حدود چهار میلیارد مترمکعب است و این عدد یک فرصت خدادادی برای گیلان است.

ضرورت مدیریت به هم پیوسته در منابع

وی با تاکید بر «مدیریت به هم پیوسته در منابع» اظهار داشت: کسی که در بخش آب است باید به فکر سایر بخش ها از جمله آب و فاضلاب، محیط زیست و سرباشد تا هزینه ها کم شود. وی با اشاره به صرفه جویی ۸۰ میلیارد تومانی به جهت کمک گرفتن از مدیریت به هم پیوسته به عملیات اجرایی سد دیورس، مسیر ۱۱ کیلومتر باقیمانده آزاد راه و نظایر آن اشاره کرد و گفت: دو هدف اصلی در برنامه کاری من هست که حتی اگر فقط دو روز بمانم پیگیری می کنم. اول نیروگاه برقایی است. یعنی از انرژی پاک خدادادی باید برای گیلان استفاده کنیم. و با این کار درآمد استان ۱۰ برابر افزایش می یابد. استان گیلان نعمتی به نام رودخانه دارد و ۵۴ هزار رود در استان داریم. و این در حالی است که یک مگا وات برق چهار میلیارد تومان ارزش دارد. حال اگر بخواهیم ۵۰ مگا وات برق از این رودخانه ها تولید کنیم بیند چه کار بزرگی است. البته این در هدف گذاری است و ما در گام اول سرمایه گذار را جذب می کنیم. ایران الان در بخش سد و نیروگاه نیاز به کارشناس بیگانه ندارد.

باید با راندمان بیشتر کارها را دنبال کنیم

وی با اشاره به دیگر ظرفیت های گیلان گفت: می توانیم از دو هکتار، ۲۰ میلیون درآمد در برنج داشته باشیم ولی در همین مترمتر می توانیم چندین برابر درآمد در بخش ماهیان خاویاری کسب کنیم. این برنامه ها آرمانی و آرزویی نیست بلکه باید با راندمان بیشتر کارها را دنبال کنیم. ما باید در استان تعداد بیکاران را کاهش دهیم. و با استفاده از تئوری های جدید به مدیریت ارشد استان در کاهش بیکاری کمک کنیم.

آب را عصبانی نکنیم

به گفته وی به جای جنگ با رودخانه، با آن دوست باشیم. چون آب موجود زنده است. آب را عصبانی نکنیم. زور آب زیاد است. ولی وقتی به دیواره ها می خورد خرابی ندارد. وقتی از رودخانه برداشت غیر اصولی می کنیم یعنی داریم آب را اذیت می کنیم. من با برداشت غیراصولی شن و ماسه میانه خوبی ندارم چون باعث می شود اکولوژی آب به هم بخورد. از سوی دیگر استان ما در حال توسعه است و نیاز به ساخت و ساز داریم. بنابراین باید منابع و پتانسیل های جدید و علمی را تقویت کنیم.

تشکیل ۱۲ کارگروه علمی پژوهشی در سطح بالا

وی تاکید کرد هیچ تصمیمی در بخش آب گیلان نخواهم گرفت مگر آنکه در اتاق فکر مشورت کنیم. چون این کار انرژی های مثبت را جذب می کند. پروژه ساماندهی، بهسازی و رفع آلودگی زرجوب و گوهر رود که طبق اعلام مقام عالی ریاست جمهوری، آقای دکتر جهانگیری در تاریخ ۹۴/۶/۱۱ به آب گیلان ابلاغ شد، در اولین اقدام به معاونت محترم استانداری نوشتیم که این کار تیمی است و نیاز به کارگروه داریم. و لازم است مدیران و کارشناسانی از شهرداری، آب و فاضلاب شهری، آب و فاضلاب روستایی، منابع طبیعی، محیط زیست، دانشگاه گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، موسسات پژوهشی و ستاد بحران در این کار گروه باشند. و در ادامه ۱۲ کارگروه علمی پژوهشی در سطح ملی و بسیار بالا برای اولین بار در خاورمیانه در آب منطقه ای حضور یافتند و در زمینه موضوعات مرتبط تبادل نظر شد. در این مورد ۵۰ میلیارد اولین اعتبار مصوب برای گیلان است و کارگروه چگونگی هزینه کرد این مبلغ را



سختی آب سد آیت الله بهجت در ایران و در دنیا بی نظیر است

نیکخوی با بیان اینکه حدود ۱۵ هزار چشمه، یک قنات و حدود ۵۰ هزار حلقه چاه شناسایی شده در گیلان داریم افزود: کل آب مصرفی در گیلان کمتر از ۲/۵ میلیارد مترمکعب و مصرف کل آب شرب استان حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب است. که با بهره برداری از سد آیت الله بهجت، ظرفیت خوبی برای ۷۰ درصد از گیلان ایجاد شده است. سختی آب این سد در ایران و در دنیا بی نظیر است و هیچ آب معدنی در ایران به کیفیت این آب نمی رسد. و همچنین کل آب کشاورزی در گیلان حدود ۲/۷ میلیارد مترمکعب است.

مدیر بیل و کلنگی

وی گفت: من مدیر بیل و کلنگی هستم، نمی توانم فقط آرزو داشته باشم، اگر کاری انجام داده باشم، حرفش را می زنم. یعنی ایده آلیستی نیستم. و عمرانی و آبی هستم و سعی کردم خروجی گرا باشم. سال قبل به استاندار قول داده بودم که مشکل مسیر بازار تا پل را حل کنم. سیل امسال نزدیک به دو برابر سیل پارسال بود و ما برای اولین بار در ایران در پیربازار از روش «مقطع مرکب هیدرولیک» در فاصله محل اتصال زرجوب تا پل از این روش استفاده کردیم. قطره ای آب در سیل امسال به هیچیک از اطرافیان آنجا آسیب نرساند. و این پرونده فرصت زیادی برای گیلان فراهم می کند.

کارشناسی کرد. بنابراین راهبری این موضوع به ما داده شده و ما سعی می کنیم این وظیفه را به درستی انجام دهیم.

اثرات شیرابه های سروان تا ۱۵ سال دیگر

وی ادامه داد: از شهرداری می خواهیم واقعا برای زاله ها فکری بکنند. حتی اگر از امروز دیگر زاله در سروان نریزیم، تا ۱۵ سال آینده شیرابه های ناشی از این زاله ها را خواهیم داشت. خودپالایی کار مهمی است. رودخانه بزرگترین تصفیه خانه است. ما باید کمک کنیم رودخانه دوباره این قدرت را به دست آورد. باید آستانه تحمل رودخانه را به آن برگردانیم. مهم این نیست که چه کسی مجری باشد، مهم این است که پول را جای دیگر خرج نکنیم. باید بدانید در این صندلی من «من» نیستم بلکه «مردم» هستم. پس از من انتظار داشته باشید با قوت از منابع آب استان دفاع کنیم. اگر کسی به انفال تعدی کند برخورد می کنیم و این شعار نیست، من فرصت بدهید.

احداث سد و احیای جنگل

وی از اجرای چهار سد و انجام مطالعات احداث ۱۳ سد خبر داد و اضافه کرد: طبق راهبرد وزارت نیرو غیر از استان های شمالی سایر استان ها حق احداث سد را ندارند. سرپرست شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان از «سد سفارود» به عنوان سد دوستدار محیط زیست نام برد و گفت: فقط تامین آب شرب توسط این سد به تصویب رسیده است و طراحی نهایی کاهش ارتفاع



سد تا ۱۵ هزار آماده است و کمتر از یک دهم درصد جنگل های ارزشمند هیرکانی به زیر آب می رود و در کنار آن ۵۰۰ هکتار جنگل را احیا خواهیم کرد. مردم در آینده می توانند با اتوبوس دریایی به تالاب انزلی بروند و وی به طرح ساماندهی و رفع آلودگی پیربازار رشت اشاره کرد و گفت: برای اولین بار در ایران مقطع مرکب از پیربازار تا پل عملیاتی و بصورت مدیریت به هم پیوسته اجرایی شده است و این مقطع می تواند جاذبه توریستی نیز داشته باشد و مردم رشت با اتوبوس دریایی به تالاب انزلی بروند و این مساله یک آرزو نیست.

احداث نیروگاه برقایی و پرورش ماهیان خاوری

با استفاده از نعمت رودخانه ها از اختلاف ارتفاع رودخانه های گیلان برای تولید برق باید استفاده و طرح پرورش ماهیان خاویاری را اجرایی کرد. نیکخوی بر ضرورت استفاده از مواهب طبیعی تاکید کرد و گفت می توانیم از هر دو هکتار زمین با اجرای طرح پرورش ماهیان خاوری ۱۲ میلیارد تومان درآمد داشته باشیم.

(عکس: روابط عمومی شرکت آب منطقه ای)

رشد جمعیت، لازمه توسعه پایدار

دکتر سید رضا میرعسکری *



موضوع مورد مطالعه در علوم انسانی، ابعاد مختلف انسان و در علم اقتصاد به طور اخص، رفتار اقتصادی انسان است. مطالعه رفتار اقتصادی فرد، خانوار و نگاه در شاخه اقتصاد خرد و رفتار اقتصادی جامعه به عنوان یک کل که دارای هویتی مستقل است، در اقتصاد کلان مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. از مهم ترین متغیرهای جامعه، جمعیت است که از دیر باز متغیری بحث بر انگیز بوده است و عده ای نسبت به افزایش آن خوش بین و عده ای دیگر بدبین بوده اند. با شکل گیری علم اقتصاد، اقتصاددانانی که در حوزه جمعیت کار کرده اند نیز به دو طیف خوش بین و بدبین تقسیم شده اند. از

دیدگاه هر دو گروه، بحث توسعه اقتصادی بدون توجه به رشد جمعیت ناممکن است. این فرضیه مهمی است که از طریق آن می توان نتایج متضادی را که اقتصاددانان در تجزیه و تحلیل خود از طرز عملکرد کلان اقتصادی نظام سرمایه داری به دست آورده اند، بررسی کرد. آدام اسمیت نویسنده کتاب مشهور "ثروت ملل"، دیدگاهی خوش بینانه به جمعیت داشته است. او تولید ثروت را محصول کار انسان ها می دانست (اسمیت، ۱۷۷۶: ۱۰۴). اسمیت به این نتیجه رسید که جمعیت، محرک توسعه اقتصادی است و فرآیند توسعه و رشد اقتصادی در سرمایه داری "منظم و خود افزا" خواهد بود، در حالی که رابرت مالتوس این طور استنتاج می کرد که جمعیت مانع بزرگ توسعه اقتصادی است و سرمایه داری در بلند مدت با مسائلی از قبیل فشار جمعیت، کاهش میزان رشد اقتصادی، بحران و بیکاری روبه رو خواهد شد (تفضلی، ۱۳۸۵: ۸۲).

در یک تقسیم بندی دقیق تر می توان دیدگاه های مطرح شده درباره جمعیت را در چهار گروه دسته بندی کرد: گروه اول، طرفداران ازدیاد جمعیت، گروه دوم، طرفداران محدودیت جمعیت، گروه سوم، طرفداران تثبیت جمعیت و گروه چهارم، طرفداران نظریه حد متناسب جمعیت (کتابی، ۱۳۷۷: ۲۹ و ۳۰). از بین طرفداران ازدیاد جمعیت می توان به ادیان به ویژه ادیان

الهی، برخی از جوامع باستانی نظیر امپراتوری ایران باستان و یا امپراتوری روم، برخی از فلاسفه ی شرق نظیر ابن سینا، پیروان مکتب سوداگری نظیر ویلیام تمپل، مون کرتین و تورکر، فیزیوکراتها نظیر میرابو، تورگو، دوپون دونهور، برخی از اقتصاددانان مکتب کلاسیک نظیر فردریک باستیا، برخی از جامعه شناسان نظیر اگوست کنت، امیل دورکهایم و آرسن دومون و برخی از اقتصاددانان معاصر نظیر ژان اکرمین، والت روستو و فرانسوا پرو اشاره کرد.

از بین طرفداران محدودیت جمعیت می توان به صاحب نظران و فلاسفه یونانی همچون اپیکوریان و رواقیان، برخی از بزرگان متصوفه همچون سنایی (متوفی در ۵۲۵ یا ۵۴۵ ه. ق) و عزالدین محمود کاشانی (متوفی ۷۳۵ ه. ق)، برخی از فلاسفه و متفکران اسلامی همچون ابن مسکویه (متوفی ۴۲۱ ه. ق)، ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ ه. ق)، ابوالعلاء معری (متوفی در ۴۴۹ ه. ق)، خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ ه. ق)، جلال الدین دوانی (متوفی در ۹۰۸ ه. ق)، برخی از علمای مسیحی قرون وسطی نظیر سنت پل، اورپژن و ترولین نام برد و در بین طرفداران محدودیت جمعیت، از همه معروف تر مالتوس است که این معروفیت نیز بدون علت نیست. از آنجا که مالتوس به نمادی از تفکر بدبینانه نسبت به جمعیت در ۲۵۰ سال گذشته، تبدیل شده است، بهتر است کمی به مالتوس و فضای که او می زیسته بپردازیم: مالتوس کشیش پروتستان کلیسای انگلیکان انگلستان (۱۸۳۴-۱۷۶۶) بود. زندگی اجتماعی او زمانی آغاز شد که انقلاب صنعتی نه تنها روش های پیشرفته ای در زمینه تولید و حمل و نقل به وجود آورده بود، بلکه منجر به سازمان دهی نوینی در امر تجارت و ایجاد تسهیلاتی در نظام بانکی شده بود. جمعیت در حال توسعه شهرها که امکانات اشتغال آنها به دلیل پیشرفت تکنولوژی کاهش یافته بود، مساله مهمی را ایجاد می کرد. این اقتصاددان انگلیسی در زمانی زندگی می کرد که عوامل زیادی برای نومییدی و افسردگی وجود داشت. هنگامی که او در سال ۱۷۹۷ میلادی نظریه معروف جمعیت خود را در ذهن می پروراند، انقلاب فرانسه از طریق حکومت وحشت، به فساد و حکومت آزار دهنده ی هیات مدبره (دیرکتوار) منجر شده بود، لیبرالیسم در انگلستان تقریباً از بین رفته بود، مالیات ها و فقر،

دوش به دوش هم، در سرمایه داری ترقی می کردند و ایرلند در آستانه طغیان سال ۱۷۹۸ قرار داشت. این رویدادهای یاس آور، بستر فکری زمان او را شکل می داد و مالتوس تبیین علمی این رویدادهای یاس آور را آغاز کرد. از بررسی عقاید مالتوس در مورد مسائل اقتصادی زمان وی این طور استنباط می شود که او تا اندازه ی زیادی تحت تاثیر فلسفه بنتهام (فلسفه لذت و درد) قرار گرفته است. پدر مالتوس انسانی کمال گرا و از تحسین کنندگان پرشور "عدالت سیاسی" اثر ویلیام گادوین نویسنده اولین کتاب فلسفه ی آنارشیزم در آن زمان بود. مالتوس که به اندیشه ی پدرش در مورد پیشرفت انسان با دیده تردید می نگریست، سلاحی برای استدلال و بحث خود ابداع کرد که همان نظریه اش درباره جمعیت است (تفضلی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

مالتوس معتقد بود که از سه طریق می توان از رشد جمعیت جلوگیری کرد. این سه راه عبارتند از: منع یا فشار اخلاقی (عقب انداختن ازدواج ها)، کنترل جمعیت از طریق برنامه تنظیم خانواده، فقر و گرسنگی. او از بین این سه عامل، فقر و گرسنگی را مهم ترین عوامل متوقف کننده افزایش جمعیت می دانست. خلاصه ی دیدگاه مالتوس درباره جمعیت آن است که جمعیت جهان با تصاعد هندسی و تولید مواد غذایی با تصاعد عددی رشد می کند و در نهایت، رشد جمعیت از رشد تولید مواد غذایی فراتر می رود که منجر به ایجاد شکاف جمعیت یا شکاف مالتوس خواهد شد. علت آنکه زمین قادر نیست تولید مواد غذایی را با رشدی معادل رشد جمعیت ترقی دهد، "قانون بازدهی نزولی" است که گرچه مالتوس صریحاً در رساله خود بدان اشاره نکرده ولی به عنوان یک فرض ضمنی در استدلال او مستتر است (تفضلی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). بنابراین اساس و پایه نظریه مالتوس را از یک طرف یک مساله فیزیولوژیکی، و از طرف دیگر یک مساله فنی تشکیل می دهد. تجربه و تاریخ نشان داد که دیدگاه مالتوس باطل است و اشکال کار او این بود که شیوه فنی تولید را ثابت فرض کرد حال آنکه در طی زمان، فناوری تولید به طور مداوم در حال بهبود و تغییر است.

یکی از دلایل شهرت نظریه مالتوس، استقبال طبقه حاکم انگلیس از آن بود که با التهاب، نگران آثار و پیامدهای انقلاب کبیر فرانسه و طبعاً طرفدار لغو و یا محدودیت کمک به بینوایان بودند. چون مالتوس طرفدار فلسفه (یا منشا) طبیعی فقر بود و از همین جا، تعارض آشکار نظریه او با نظر سوسیالیست ها که برای فقر منشا و علت اجتماعی قائل بودند روشن می شود و علت مخالفت شدید و همه جانبه آنها با نظریه وی و همچنین دلیل و انگیزه محبوبیت نظریه نامبرده نزد بسیاری از صاحب نظران و نظریه پردازان سرمایه داری روشن می شود (کتابی، ۱۳۷۷: ۱۶۴). در واقع با مطرح شدن نظریه مالتوس، این امکان فراهم شد که تقریباً همه دستاوردهای مصیبت بار انقلاب صنعتی را به آسانی به زاد و ولد بی حساب طبقه ی فقیر جامعه نسبت دهند.

جان مینارد کینز یکی از برجسته ترین اقتصاددانان قرن بیستم است که مایکل استوارت نویسنده کتاب «کینز» درباره او چنین می گوید:



معمولا جان مینارد کینز یک اقتصاددان نابغه، همپایه بنیان گذاران علم اقتصاد چون آدام اسمیت و کارل مارکس، تلقی می شود. او آنچنان استعدادی در یافتن و نشان دادن راه حل‌های علمی برای مسائل اقتصادی از خود نشان می داد که طی مدت سی سال آخر عمرش کمتر سیاست مدار و مامور عالی رتبه دولتی ایالات متحده و انگلستان وجود داشت که در مسائل اقتصادی با وی مشورت نکرده و در بسیاری از موارد راهنمایی های او را نپذیرفته باشد.

کینز در سخنرانی اش با عنوان «برخی از نتایج کاهش جمعیت»، نسبت به شیوع این دیدگاه که «کاهش و تثبیت جمعیت مطلوب است»، هشدار می دهد. او توضیح می دهد که کاهش و تثبیت جمعیت منجر به سطح پایین تر تقاضای موثر، پس انداز کل کمتر، انباشت سرمایه کمتر و در نهایت بالا رفتن سطح بیکاری می شود. او استدلال می کند که در صورتی می توان با تثبیت جمعیت، افزایش سطح زندگی و خوشبختی بیشتر داشت که مصرف افراد افزایش یابد و آن را با

توزیع درآمد برابرتر امکان پذیر می داند و یا نرخ بهره کاهش یابد تا منجر به تغییرات فنی در فرآیند تولید و افزایش سهم سرمایه شود. کینز در نتیجه گیری سخنرانی اش به شنوندگان هشدار می دهد که برای به زنجیر کشیدن یک شیطان (رشد جمعیت)، اگر بی دقتی کنیم باعث رها شدن شیطان دیگر (بیکاری) می شود که بسیار درنده تر و رام نشدنی تر است.

این نکته از آن جهت مهم است که بسیاری از بدبینان نسبت به جمعیت، افزایش جمعیت را باعث بیکاری می دانند و این مساله را مطرح می کنند که وقتی در کشور هنوز بیکاری داریم چرا به فکر کنترل جمعیت نباشیم و نکته جالب دیگر آن است که بسیاری از حمایت کنندگان از کنترل جمعیت، خود را طرفدار آزادی، حقوق بشر و نظایر آن می دانند، حال آنکه یکی از اساسی ترین حقوق انسان، حق تولید مثل است. این مباحث نشان می دهد که تفکر بدبینان نسبت به جمعیت در کشور ما، از تفکر مالتوسی و نئو مالتوسی بدبینانه تر است و این از آنجا ناشی می شود که آگاهی کافی از ریشه و هدف این تفکر و بنیان آن ندارند.

کنت ارو یکی دیگر از اقتصاددانان برجسته است که به همراه جان هیکس، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۲ شده است. این اقتصاددان برجسته از جمله خوش بینان به جمعیت است و به همراه همکارانش در مقاله ای ارزنده با عنوان «معیار پس انداز اصیل و ارزش جمعیت» در قالب «تئوری کنترل بهینه» و با معیار «پایداری»، جمعیت را به عنوان شکلی از سرمایه و یک «متغیر وضعیت» و نه کنترلی در نظر می گیرد و ارزشی مثبت برای آن به دست می آورد. یعنی اثر خالص افزوده شدن یک نفر بر جمعیت با معیار پایداری، مثبت است.

بنابراین با توجه به مطالب مطرح شده، نکات ذیل در مورد جمعیت قابل ذکر است:

- منظور از جمعیت، مجموعه افراد یک محدوده جغرافیایی مثلا یک کشور یا کره زمین است و نباید آنرا با اندازه خانوار اشتباه گرفت، یعنی حتی با خانواده های کوچک تر هم می توان رشد جمعیت داشت مثلا با پایین تر آمدن سن ازدواج و در حد طبیعی قرار گرفتن آن، که این مساله با رفع موانع از جمله موانع فرهنگی و اقتصادی ازدواج امکان پذیر است. - از جمله فواید افزایش جمعیت، افزایش احتمال ظهور نوابغ بزرگی همچون این سینا، ابوریحان بیرونی، خیام و یا ادیسون، انیشتین و امثالهم است که آثار و کشفیات این زبدگان دارای آثار مثبت فراوان برای همگان است. هرچند احتمال وجود افراد شرور مانند هیتلر و استالین نیز با افزایش جمعیت زیاد می شود، ولی آثار مثبت نوابغ دارای دوام و گستره بسیار وسیع تری است.

- جمعیت یک متغیر وضعیتی و حتی فراتر از آن یک متغیر طبیعی است، یعنی متغیر اصلی و تنها متغیری است که ریشه همه تغییرات است و کنترلی نباید روی آن صورت

گیرد، چون کنترل آن باعث بروز مشکلاتی می شود که رفع آنها خود مشکلات عدیده دیگری را ایجاد می کند. لذا، کار سیاست گذار و نهادهای مسئول آن است که اقدامات لازم را جهت ازدواج به موقع افراد فراهم کنند تا رشد این متغیر، روند طبیعی خود را طی کند.

- بسیاری از بدبینان نسبت به جمعیت، مطرح می کنند که رشد جمعیت از رشد تکنولوژی بیشتر است و باید رشد جمعیت را کنترل کرد، تا این دو با هم برابر شوند. اشتباه این گروه این است که تصور می کنند با کاهش جمعیت، رشد تکنولوژی ثابت می ماند، حال آنکه رشد تکنولوژی از رشد اندیشه و تفکر ناشی می شود که جزئی از وجود افراد است، لذا خود تابعی از رشد جمعیت است و با کنترل جمعیت، رشد تکنولوژی نیز کند می شود.

- آنهایی که معتقد به کنترل جمعیت هستند در واقع با این کار می خواهند جمعیت را که یک متغیر طبیعی است با سایر متغیرها (که غیر طبیعی اند) هماهنگ کنند، اما تجربه و علم حکم



می کند که اقتصاد را باید با جمعیت هماهنگ کرد و این با تلاش، مدیریت سنجیده و کارآمد و سیاست های مناسب اقتصادی، محقق خواهد شد.

- دیدگاه ادیان الهی و به ویژه دین اسلام در مورد جمعیت مثبت است و جمعیت را متغیری طبیعی می دانند و ارزشی مثبت برای آن قائل هستند و این چیزی است که علم هم با پیشرفته ترین معیارها یعنی «پایداری» به آن رسیده است.

بر اساس آمار و اطلاعات موجود جمعیت جهان در فاصله سال های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۶، ۲/۱۶ برابر شده و تولید جهان ۵/۲۱ برابر شده است یعنی رشد تولید از رشد جمعیت بیشتر بوده به گونه ای که تولید سرانه جهان (به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰) از ۲۴۰۴/۷ دلار در سال ۱۹۶۰ به ۵۷۹۲/۱ دلار در سال ۲۰۰۶ رسیده است.

جمعیت ایران نیز بین سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹، ۱/۸۹ برابر شده و تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت ثابت ۲۰۰۵، ۲/۷۶ برابر شده است. یعنی با افزایش جمعیت ایران، تولید ایران نیز افزایش یافته اما افزایش تولید بیش از افزایش جمعیت بوده است. همچنین تولید سرانه ایران به قیمت ثابت ۲۰۰۵ نیز از ۲۱۲۷/۴۹ دلار به ۳۱۰۴/۶۱ دلار افزایش یافته است. سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا بدون افزایش جمعیت، افزایش در تولید امکان پذیر بوده است؟

منبع

۱- استوارت، مایکل (۱۳۶۹)، کینز، ترجمه: هوشنگ نهبانوی، انتشارات دانشگاه شیراز.

۲- تفضلی، فریدون (۱۳۸۵)، تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی، تهران.

۳- کتابی، احمد (۱۳۷۷)، درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی، ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

۴- Arrow, K. J et al (۲۰۰۳), The genuine savings criterion and the value of population, Economic Theory, ۲۱, ۲۱۷-۲۲۵.

۵- Deacon, R (۱۹۸۵), The Cambridge Apostles: A History of Cambridge University's Elite Intellectual Secret Society, Press: Cassell 1st Edition, Reference.

۶- Smith, Adam (۱۷۷۶), The Wealth of Nations, Penguin Books, ۱۹۸۶.

۷- Keynes, J. M (۱۹۳۷), Some Economic Consequences of a Declining Population, Population and Development Review, Vol ۴, No. ۴, Sep, ۱۹۷۸, pp. ۵۱۷-۵۲۳.

۸- World Development Indicators, ۲۰۰۸, <http://www.becker-posner-blog.com-۱۰/۲۰۰۵/population-growth-good-or-badbecker.html>

* استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

(عکس از: ساسان جوادانیا، لازم به ذکر است عکس صفحه ۵۱ شماره اول مجله هم از ایشان بوده است)

گیلان با ۱۱,۷ درصد سالمندی پیرترین استان کشور

به گزارش خبرگزاری فارس

محمد رضا پارسی، مدیرکل بهزیستی گیلان از وجود ۲۸۵ هزار سالمند در این استان خبر داد و گفت: گیلان با ۱۱,۷ درصد سالمندی، پیرترین استان کشور است.

وی با بیان اینکه در مراکز توانبخشی و شبانه روزی گیلان یک هزار و ۲۰۰ نفر سالمند نگهداری می شوند، افزود: این مراکز تحت نظارت بهزیستی هستند.

مدیرکل بهزیستی گیلان ۱۳ مرکز توانبخشی را شبانه روزی خواند و تصریح کرد: آسایشگاه معلولان و سالمندان رشت ۵۵۰ نفر را در خود جای داده است.

وی یکی از سیاست های مهم این سازمان را نگهداری سالمندان در منازل و کنار خانواده ذکر کرد و یادآور شد: سالمندان می توانند روزانه در مراکز توانبخشی بهزیستی حضور یابند و شبها در کنار خانواده باشند.

پارسی خاطر نشان کرد: هیچ مجوزی برای ایجاد مراکز شبانه روزی نگهداری سالمندان در استان صادر نمی شود و تمام مراکز روزانه هستند

ورود پرونده های زیاد به قوه قضائیه یک هشدار است

مرسده دیلمی - به اعتقاد کارشناسان و صاحب نظران، مسائل اقتصادی و ناهنجاری های اجتماعی، آمار ورودی پرونده ها به دستگاه قضایی را افزایش داده است. از سوی دیگر بخش زیادی از جامعه ما در سنین نوجوانی و جوانی هستند و در این بین تعداد زیادی هم بیکار و جویای کار، طبیعتاً در چنین فضایی دشمن با ترفندهای مختلف فرهنگی سعی می کند تا با تغییر افکار و دیدگاه افراد، به اهداف خود برسد. ولی افراد خود چه نقشی دارند؟ و نقش خانواده ها، نهادهای اجتماعی، دولت و سیاستگذاران چیست؟ بی شک پرداختن به این مقوله چند وجهی اجتماعی - فرهنگی که در بسیاری مواقع از وضعیت اقتصادی ناشی می شود در شرایط فعلی بسیار حایز اهمیت است. به گونه ای که آقای احمد سیاوش پور، رئیس کل دادگستری استان گیلان وضع موجود را به مثابه یک هشدار جدی ارزیابی می کند. وی که در همایشی با عنوان پلیس و امنیت اصناف صحبت می کرد معتقد است تعداد زیاد پرونده های ورودی به قوه قضائیه را باید به عنوان یک «هشدار» جدی گرفت. بخشی از سخنان ایشان را در ادامه می خوانید:

آن هم به روش خودش و به سبک روز، چون اگر بخواهیم همان یافته های قدیمی را انتقال دهیم اثری ندارد. باید خودمان را در سطح همان نوجوان و جوان ببینیم و در واقع اصل موضوع بر می گردد به پیشگیری، باید از علم و دانش روز به درستی استفاده کنیم. به عنوان مثال ما امروز در رابطه با امنیت صنوف و فضای امنیتی مشاغل زیاد کار کردیم. ولی آیا در کشورهای توسعه یافته به همین سبک ما عمل می شود که پلیس بطور فیزیکی حضور داشته

که هر روز در دادگستری استان و همچنین دیگر استان ها با آن مواجه هستیم باید فکری کرد. آمارها غیرقابل کنمان است. باید به جد به موضوع توجه کرد. آیا جبهه دشمن است، بله بدون تردید دشمن نقش دارد و زمینه سازی کرده و همه غافل و خوشبین هستیم، اما دارند روی نوجوانان و جوانان مان کار می کنند. در خیابان اینقدر برخی اشخاص در گوشی همراه غرق شده اند که ممکن است جلوی پای خودشان را نبینند. در منازل همه ی افراد خانواده مدام سرگرم گوشی و اینترنت هستند. خب اثر این رفتار مگر کم است؟ امروزه در پرونده های قضایی بین زن و شوهر موضوعاتی مطرح می شود که نزد ایرانی هیچوقت بروز نمی کرد و مرسوم نبود. اینها تاثیرات همان آثاری است که از همین مانیتورهای کوچک دارد انتقال می یابد، در مقابل ما چه کار کردیم؟ متولیان حوزه آموزش و فرهنگ و... چه کار کرده اند؟ باید زبان کودک و نوجوان امروز مان را متناسب با داده های فضای مجازی بتوانند تربیت کنند.

وی گفت: آیا امروز آموزش به روش سنتی کارساز است؟ آیا شکاف نسلی الان به ۵ سال می رسد؟ امروز فاصله ما و فرزندانمان چقدر است؟ معمولاً ۱۰ سال به ۱۰ سال بچه ها با هم متفاوت هستند. ولی الان این فاصله ها کاهش پیدا کرده. این فاصله های فکری خطرهای جدی هستند همه ما مخصوصاً خانواده ها باید خودمان را مهیا کنیم. و این دغدغه داریم مقام معظم رهبری است، ایشان بیشتر آشنایی دارند چون از بخش های مختلف به ایشان گزارش می رسد. هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه به پایه ها بپردازیم و مقاوم سازی کنیم. موشک فرهنگی می آید و اصابت می کند باید محل اصابت تقویت شود. رئیس کل دادگستری استان گیلان با بیان اینکه مگر ما کم مجازات می کنیم، اضافه کرد: مجازات سنگین هم اجرا می شود. حتی ما از همین جهت مورد انتقاد جامعه جهانی هستیم و آن را به عنوان ضعف ما در دنیا مطرح می کنند. عناوین مجرمانه هم در قوانین ما هست. که البته خود ما از این مشکل رنج می بریم. یعنی هم عوامل مجرمانه و هم مجازات سنگین وجود دارد و اعمال می شود ولی مشکل را حل نمی کند و فقط مقطعی و مسکن است. بنابراین برای کار فرهنگی باید روی اندیشه ها و فکرها و ایمان ها و اعتقادات کار کرد

رئیس کل دادگستری استان گیلان گفت: امروز شاهد تناقضی هستیم که بر می گردد به عملکرد همه ی ما در هر بخشی از نظام که خدمت می کنیم. و همه سهمی در این نقیصه دارند حتی مردم عزیز. ورود ۱۴ تا ۱۵ میلیون پرونده قضایی در سال به دستگاه قضایی محل تعجب و مکث است! مگر می شود در جامعه ای که ویژگی های عملکردی انسان های آن طوری است که استخبار جهانی ناچار است تسلیم شود و از تکبر خود کوتاه بیايد، چنین مشکلاتی در جامعه ما جود داشته باشد؟ و خودمان که در بوجود آمدن این مشکلات نقش داریم از کنار آن با بی تفاوتی رد شویم؟

وی ادامه داد: از جمعیت ۷۵ میلیون نفری، در سال ۱۵ میلیون پرونده داریم! حتی اگر در خوشبینانه ترین حالت پنج میلیون پرونده را ندیده بگیریم باز ورود ۱۰ میلیون پرونده در قوه قضائیه اشکال دارد. ما که معتقدیم ملتی رشید و با تمدن هستیم و بهترین و کامل ترین دین خدا را پذیرفتیم و از سوی دیگر عاطفی ترین مردم جهان هستیم، چرا باید اینقدر پرونده قضایی داشته باشیم؟ چرا در رفتارهای اجتماعی، برخوردهای روزمره، دادوستد، زندگی خانوادگی، روابط زناشویی، تربیت کودکان و... چنین وضعیتی در کشور بوجود آمده؟ نقش متولیان حوزه فرهنگی چیست؟ این چه ایراد و تناقضی است و از کجا نشأت می گیرد؟ آیا همه را به سمت و سوی دشمن سوق دادن و گفتن اینکه تهاجم فرهنگی است مشکلات را حل می کند؟ یا اینکه دشمن قوی است، ولی بدون تردید بخش زیادی از این قانون گریزی و بی تدبیری از خود ما سرچشمه گرفته است. باید در این خصوص هشدار داد؟ آیا می دانید امروز از این بخش چه هزینه ای بر دوش بیت المال است؟ این نزاع ها، درگیری ها، اختلافات و کینه ها از همان اول هم هزینه روحی و روانی و عاطفی دارد هم هزینه مالی و اتلاف وقت و سرمایه. هزینه دادرسی، اوقاتی که پلیس برای کشف و تحقیق صرف می کند و الی آخر، تا به حل اختلاف برسد که آن هم کینه و دشمنی را از بین نمی برد. آیا عقل سلیم ایجاب نمی کند که بین نفع و زیان مان تمیز قائل شویم و به دنبال این باشیم که این هزینه های اضافی را از دوش دولت و ملت برداریم؟

سیاوش پور افزود: با علم بر این وضعیت و با مصادیقی

باشد یا مردم دنیا روش دیگری دارند؟ جایی که یک صنف سرمایه گذاری کرده و کار اقتصادی می کند مگر می شود امنیت این صنف را بدون هزینه تامین کرد؟ این که حکومت و دولت مکلف به تامین امنیت هستند صدر در صد بله، ولی نقش مردم هم مهم است. امروز اگر از دانش و تکنولوژی روز استفاده نکنیم نمی توانیم موفق باشیم. اما نحوه استفاده مهم است. به عنوان مثال بازار باید مجهز به دوربین باشد چون نمی توان انتظار داشت که گوشه به گوشه بازار پلیس بگذاریم. بنابراین باید ناهنجاری ها و تعداد ورود پرونده ها به قوه قضائیه را به مثابه یک هشدار جدی بگیریم و به آموزش درست و فرهنگ سازی از سنین پایین بیشتر بها دهیم.



این افراد هم مثل ما یک شهروند و به دنبال حقوق خود هستند

دسترسی و توانمند سازی برای همه افراد با هر میزان از توانایی

گیلان فردا - شاید برخی از افراد خانواده یا فامیل و دوستان شما دارای معلولیت هایی باشند. نسبت به این عزیزان چه دیدگاهی دارید؟ آیا هیچ فکر کرده اید که آن ها هم مثل ما یک شهروند هستند و حق و حقوقی دارند؟ متأسفانه گاهی بروز و ظهور یک معلولیت در شخص موجب می شود که افراد نسبت به دیگر توانمندی ها، احساسات و عواطف، نیازهای روحی و روانی، حمایت های قانونی ضروری و حتی جایگاه اجتماعی این عزیزان به دیده تردید نگاه کنند! تصویب قانون جامع حمایت از معلولان در اردیبهشت ۱۳۸۳ نوید بخش این بود که تسهیلاتی برای افراد دارای معلولیت ارایه شود و با فرهنگ سازی، همگان حقوق این افراد را رعایت کنند. به نظر شما پس از گذشت حدود ۱۱ سال تا چه اندازه مفاد این قانون اجرایی و عملیاتی شده است؟ شعار امسال روز جهانی معلولان «دسترسی و توانمند سازی برای همه افراد با هر میزان از توانایی» است. آیا می توانیم امیدوار باشیم که در جامعه ما هم این مهم تحقق یابد؟ برای اطلاع از تعداد معلولان استان و چگونگی خدمات رسانی به آن ها، و به مناسبت هفته معلولان نظر خانم مهرزاد قدسی مسئول توانبخشی و جانشین معاونت امور توانبخشی بهزیستی استان گیلان را جويا شدیم. پاسخ های این کارشناس ارشد در ادامه به نظرتان می رسد:



ها خدمات رسانی شده است. به عنوان مثال اجرای طرح توانبخشی مبتنی بر خانواده (آموزش مراقبین) و حضور آن ها در خانواده های دارای معلول در شهرستان های شفت، صومعه سرا، رودبار و تالش (برای ۳۰۰ نفر) و اجرای طرح توانمند سازی افراد با آسیب نخاعی در شهرستان های رشت، رودبار، تالش، رضوانشهر، لاهیجان، لنگرود، رودسر، آستانه (برای ۱۷۰ نفر) انجام شده است.

□ در استان چه تعداد مرکز مرتبط داریم؟

کلا ۶۷ مرکز داریم که از این تعداد ۳۱ مرکز روزانه و ۳۶ مرکز شبانه روزی هستند.

□ آیا برخی از معلولان در مدارس عادی هم هستند؟

این موضوع مربوط به آموزش و پرورش به ویژه آموزش و پرورش استثنایی است. وهدف این است که معلولین در کنار افراد عادی مورد آموزش قرار بگیرند. بنابراین گاه توانخواهان جسمی، حرکتی، نابینا و... در مدارس حضور دارند. این امکان در سطح دانشگاهی نیز وجود دارد.

□ امکانات شهری برای معلولان چگونه است؟ خیلی از اماکن ما تسهیلاتی برای تردد این عزیزان ندارند.

طبیعتاً مناسب سازی در امر تردد توانخواهان خیلی مهم است. از جمله استفاده از سطوح شیب دار در پیاده روها و معابر، پیش بینی آسانسور در ساختمان های عمومی و طراحی معابر و اماکن بدون مانع یکی از اهداف سازمان بهزیستی است. در این زمینه کمیته مناسب سازی به ریاست استاندار و دبیری سازمان بهزیستی گیلان فعال هستند. و هدف این کمیته هماهنگی و پیگیری مناسب سازی معابر و اماکن استان است تا عزیزانی که معلولیت هایی دارند خیلی دچار مشکل نشوند. البته کمیته نظارت بر امر مناسب سازی هم فعال است که نماینده ای از استانداری، بهزیستی، شهرداری، مسکن و شهرسازی و بنیاد شهید پیگیر مصوبات کمیته مناسب سازی استان هستند. البته اخیراً در تمام برنامه ریزی ها و پروژه های بزرگی که جدید ساخته می شوند به این نکته توجه شده است. به عنوان مثال مجتمع فرهنگی آملی تئاتر آموزش و پرورش، مجتمع فرهنگی نزدیک پارک ملت، هایپر مارکت بلوار دیلمان، پیاده رو خیابان علم الهدی، پیاده راه شهرداری برای این عزیزان مناسب سازی می شود و این موضوع هم نظارت می شود.

□ شرایط اختصاص وام به معلولان جسمی و ذهنی چطور است؟ چرا برخی از این افراد از تسهیلاتی برخوردار می شوند و برخی نه؟

اعطای تسهیلات در این موارد با تأیید کمیسیون های پزشکی و براساس شدت و نوع معلولیت افراد است. براساس ماده یک قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و تأیید کمیته های رفاهی مطابق با شرایط و دستورالعمل از خدمات بهزیستی بهره مند می شوند.

(عکس: ماهنامه گیلان فردا)

□ در استان گیلان چه تعداد معلول داریم؟

در استان گیلان ۳۴ هزار و ۵۴۴ نفر معلول داریم.

□ تعداد افراد دارای معلولیت بینایی، شنوایی، حرکتی و... به تفکیک چقدر است؟

از این تعداد ۱۳ هزار و ۴۰۸ نفر معلولان جسمی حرکتی - ۱۰ هزار و ۵۲۳ نفر معلول ذهنی - ۴ هزار و ۸۰۲ نفر معلول شنوایی - ۲ هزار و ۸۶۱ نفر روانی «بیماران روانی مزمن» - ۲۲ نفر گفتاری و ۲ هزار و ۹۲۸ نفر معلول بینایی هستند. البته اگر سالمندان بالای ۶۰ سال معلول را که ۵ هزار و ۳۷۸ نفر هستند به این آمار اضافه کنیم این میزان کلاً به ۳۴ هزار و ۵۴۴ نفر می رسد.

□ افراد دارای معلولیت ذهنی (کم توان ذهنی) به چه گروه هایی تقسیم می شوند؟

بستگی دارد این تقسیم بندی چطور انجام شود. به عنوان مثال اگر تقسیم بندی از لحاظ شدت معلولیت باشد به خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید تقسیم می شوند و چنانچه به لحاظ آموزشی در نظر بگیریم به آموزش پذیر، تربیت پذیر و پناهگاهی تقسیم می شوند.

□ چه امکاناتی از سوی بهزیستی در اختیار این افراد قرار می گیرد؟

خدمات بهزیستی شامل حمایت های مالی، آموزشی، توانبخشی و مراقبتی است. حمایت های مالی به صورت مستمر و غیر مستمر در قالب پرداخت کمک هزینه نگهداری (مستمر)، کمک های موردی، کمک هزینه تحصیلی به دانش آموزان و دانشجویان معلول انجام می شود.

□ افراد دارای معلولیت چه آموزش ها و خدماتی می گیرند؟

بسته به اینکه مراکز توانبخشی غیردولتی و مراکز توانبخشی خیریه (که به صورت هیات امنایی اداره می شوند) روزانه یا شبانه روزی باشند، خدمات ارایه می شود. اگر مرکز شبانه روزی باشد آموزش ها به صورت مراقبتی و توانبخشی است. اگر روزانه باشد آموزشی و توانبخشی است و البته مراکز هم به عنوان ویزیت در منزل با اعزام تیم درمانی و توانبخشی به خانه های توان خواهان به این افراد خدمات رسانی می کنند.

در مراکز شبانه روزی کم توانان ذهنی، سالمندان، معلولان جسمی حرکتی و بیماران روانی مزمن نگهداری می شوند. و در مراکز روزانه هم کم توانان ذهنی، سالمندان، معلولان جسمی حرکتی و کودکان دارای اختلالات نافذ رشد (اوتیسم) نگهداری می شوند. همچنین مراکز غیر دولتی روزانه ای هم داریم که خدمات آموزشی و توانبخشی خانواده و کودک کم شنوا و ناشنوا، روزانه آموزشی و توانبخشی خانواده و کودک کم بینا و نابینا را ارایه می دهند. خرید و تحویل وسایل کمک توانبخشی به معلولین از جمله عصا، صندلی چرخدار، واکر، تخت بیمارستانی، تشک مواج، سمعک و ... نیز برای آنها که بنیه مالی ضعیف دارند انجام می شود.

□ این خدمات در شهر و روستا چه فرقی دارد؟

بخشی از خدمات بهزیستی ارایه خدمات توانبخشی مبتنی بر جامعه تحت عنوان سی بی آر است که در ۱۶ شهرستان در مناطق روستایی انجام می شود و در دو شهرستان سیاهکل و املش هم این طرح انجام می شود. و تاکنون از این طریق ۱۹ هزار معلول شناسایی شده که با کمک دهیاری ها و شبکه بهداشت و تسهیل گران محلی به آن



گزارشی از جلسات «توسعه» در سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان

خواستن همراه با دانایی توانستن است

گیلان فردا - سلسله نشست های تخصصی توسعه به منظور ترویج فرهنگ توسعه با محوریت بهبود نقش و جایگاه استان در توسعه ملی و آشنایی مدیران دستگاه های اجرایی با مباحث علمی و اجرایی مطرح در سطح ملی و اخذ نظرات کارشناسی صاحب نظران در تدوین برنامه ششم توسعه به همت دکتر کیوان محمدی، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان پایان هر ماه در این سازمان برگزار می شود. گزیده هایی از مباحث چهار نشست تخصصی توسعه (در رشت) را که علاوه بر حضور معاونین، مدیران کل و کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی، مدیران و کارشناسان سایر دستگاه های علمی و اجرایی و فرمانداران نیز در آن شرکت داشته اند در ادامه می خوانید:

خواستن همراه با دانایی توانستن است

دکتر محمدی، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان با تاکید بر اینکه «از قدیم گفته اند خواستن توانستن است» اعتقاد دارد امروزه «خواستن همراه با دانایی توانستن است». وی می گوید: گاهی اوقات فکر می کنیم اموری توسعه است که در واقع نیست. بنابراین لازم است کار کارشناسی دقیق و علمی بر مبنای دانایی محوری صورت گیرد. و هدفی که برای سازمان در نظر گرفته شده، توسعه است. متأسفانه وقتی در جامعه ما در مورد توسعه صحبت می شود، برداشت فقط اقتصادی است در حالی که توسعه تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر می گیرد. در حقیقت توسعه مهمترین بخش و هدف سازمان است. فرهنگ توسعه هنوز در جامعه ما عمومیت پیدا نکرده است. در سطوح بالا برنامه ریزی می شود ولی وقتی به سطوح پایین تر می رسد متأسفانه مغفول می ماند. بنابراین هدف ما این است که فرهنگ توسعه را عمومیت بدهیم و برداشت واحد داشته باشیم. هر یک از ما اگر یک تلقی از توسعه داشته باشیم در جلسات هم اندیشی می توانیم به وجه مشترک برسیم.



نشست اول با موضوع «اقتصاد مقاومتی و جایگاه آن در برنامه ششم توسعه»

دکتر داوود دانش جعفری، وزیر اسبق اقتصاد و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام استاد دانشگاه علامه طباطبائی:

- اقتصاد مقاومتی به معنی انعطاف پذیری اقتصادی است، یعنی اقتصاد از خودش انعطاف نشان دهد و با فشارهای ناگهانی (مانند سیاست های داخلی و یا غرض ورزی های کشورهای خارجی مانند تحریم) تنظیم شود. در واقع استعداد بازیابی و برگشت به وضع اولیه پس از مواجهه با تکان ناگهانی در اقتصاد مقاومتی خلاصه می شود. چون اگر پدیده ای می خواهد در برابر مقوله ای مقاومت کند، باید در برابر تهدیدها قوی شده باشد.
- حدود ۶۵ درصد درآمد دولت ایران وابسته به نفت است. در واقع درآمدهای نفتی یک درآمد مطمئن و پایدار نیست، چون قیمت آن را ما تعیین نمی کنیم. کاهش آسیب پذیری ناشی از نوسانات قیمت نفت از اولویت های اقتصاد مقاومتی است.
- مالیات های مستقیم و غیر مستقیم (مالیات بر مصرف و مالیات بر واردات) منشاء بودجه دولت هاست، حتی مالیات بر مصرف بیش از نیمی از درآمد برخی از دولت ها را تامین می کند. اگر درآمدهای مالیاتی دولت افزایش یابد، نیازی به افزایش قیمت ارز نیست و اقتصاد آسیب نمی بیند. و افزایش تولید، راهکار افزایش درآمد مالیاتی است.
- رشد پویا، بهبود شاخص های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله با رویکرد جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون زا، پیشرو و برون گرا از سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی بوده و اقتصاد مقاومتی یک رویکرد بلندمدت است و فقط به زمان تحریم ارتباط ندارد. چون اقتصاد ایران باید با ثبات شود تا روی یک زمین مستحکم حرکت کنیم، و دولت باید در برنامه ششم تدابیری اتخاذ کند تا به رشد اقتصادی هشت درصدی برسیم.



نشست دوم با موضوع « رقابت پذیری منطقه ای، کلید اقتصاد مقاومتی »



دکتر حجت اله میرزایی، پژوهشگر اقتصاد منطقه ای و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی:

- مهمترین مشخصه ی کشورهای توسعه یافته مقاومت پذیری یا تاب آوری است. یعنی اینکه در مقابل حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و یا شوک های خارجی مانند تشنج در منطقه مقاوم باشند.
- ما در کشوری زندگی می کنیم که از حدود ۵۰ نوع بلایای طبیعی ۳۷ مورد آن اتفاق می افتد. بنابراین در کشوری که با بلایای طبیعی مواجه است و یا جنگ ها و خشونت های منطقه ای یا عوامل جهانی مانند قیمت نفت روی اقتصاد آن تأثیرگذار هستند، آماده شدن برای کاهش آسیب های ناشی از آنها و مقاوم ساختن اقتصاد بسیار ضروری است.
- ایجاد فرصت های جدید در زمینه فناوری یکی از عواملی است که می تواند به مقاوم سازی اقتصاد کمک کند.
- مناطق مختلف ایران دارای توسعه به شدت نامتوازن هستند. برای مثال در شاخص توسعه انسانی، تهران در بالاترین و سیستان و بلوچستان در پایین ترین سطح قرار دارند. و فاصله بین سیستان بلوچستان و تهران مشابه فاصله غنا در آفریقا و کره جنوبی در آسیا است. در سایر شاخص های توسعه نیز همینطور است.
- پیامد این موضوع، نامتوازن بودن درآمد سرانه و فرصت اشتغال و تهی شدن بعضی مناطق از سرمایه های اقتصادی و انسانی است.
- ممکن است گیلان در سال های آینده شاهد بمب بزرگ جمعیتی از فلات مرکزی باشد.
- استان گیلان بیش از ۳ درصد جمعیت کشور را داراست اما سطح بهره وری شهروندان گیلان کم است. البته این نشانه کم کاری گیلانیان و یا اختصاص کمتر بودجه نیست بلکه باید پرسید بودجه استان کجا مصرف شده است؟ از طرف دیگر کارکرد مکمل های تأثیرگذار بر این موضوع نظیر آموزش مناسب نبوده است.
- گیلان در شاخص توسعه کسب و کار در جایگاه دوم قرار دارد و از شرایط مناسبی برخوردار است.
- اینکه در استانی افراد بیشتری در صف پوشش کمیته امداد باشند و یا خروج جمعیت و انتقال منابع ملی آنها در حال افزایش باشد، نشان می دهد که آن استان در سطح توسعه درست عمل نکرده است.
- در مسیر توسعه زیربنای همه ی سرمایه ها «سرمایه اجتماعی» است و استان ها به نسبت اینکه سرمایه اجتماعی بیشتری داشته باشند می توانند سرمایه اقتصادی و انسانی بیشتری را هم جذب کنند.

سومین نشست با موضوع «تحولات نظریه های منطقه ای، نظام حسابداری و کاربردهای آن»

دکتر علی اصغر بانویی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی:

- چرا بعضی از کشورها پیشرفت کرده و ثروتمند هستند و بعضی نه؟ جدیدترین نظریه ای که در ایران هم خیلی سروصدا کرد این بود که می گفت: «همه عوامل را بگذاریم کنار، تفاوت در ناکارآمدی نهادهاست.» (به عنوان مثال کره شمالی و کره جنوبی)
- نیاز است که ما در کشور و استان توجه ویژه ای به اقتصاد منطقه ای داشته باشیم و این موضوع با سابقه ۶۵ سال مطرح است.
- اقتصاد منطقه ای مانند برنامه ریزی و توسعه اقتصادی، شاخه نسبتاً جدید از علم اقتصاد تحت عنوان علم منطقه ای است که از دهه ۱۹۵۰ وارد عرصه اقتصاد شده است.
- پنج مولفه این اقتصاد عبارتند از: اقتصاد بی وزن یا جابک، اقتصاد خدمات محور، اقتصاد دانایی محور یا دانش محور همراه با سازوکار بازار، توجه به تجارت بین مناطق و مبادلات تجاری این مناطق با دنیای خارج از جمله ارکان اصلی نظریه های این اقتصاد را تشکیل می دهند. ولی تأثیر تجاری بر رشد اقتصادی و اثرات آن در منابع طبیعی و محیط زیست مسئله ای است که نظریه های فوق از آن غافل شده اند.
- احیای نظریه های مزیت نسبی اصلاح شده در قرن بیست و یک تلاش می کند نارسایی های نظریه های پیشین را برطرف کند. با توجه به اهمیت مزیت رقابتی می طلبد سیاستگذاران و برنامه ریزان منطقه ای و از جمله سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور جهانی فکر کنند ولی محلی عمل کنند.
- سند توسعه ملی استان ها تعیین کننده اهداف بلند مدت یک استان است. از ۳۱ استان، ۱۱ استان مشخص کردند که در آینده اولویت را به کشاورزی می دهند که گیلان یکی از آنهاست. ۱۳ استان هم صنعت و صنایع وابسته به کشاورزی را محور توسعه قرار داده اند و فقط دو استان تهران و سیستان و بلوچستان بر مبنای خدمات، توسعه را پیش گرفته اند.
- آمایش سرزمین تلفیقی از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه شناسی با هدف ایجاد تعادل فضایی بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت های اقتصادی در پهنه سرزمین است که در چهار استان انجام شده و خوشحال هستیم که گیلان یکی از آنهاست.



چهارمین نشست با موضوع «برنامه ششم، مبانی و فرآیندها»

مهندس حسین آرامی، مشاور معاونت هماهنگی و برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور:

- سیاست های کلی برنامه ششم در نهم تیر ماه ۱۳۹۴ ابلاغ شد و از آن پس تدوین آن به صورت جدی آغاز شد که براساس آخرین تصمیم رئیس جمهور محترم و دولت، همزمان با لایحه بودجه تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد شد.
- رویکرد برنامه ششم نگاه جامع نگر با تأکید بر موضوعات خاص است.
- این موضوعات خاص سه مبنا و خاستگاه دارند که خاستگاه اول مربوط به جنبه های بحرانی مانند خشکسالی، تالاب ها، ریزگردها و امثالهم است تا از وقوع عواقب بعدی جلوگیری شود.
- خاستگاه دوم موضوعات بخشی و فرا بخشی که موثر و جریان ساز در توسعه اقتصادی کشور هستند مانند صنایع و معادن، گردشگری و... خاستگاه سوم مربوط به موضوعات مکان محور است.
- در حال حاضر بهترین الگو برای تنظیم برنامه ششم، سند چشم انداز است که رسمی، موجود و تکلیف آور است و به عنوان سند بالا دست برای تدوین برنامه و سیاستهای کلی موثر خواهد بود.
- همه سیاست های ابلاغی توسط مقام معظم رهبری از جمله سیاست های جمعیتی قطعاً در برنامه ششم لحاظ خواهد شد.
- آسیب شناسی برنامه های گذشته در اجرای برنامه ها حائز اهمیت است. لذا آشنایی با مبانی و فرآیند تدوین سندی که در سرنوشت پنج سال آینده توسعه کشور موثر است می تواند به تقارن اطلاعاتی دست اندرکاران تصمیم سازی و تصمیم گیری در نظام مدیریت توسعه کشور کمک کند.
- نبود استنبات مشترک در سطح مفاهیم توسعه، نبود نظام آماری قابل اطمینان و اثربخش، نبود ساختار سیاسی و اجتماعی اصلاح شده حاکم بر برنامه ها و نبود انطباق و انسجام قوانین و مقررات حاکم بر برنامه ها از شرایط محیطی حاکم بر برنامه های توسعه قبلی بوده است.



راه اندازی حرکت فرهنگی به نام "ضد زرد" در فضای مجازی

بعضی از این صفحات مجازی انسان را به سمت سطحی تر شدن پیش می برند

سارا فرزانه

با ترانه هایش خاطرات زیادی داریم، وقتی مهمان شهر باران شد طرفداران و علاقمندان برای دیدنش آمدند و در گپ و گفتی صمیمی که به همت آقای فرازند در کتابفروشی فرازند شکل گرفت دکتر افشین یداللهی از تجارب خود گفت. این ترانه سرای محبوب با تاکید بر پرهیز از سطحی نگری در مواجهه با آثار هنرمندان به سوالات حاضران پاسخ داد و در بخشی دیگر برای علاقمندان، ترانه هایش را دکلمه کرد. مهمان دیگر این جمع صمیمی، آقای رئیس دانا مدیر نشر نگاه بود. وی نیز با ابراز امیدواری از اینکه خانه ترانه رشت به زودی تشکیل شود گفت: ترانه سرایان عضو خانه ی ترانه اصفهان قرار شده گزیده ترانه های اعضای خود را برای چاپ به ما بدهند و من امیدوارم گزیده ترانه های ترانه سرایان خانه ترانه رشت را هم در قالب مجموعه کتابی به چاپ برسانیم. در ادامه صحبت های دکتر یداللهی به نظرتان می رسد:

کردند. البته بعدها بعضی ها به این تاثیرگذاری مثبت جلسات خانه ترانه در پیشرفت آثارشان اشاره کردند. برخی هم بعد از اجراهای حرفه ای کمتر در این جلسات حضور دارند یا دیگر به این تاثیر اشاره ای ندارند.

اما مهم این است که بعد از انقلاب، اولین جلسات پر مخاطب شعر و ترانه همراه با نقد جدی همین جلسات خانه ترانه بوده است که البته بر فضای امروز ترانه تاثیر گذاشت. چون آن زمان ترانه ها گاهی از فضای ترانه ی بازار و مارکت فاصله پیدا کرده بود و از دید بازار قابلیت رقابت در اجرا نداشت. اما با وجود این خانه و بچه ها.

فضای ترانه ی کشور تحت شعاع قرار گرفت و توسط ترانه سرایانی مانند اردلان سرفراز، ایرج جنتی عطایی، شهیار قنبری و چند تن دیگر... با صدای خوانندگانی که آن زمان موسیقی پاپ را مطرح کردند از ترانه ی قدیم فاصله پیدا کرد.

اکنون هم در همه ی استان ها این امکان و استعداد وجود دارد. در خانه ی ترانه تهران از شهرهای مختلف می آیند و کارهای بسیار خوبی هم دارند. ما هم در خانه ترانه هر کمکی از دستمان برآید انجام می دهیم. در ادامه تعدادی از سوالاتی را که حاضران از دکتر یداللهی پرسیدند و پاسخ های ایشان را مرور می کنیم:

برخی از شعرهایی که از شما می خوانیم و می شنویم از لحاظ احساسی به نظر حالت فرا زمینی دارند، آیا به نحوی الهام می شوند که آنقدر قوی از کار در می آیند؟ مانند ترانه ی سریال مدار صفر درجه، وقتی گریبان عدم با دست خلقت می درید...

اینکه بگویم یک اتفاق وحال و هوای عجیب را تجربه می کنم نه! اما حرف های درون شعر، اندیشه و تجربیاتی هستند که از قبل درون ما وجود دارند. در مورد ترانه سریال مدار صفر درجه به این نتیجه رسیدیم که ترانه باید بازگو کننده ی عشقی فراتر از زمان و مکان و جغرافیا باشد. فراتر از مناسبات قراردادی، سیاسی، اجتماعی، پس در این حالت باید کل سناریو را در یک جمله، یک عبارت یا حتی یک کلمه خلاصه کنید.

حالا این می تواند برای هر کس توصیف و زاویه ی نگاه های مختلفی داشته باشد. مثلا من در مورد آن مفهوم در یک شعر می گویم که یکی از مصداق های آن مفهوم است. من لزوما واژه ها را نمی چینم. شاید تعبیر هنگام خواب، رانندگی و حتی راه رفتن ظرف یک روز به ذهنم خطور کند اما گاهی نیز

فعال نیستند... نهایتا معلوم نیست سالها بعد، از اشعار ما چند تا باقی می ماند و مقدر با مردم ارتباط برقرار می کند چه در سینه و حافظه ی مردم، چه بر زبانشان.



وی ادامه می دهد: خانه ترانه تهران از سال ۱۳۸۰ یعنی ۱۴ سال پیش شکل گرفت. ابتدا با افرادی از قبیل سعید امیراصلانی، نیلوفر لاری پوری، یغما گلرویی، افشین سیاهپوش، عباس سجادی، بنده و چند تن دیگر، اوایل به نوبت در منازل همدیگر جلسات را برگزار می کردیم. کم کم این جلسات شعر انسجام گرفت در فرهنگسرای ابن سینا. البته همیشه



بعضی وقفه ها و عدم همکاری ها وجود داشته، یا عدم همکاری فرهنگسرا در دادن سالن را داشتیم تا اینکه جلسات خانه ترانه در فرهنگسرای ارسباران ادامه پیدا کرد. می توان گفت ترانه سرایان موفق از خانه ترانه شروع

دکتر افشین یداللهی با ابراز خوشحالی از حضور در رشت گفت: برخی ها چنین دوره می را جشن امضا می نامند ولی من ترجیح می دهم آن را دیدار و گفت و گو با عزیزان بدانم چون در واقع جشن امضاء زیاد با روحیات من سازگار نیست. مهم کتاب ها هستند که عده ای علاقه دارند و مهم دیدار و گفت و گو از نزدیک با علاقه مندان است و شنیدن نظرات دوستان و مخاطبان، چون حرف های ما را خیلی ها شنیده اند. و اکنون فرصت خوبی است که شما (مخاطبان) صحبت کنید. با امضاء چیزی به آدم اضافه نمی شود بلکه من اگر از مردم بازخوردها را بشنوم می توانم برای آثار بعدیم از نظر دوستان استفاده کنم.

ما چندی است که حرکت فرهنگی به نام "ضد زرد" را در فضای مجازی به راه انداخته ایم. چون برخی افراد بدون اینکه از شعر یا نوشته ای ارزیابی کنند، صرفا به جهت اسمی که زیر مطلب نوشته شده به اصطلاح لایک می کنند یا تعریف و تمجید!

اما مخاطب واقعی، وقتی این موارد را می بیند دقت می کند، یا نقد می کند. حال در این بین عده ای تاب بیان نظرات مخالف یا نقد را ندارند و یا اینگونه کامنت ها یا نظرات را پاک کرده یا آن افراد را از صفحه شان حذف می کنند. و در واقع نقد را نمی پذیرند. که این روند باعث سطحی شدن کیفیت آثار می شود. به عنوان

مثال خود من بعضا با برخی از شعرهایی که با احساسات و عواطف سطحی تری سروکار داشته، مشاهده کرده ام تعداد مخاطبانی که لایک می کنند بالاتر می رود! اما شعری که کیفیت و شاعرانگی و عمق بیشتری دارد، چون درک بیشتری می خواهد به اصطلاح، آن تعداد لایک را نمی گیرد. در واقع به نوعی انگار مخاطبان هستند که تعیین می کنند تو چه بنویسی! خوشبختانه من بعد از دو، سه تا پست لایک خور به این شکل، حواسم جمع شد تا کارهای قوی تری ارایه بدهم و خودم را از این شکل رقابت کنار کشیدم. الان هم بعضی از این صفحات مجازی انسان را به سمت سطحی تر

شدن پیش می برند. چون ظرفیت توضیح در زیر عکس هم محدود است بنابراین نمی توانید بسط و توضیح بیشتری بدهید پس باید کوتاه و خلاصه بنویسید و بگذرید. در این بین شعر شاید بهترین انتخاب باشد. یا فیلم فقط ۱۵ ثانیه آپلود می شود یا اینکه هیچ کدام از لینک ها در زیر پست ها

پیش می آید برای پیدا کردن و انتخاب درست حتی یک واژه، ده روز زمان گذاشته ام. مثلا بعدها که همین ترانه ی مدار را برای خود می خواندم برابرم تعابیر جدیدی باز می شد که تا آن زمان به این قسمت از مفهوم و لایه های عمیق و مختلف جانبی اش فکر نکرده بودم.

در واقع ترانه هم هنر است هم حرف. برای سرودن ترانه بالاخص وقتی سفارش کاری در میان باشد من نمی توانم مانند شاعر بگویم حالا هر زمان به من الهام شد می نویسم. چون کار برای اجرا و پخش زمان محدودی دارد. گاهی ترانه و آهنگ باید در دقیقه ی نود نوشته، اجرا و پخش شود. در این حالت تنها با تمرین به جای الهام می توان به نتیجه ی مورد نظر رسید.

من اگر بیتی به ذهنم

برسد و همان لحظه ننویسم بعدا دیگر با فکر و تلاش اتفاق نمی افتد.

شعر سفارشی نمی شود و غلط است. به شخصه هر سفارشی را قبول نمی کنم و دیگر اینکه باید ابتدا سوژه را برای خود تبدیل به یک مفهوم کنم.

معیار تشخیص شعر از ترانه چیست؟

مرز قاطع نداریم. حتی ممکن است متن روزنامه باشد، آهنگسازی شود و کاربرد ترانه پیدا کرده باشد. ولی ترانه باید متنی باشد که قابلیت موسیقی پذیری داشته باشد. البته گاهی ما شعری را هم روی ملودی می گذاریم حتی در قالب های مختلفی مانند: غزل، نیمایی، سپید یا آزاد که کاربرد ترانه پیدا کرده اند. در این بین شاید بتوان گفت ترانه ی ضعیف و قوی داریم.

آیا یک ترانه حتما باید با آهنگ و موسیقی همراه شود تا آن را ترانه بدانیم؟

درست تر و بهتر این است که ترانه با اجرای موسیقی همراه شود. یک کتاب ترانه شاید نهایتا ۱۰ یا ۲۰ هزار مخاطب داشته باشد اما یک ترانه با موسیقی خیلی بیشتر مخاطب و شنونده خواهد داشت و به مرور با امکانات پخش و تبلیغ و دانلود این تعداد به بیش از اینها هم می رسد.

چرا در حال حاضر اکثر مضامین ترانه ها عاشقانه است؟

خود من در کارگاه های آموزشی این نکته را تاکید می کنم که باید به موضوعات غیر هم پرداخته شود. مضامین عاشقانه لازم است اما کافی نیست. شاید بیشتر به این خاطر باشد که موضوعات اجتماعی یا غیره گاهی به راحتی مجوز اجرا و پخش نمی گیرد. گاهی محدودیت وجود دارد. پس ساده ترین نوع ترانه عاشقانه است. البته همین عاشقانه ی خوب هم گفتن اصلا کار ساده ای نیست مگر اینکه مدام در ترانه هایمان بگویم: تو رفتی و من مردم!

ما عموما از کلمه ی "عشق" به عنوان اصطلاح استفاده می کنیم. اما در واقع عشق نیست! بلکه هیجان آنی آن لحظه است که لزوما بد نیست. گاهی



محدودیت های بیرونی و دیگر تالیفات مشابه هم سبب این تکرارها می شود. و اینکه بیشتر تهیه کنندگان آلبوم های موسیقی برای بازخورد بهتر و سود بیشتر اقتصادی تمایل به محتوای عاشقانه و مردمی تر دارند تا مضامین اجتماعی. شاید این نمود حتی در سالن کنسرت ها هم تاثیر داشته باشد که مردم با چنین آهنگ های عامیانه و عاشقانه بیشتر و بهتر همراهی و ابراز احساسات می کنند.

اگر بخواهیم در ترانه از مضامین عاشقانه دور شویم و به اجرا فکر نکنیم چه راهکاری دارد؟

ساده ترین راه این است همینطور که از خیابان رد می شوید از سوژه های روزمره الهام بگیرید. به این تعبیر که گاهی می شود برای یک دکمه، کت دوخت، یا الهام گرفتن از یک لحظه و بدل شدن یک حس عاطفی یا حالتی در چهره ی شخص. به عنوان مثال همه ی ما طلوع و غروب خورشید را دیده ایم اما شاید فقط شخصی مثل "صائب تبریزی" با این زاویه نگاه عمیق و زیبا به آن پرداخته باشد: «به مطلب می رسد جویای...»

بهتر است در آثارمان چه نوع مخاطبی را همراه کنیم؟ مخاطب عام یا خاص؟ یا هر دو؟

اینکه با آثار ما مردم ارتباط برقرار نکنند شاید خیلی کار خوبی از آب در نیاید. آن شعر یا ترانه ای خوب است که عامه به فراخور خود و خواص هم با توجه به ارزیابی ها و بررسی های خود با آن ارتباط برقرار کنند. اما در هر صورت تکنیک باید در خدمت شعر و مفهوم باشد. انسجام اثر، حرف تازه، عاطفه و صمیمیت برای مخاطب باید در کار حتما لحاظ شود. حالا مخاطب عام شاید لایه های سطحی کار را دریابد اما مخاطب خاص لایه های عمیق تر کار و مفاهیم را هم درمی یابد.

نظر شما در خصوص چگونگی تعامل بین آهنگساز، شاعر و خوانندگی اثر چیست؟

به شخصه سعی کرده ام سر ضبط کارها بروم. تا راحت تر احساساتمان را پیرامون کار انتقال دهیم و درمورد کار گفت و گو کنیم. مثلا برای سریال معمای شاه ملودی به من داده شد که به این شکلی که می شنویم نبود. ملودی بود که هر بندش سه قسمتی بود. کار برایم مشکل نبود اما برای بیان بهتر و مضمون و حال و هوای کار گره ای ایجاد می کرد که دست و بال کار را برای ارائه مفهوم می بست. که به نظر من اگر ملودی چهار قسمتی می شد برای بیان بهتر مناسب تر بود. خب موضوع را با آهنگساز کار آقای بابک زرین در میان گذاشتم و با همفکری و تعامل تغییرات مناسب صورت گرفت. (عکس ها: ماهنامه گیلان فردا)

ابراهیم فرازمنند مدیر کتابفروشی فرازمنند نیز در گفتگو با مجله گیلان فردا هدف از برگزاری این دوره می ها را توجه بیشتر به فرهنگ و کتاب برشمرد و گفت: امیدواریم افراد توقف بیشتری در کتابفروشی داشته باشند. البته قبل از حضور دکتر افشین یداللهی، کتابفروشی فرازمنند میزبان شاعران و نویسندگان دیگری از جمله عبدالملکیان ترانه سرا، اکبر اکسیر شاعر و نویسنده و قاسم کشکولی نویسنده بوده است و انشالله این کار فرهنگی ادامه خواهد داشت.

دکتر افشین یداللهی، پزشک متخصص اعصاب و روان ترانه سرای تعدادی از تیتراژهای سریالهای تلویزیونی مانند تبریز در مه، در مسیر زاینده رود، مدار صفر درجه، شب دهم، ترانه هرچی آرزوی خوبه مال تو است، میوه ممنوعه و... است. وی فعالیت های حرفه ای ترانه سرایی خود را در سال ۱۳۷۶ در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. نخستین ترانه های وی با آهنگسازی فواد حجازی و شادمهر عقیلی و با خوانندگی خشایار اعتمادی اجرا شد. وی چندین سال است که اداره انجمنی به نام خانه ترانه را برعهده دارد.

گروه شعر گیلکی خانه فرهنگ گیلان ۱۴ ساله شد



شعرهایشان را می خوانند و خاطراتی از کنار با هم بودن در خانه را بازگو می کنند، احساس می کنم در بخش هایی از این خاطرات که هیچوقت حضور نداشته ام، شریک هستم و خود از این حس مشترک در تعجبم. هر چند که بعضی از لغات و واژه هایی که عزیزان در اشعار می خوانند را شاید نشنیده باشم ولی آن کلمات هم برایم جالب است. چون نشاندهنده غنای زبان زیبا و دلچسب گیلکی است. بی شک حتی اگر رشتی نباشید ولی زبان اصیل گیلکی را با تلفظ درست از اهلش بشنوید خواهید پسندید. البته تنوع و غنای این بخش از فرهنگ که مربوط به زبان است نه تنها در مناطق مختلف گیلان بلکه در سرتاسر کشور پهناور ایران نشان از قدمت ایران زمین دارد.

حیاط خانه می شوم با دیدن سنگفرش حیاط خانه یک بار دیگر به خاطرات خانه پدری برمی گردم. سنگفرش زیبایی که در زمان بچگی نمی دانستم چقدر با ارزش است و چقدر روح دارد و زنده است!

گویا همه چیز دست به دست همه داده که حالمرادگرگون کند. اگر رشتی باشید و همراه با صدای بارانی که از پنجره شنیده می شود به اشعار زیبای گیلکی گوش کنید یقیناً شما هم احساساتی می شوید و خاطراتی را که پشت سر گذاشته اید ناخودآگاه مرور می کنید. و این قدرت فرهنگ و هنر و شعر و کلام است که جان می بخشد و جاودان باقی می ماند.

وقتی شاعران گیلکی سرای عضو خانه فرهنگ گیلان

گیلان فردا- با همه مشغله کاری وقتی به سیصدمین جلسه شعر گیلکی دعوت می شوم در این جلسه حضور می یابم. عصر یک روز پاییزی با بارش بارانی ملایم از محله قدیمی ساغریسازان که برای بسیاری از ساکنین رشت همراه با حس نوستالژیک است عبور می کنم. در این مسیر همه چیز رنگ و بوی گذشته را در ذهن زنده می کند، حتی اگر هیچوقت ساکن این محله نبوده باشید و یا فقط چندمین باری باشد که از کوچه پس کوچه هایش رد می شوید، فرقی نمی کند چون ناخودآگاه بسیاری از خاطرات دوران بچگی و نوجوانی و جوانی در ذهنتان جان می گیرد...

بالاخره به خانه فرهنگ گیلان می رسم، اما همین که وارد

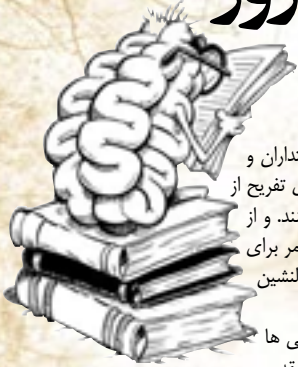
تابستان ۸۲ به نام «برازه» و «تی تی» چاپ شد. که البته پس از مدتی متوقف شد. وی با اشاره به اهدای خانه فرهنگ گیلان از سوی خیران که نمی خواستند نامشان ذکر شود از این حرکت خوب فرهنگی قدردانی کرد. و گفت: برگزاری چند همایش استانی شعر گیلکی در راستای شناساندن زبان و شعر گیلکی، رونمایی از کتاب های شعر گیلکی و تقدیر از فعالان و پیشکسوتان عرصه شعر و ادب گیلکی از دستاوردهای فعالیت این گروه بوده است. گفتنی است در این نشست آقایان و خانم های عضو گروه شعر گیلکی از جمله «جکتاجی، عباسی، یحیی زاده، جلیل پور، نوری، چراغی، صفرزاد، دفاعی، بحری، پیله ور، پاریا، مومنی، مقدسیان، طاهرزاده، پورکار، عظیمی، غلامی، نیک نژاد، برزگر، اکبرزاده، فکرآزاد، پورکریمی، کارگر، فانی، کیان پور» با بیانی از خاطرات، اشعار گیلکی خود را برای جمع خواندند.



در سیصدمین جلسه شعر گیلکی که با حضور اعضای گروه شعر گیلکی خانه فرهنگ گیلان برگزار شد پس از مقدمه کوتاه آقای گلستانی، آقای پوراحمد جکتاجی ضمن تشکر از همه اعضای که طی این سالها با وجود تمام مشغله های کاری همراه این گروه بوده و در کارگاه آموزشی شرکت کرده اند، با اشاره به چهارده سال فعالیت این گروه فرهنگی و چگونگی شکل گیری خانه و گروه گیلان شناسی و شعر گیلکی گفت: تا قبل از سال ۱۳۸۰ حدود ۱۰ الی ۱۵ نفر کنار هم بودیم. در ۲۶ مهر ۱۳۸۱

خانه فرهنگ گیلان در خیابان بحرالعلوم رشت با حضور جمعیت زیادی بطور رسمی و باشکوه افتتاح شد. در سال ۸۲ روزهای دوشنبه برای گردهمایی این اعضا انتخاب شد و علاوه بر شعر خوانی به صورت کارگاه نقد و بررسی شعر گیلکی ادامه یافت و با عنوان گیلان شناسی دو نشریه داخلی در زمستان ۸۱ و

کتاب روحت را بزرگ می کند و مغزت را به روز



آماری ۸۰ الی ۹۰ درصد دوستداران و کتاب خوان ها در استرالیا برای تفریح از کتاب و مطالعه استفاده می کنند. و از همان سنین بسیار پایین این امر برای کودکانشان یک امر بدیهی و دلنشین است...

طبق آمارهای جهانی، آمریکایی ها ۲۰ دقیقه، انگلیسی ها ۵۵ دقیقه و ژاپنی ها ۹۰ دقیقه از وقت خود را در شبانه روز به مطالعه ی کتاب اختصاص می دهند. بر این اساس آماري که از سرانه مطالعه کتاب در ایران تا حالا ارائه شده است، در کنار تمام نوسانات عددی از ۲ دقیقه، به ۱۵ دقیقه و آخرش به ۱۸ دقیقه رسیده است!

مقایسه سرانه مطالعه در ایران و کشورهای دیگر نشان می دهد مهمترین دلیلی که باعث می شود ایرانی ها سراغ کتاب نزنند، احساس بی نیازی از مطالعه و حس دانای کل بودن است! والا کسی که لذت خواندن یک کتاب خوب و پرمحتوا را تجربه کرده باشد بهانه های بنی اسرائیلی همچون نداشتن وقت، گران بودن کتاب و ... را مطرح نخواهد کرد. وقت را خودش خالی می کند و عضو کتابخانه ای می شود.

به نظر می رسد افرادی که با کتاب و نشریات بزرگ شده اند، همیشه از خواندن کتابی جدید مطابق با سلیق و روحیاتشان لذت وافر برده اند. کتاب ها نجات مان می دهند از تمامی فکریهای منفی و نومید کننده، از بحران های زندگی. کتاب ها برای خود من به مثابه دوستانی آرام، وفادار و مهربان هستند با دنیایی از دانش و آگاهی و عمق و معرفت و البته راه حل. دوستانی وفادار برای تمام دوران زندگی... دوست روزهای تلخ و شیرین، امید بخش و هدایت کننده ی زندگی ها... منبعی غنی از تفکر و اندیشه و پشتوانه ی ما در کارمان. هر کس در هر حوزه ای که مشغول فعالیت است نیاز به پشتوانه دانش در آن رشته دارد. دانش کار هم فقط آگاهی از فنون حرفه نیست بلکه مربوط و منوط به آشنایی ما با علوم

اجتماعی و همه ی حوزه های علوم انسانی است. و مسلما بخش مهمی از این شناخت و آگاهی از کتاب به دست می آید و اساسا کتاب است که به نگاه ما به جهان عمق و وسعت می بخشد. با وجود همه ی پیشرفت ها و همه ی ابزارهای ارتباطی که بالاخص این روزها و سال ها، ساعات متمادی وقت کوچک و بزرگمان را به خود اختصاص داده تا بیشتر مواقع هم از تنهایی نجاتمان دهد، برایم به شخصه هنوز هم کتاب ها جایگاه ویژه ی خود را دارند. لذت لمس و ورق زدن کتاب های مورد علاقه با هیچ کلیکي بر روی میلیون ها صفحه و سایت و شبکه ی مجازی برابری نمی کند.

زیرا بخش اعظم مراجعه ما به اینترنت صرفا مرور موضوعات و خواندن گذرای تیترها و سرفصل هاست نه عمیق شدن در آنها و به دست آوردن آگاهی های پرداخت شده. کارشناسان می گویند در مقایسه با رایانه، بازی های تلفن همراه، تبلت ها و... که خود ممکن است موجب افزایش ناآرامی و اضطراب شوند. دنیای کتاب ها خیلی بزرگ و آرام است... دلشوره هایت را می گیرد. و روحت را بزرگ می کند و مغزت را به روز.

آدمی برای تمام چیزها و کسانی که دوستشان دارد وقت خالی کنار می گذارد. حتی میان مشغله ها و دغدغه هایش، اگر فردی برای کاری یا کسی وقت خالی کنار نمی گذارد یعنی آن کار یا آن شخص جزو اولویت های او نیست. کتاب ها دوستانی وفادار و یارانی مهربان هستند... چقدر برای دوستانتان اولویت قائلیم؟

* کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

فرزندانمان می کنیم، چندین جلد کتاب خوب و پرمحتوا را نیز در سبد جایزه ها و خریدهای ماهانه اش قرار دهیم. حتی اگر پاره شان کند، حتی اگر خط خطی شان کند، حتی اگر بی علاقه گی نشان دهد، باز هم فواید خوب و زیادی دارد. کمی که بزرگتر شد به جهت رشد کردن در دنیای کتاب ها و نشریات و حتی روزنامه ها، دیده ها و شنیده ها و تحلیل هایش پخته تر از هم سن و سال هایش می شود و مطالعه کتاب و نشریات پرباش به امری بدیهی و مانوس درخواهد آمد که نیازهای فکری و روحی اش را پاسخ می دهند. همگان بر ارزشمند بودن این امور صحنه می گذارند اما اینها در نهایت جز به صورت تبلیغ، شعار، آن هم مقطعی یا به صورت صحنه نمایشی گذرا در قلیلی یا نشان دادن یک پز روشنفکری باقی نمی ماند! و نهادینه نمی شود... در مدارس به صورت یک زنگ مجزا برای مطالعه و گفتگو پیرامون تازه ترین کتابی که خوانده ایم در نمی آید. متأسفانه کمترین بهانه، به زنگ ها و درس های انشاء، پرورشی، املاء و نگارش و زنگ ادبیات داده می شود. حال زنگ ورزش و آمادگی جسمی و روحی بچه ها بماند که از اوجب واجبات است!

البته این انتظار از پدرها و مادرهایی که خودشان به هیچ عنوان با کتاب بزرگ نشده اند و زیست نکرده اند، در آموزش و نهادینه کردن این امر نزد فرزندانمان، انتظاری رویایی است. اما چه بسیار والدینی که خودشان از سواد و مدرسه بی بهره بوده اند ولی فهم و درکی شایسته از نیاز به علم و معرفت و آگاهی داشته اند که فرزندانمان را با همین کتاب ها و تشویق ها به مدارج والای علمی و معرفتی رسانده اند.

میل به آموختن و لذت بردن از مطالعه به مثابه تفریحی سالم، امری نیست که در سنین بالا با هزار ترفند در شخص ایجاد شود، شاید این نیاز در سنین بالا بیدار گردد ولی تفتنی و سطحی خواهد بود.

اما در کشورهای فوق پیشرفته و با درصد بالایی از رفاه اجتماعی چه می بینیم؟ به عنوان مثال چند شب قبل، یکی از برنامه های شبکه چهارسیمما به این موضوع پرداخت که در کشور استرالیا سرانه ی خرید و خواندن کتاب و مطالعه چقدر بالاست... با کتاب زندگی می کنند و طبق



سارا فرزانه *

خورخه لوئیس بورخس، نویسنده و شاعر آرژانتینی می گوید: "همیشه تصور می کنم بهشت شبیه یک کتابخانه است." تصور زیبایی هم هست... بهشتی که می توان ساعت ها در آن چرخید و تذیبه ی روحی شد.



هر کتاب پنجره ای است به دنیاهای بی کران... به دنیای تاریخ، هنر، دین، شعر، رمان، ادبیات و... اینکه روز یا هفته ای را بهانه کنیم و از مزایای کتاب و کتابخوانی و فرهنگ مطالعه و بالاخص از سرانه ی بسیار بسیار کم هر ایرانی در خرید کتاب و مطالعه و تیراژهای کم نشر بگوییم، علی رغم همه ی تبلیغات دیداری، شنیداری و رسانه ای و نمایشگاه های سالانه ی کتاب، به خودی خود پسندیده و قابل بحث است اما کافی نیست. و آن اندازه که باید، تبلیغات و شعراها تمربخش نیست.

برای یافتن چرایی عدم علاقه یا عدم توجه ایرانیان به امر مهم و فرهنگی چون مطالعه و اشتیاق خواندن، باید علت ها را بیش از پیش مورد دقت و بررسی قرار داد. سال های سال است که این نگرانی در حوزه ی فرهنگ و ادب مطرح شده است و روز به روز با نفوذ و گسترش هر چه بیشتر تکنولوژی، فضاهای مجازی و شبکه های مختلف و پرمخاطب اجتماعی و ظهور و بروز نسل های جدید و جوان تر با سبک های خاصی از زندگی، بیشتر کانون توجه قرار گرفته و تبلیغات مقطعی و سطحی صورت می گیرد که گرچه در جهت تسهیل فرهنگ سازی در این حوزه است اما به هیچ عنوان راهکار قطعی و کافی نیست و نخواهد بود. بیشتر به مسکن می ماند تا درمان!

چه اگر آدمی از اوان کودکی با هر عادت و سبک و سیاقی از زندگی رشد کند و بزرگ شود، در سال های جوانی و بزرگسالی زمانی که شخصیتش شکل گرفت و مستقل شد، ترک عادت های پیشین و جایگزین کردن عادت های نیکو و مفید اگر نگوئیم نشدنی باید بپذیریم که بسیار بسیار سخت خواهد بود. شاید افرادی که سال های سال از خدا عمر گرفته اند و تا کنون کتابی را با میل و اشتیاق در دست نگرفته و تا انتها به پایان نبرده اند و لذت بی کران مطالعه در حوزه ای که علاقه مندش هستند را تجربه نکرده باشند، اکنون بعد از ۴۰، ۵۰ یا حتی ۳۰ سال هم با هر گونه تبلیغ و شعار و زرق و برق این تلنگرها برایشان اثری نداشته باشد.

اگر کودکی و نوجوانی ات را با بوی خوش ورق های تازه ی کتاب و شوق و ذوق خواندن مطالب و داستان هایی از دل هزاران هزار زندگی که برایت جدید و جذاب بوده است سبزی نکرده باشی حتی در دهه ی ۲۰ تا ۳۰ سالگی که اوج جوانی و تحرک و انگیزه و اشتیاق برای یادگیری و دانستن و خواندن و بهره بردن است، کمتر احساس نیازی به این وادی پیدا می کنی و همین می شود که اکنون هست!

بنابراین مسلمان باید این شوق و ذوق و عادت به مطالعه، طوری که جزء لاینفک امور زندگی مان شود را از همان ابتدای کودکی در فرزندانتان به وجود آوریم. حتی زمانی که کودک در شکم مادر است تحقیقات نشان داده صحبت با او و خواندن قصه برایش در رشد فکری و عاطفی او می تواند حائز اهمیت باشد. و بعدها نیز بهتر است در دوره های پیش و پس از دبستان خرید کتاب های مختص سن و نیازش را هم برای خود او و هم خودمان به صورت یک عادت و امری بدیهی درآوریم و در کنار همه ی وسایل بازی و ابزارهای تکنولوژی باخاصیت و بی خاصیتی که مد زمانه می شود و خود را ملزم به خریدشان برای

هنر در گستره فرهنگ عمومی

است. هنر این ویژگی را دارد تا به زیبایی‌ها تجلی بخشد و احساس آرامش و شاد بودن را به جامعه‌ی انسانی بازگرداند. استفاده از امکانات هنری و کمک گرفتن از حضور هنرمندان پیشرو بهتر می‌تواند زمینه‌ی فرهنگ عمومی متعالی را برای همگان فراهم سازد.

باید شک و تردید را کنار گذاشت و با اندیشه‌ی زندگی ساز و با هنری که با ارزش‌های جامعه‌ی گره خورده به سراغ فرهنگ رفت تا فرهنگ عمومی را با اخلاق و رفتار درخور توجه جامعه‌ی انسان امروزی شکل داد.

چه، مشکلات جوامع در حال رشد، گسترده‌تر از آن است که با ساده‌انگاری و با نگاه سطحی بتوان به حل معضلات آن پرداخت. به ویژه اینکه افراد در زندگی یکنواخت و خسته‌کننده‌ی امروزی خود دیگر بسان گذشته به امور نمی‌نگرند. ارزش‌ها را در چهارچوب مناسبات جوامع پیشرو می‌سنجند. اگر به هنر و به رفتارهای اجتماعی گرایش دارند، ناشی از این نگرش است که باید به آن چه در حال حاضر وجود دارد و می‌توان درباره‌ی آن تصمیم گرفت بها داد، نه آن چیزی که باید باشد. از این نگاه در جهان معاصر به صرف داشتن دیدگاه آرمانی و باورهای ذهن‌گرایانه نمی‌توان اندیشه‌ای را در جامعه تعمیم داد. اما می‌توان با توجه به مناسبات دنیای امروز، امکاناتی فراهم کرد تا نظر همگان را به امور زیبایی و به رفتارهای اخلاقی و تفاهم جلب کرد.

بی‌تردید مادامی که زندگی ادامه دارد، فرهنگ نیز همچنان پابرجاست و جستجو برای دستیابی شیوه‌های نو در جهت بهتر نشان دادن فرهنگ عمومی ادامه خواهد داشت.

*** هنرمند و فرهنگی بازنشسته**



برد که با بهره‌گیری از امکانات موجود توانسته‌اند در اشاعه فرهنگ عمومی موثر واقع شوند.

اما امروزه و در دوران معاصر این مهم به عهده مسئولان و برنامه‌ریزان جامعه شهری است که با تدابیر خود راه‌هایی را در جهت هرچه بهتر جلوه دادن فرهنگ عمومی ارائه دهند. بی‌شک جوامع امروزی با تنش‌ها و مشکلات پیچیده‌ی فراوان رو به روست که برای برون رفت از آن ناگزیر به ارائه طریق مطلوب است. از طرفی در دنیایی زندگی می‌کنیم که معیارها و ارزش‌ها دیگر آن نیست که در گذشته پنداشته می‌شد. توجه به واقعیت‌های جهان معاصر با همه‌ی زیبایی‌ها و زشتی‌های آن بخشی از روند مناسبات امروزی است که به دنیای ما تعلق دارد. از این نظر هشدار واقع‌بینانه متفکران و مدیران امور فرهنگی را باید تکرار کرد که در توجه به فرهنگ عمومی از چیزی کوتاهی نشود.

اما آن چه در شرایط امروزی می‌تواند به این امر کمک کند همانا نگاهی دوباره به هنر و گسترش آن از طریق فرهنگ عمومی

محمد تقی مرتاض هجری*

تاریخ بشر را فرهنگ‌ها می‌سازند و فرهنگ چیزی نیست جز حکایت تلاش عظیم انسان‌ها در گذر تفاهم و با یکدیگر زیستن! فرهنگ مقوله‌ای است به قدمت تاریخ انسان، انسانی که با کار و تلاش و با کسب دانش و معرفت توانست به جنبه‌های اجتماعی فکر و خود را در هر شرایطی حفظ کند.

از این نگاه هر گفتار و رفتار، هر اندیشه و اثر هنری و حتی هر شی‌دست ساز که به نحوی در رابطه با جامعه است، جزء فرهنگ محسوب می‌شود.

فرهنگ را با آداب و تربیت و دانش و مجموعه رسوم و عادات و معارف بشری و هنری می‌شناسند. اما الحاق پسوند «عمومی» به آن نگرشی است که در دوران معاصر و در جامعه مدرن صورت گرفت تا به فرهنگ عمومی معنا و اعتبار ببخشد. توجه به فرهنگ عمومی از آن روی با اهمیت تلقی می‌شود که می‌تواند به رشد شخصیت‌ها و افراد کمک کند. آن گونه که در امر مشترکی و مربوط به جامعه و رعایت حقوق دیگران اتفاق نظر داشته باشند. هرچند که با منافع شخصی خود آنان در تضاد بوده باشد. از طرفی بها دادن به فرهنگ عمومی کوششی است اجتماعی در جهت شناخت هر چه بیشتر جامعه‌ای که با مسائل و مشکلات زیستی روبه روست و ناگزیر برای رفع نابسامانی‌ها و کاستن از رفتارهای نه‌چندان مناسب، باید چاره‌ای اندیشه شود. فراموش نشود که در گذشته و در جوامع سنتی، نقش افراد در تعالی و گسترش فرهنگ عمومی بی‌تاثیر نبود. با نگاهی به تاریخ اجتماعی و با جستجو در شرح احوال شخصیت‌ها، می‌توان از افراد زیادی نام



در محفل انس

سید نورالدین هاشمی *



چندی پیش مناسبتی پیش آمد تا تنی چند از دوستان دیرین که امروزه هر کدامشان در گوشه ای روزگار می گذرانند و سرگرم زندگی خویش اند، در مجلسی گرد هم آمدند و از هر دری سخن به میان آوردند، از گذشته های دور، از روزگار جوانی و از هنگامی که هر یک بنا بر راهی که برگزیدند از یکدیگر جدا افتاده، خود را برای دست و پنجه نرم کردن با زندگی پیش روی آینده، آماده می کردند و کمتر به دیدار هم نایل

می شدند و می شوند و امروز که فرصتی پیش آمده و به دیداری توفیق یافته اند هر کدام کم و بیش گرد پیری بر سر نشسته دارند و موی سپید سر و صورت و چین و چروک چهره بیانگر سال های شادابی و نشاط گذشته ی سپری شده شان می باشد. از هر دری سخن به میان می آمد از جمله از چگونگی روزگار گذشته و مقایسه آن با روزگار کنونی که چه قدر تفاوت و فاصله بین این دو دوران زندگی به وجود آمده است و هر یک از حاضران بنا بر باورداشت و تجربه ی شخصی خویش می گفت و دلیل این دگرگونی را به گونه ای بیان می کرد. یکی می گفت: در گذشته مردم قانع بودند و به اندک خوشی های زندگی شادمان می شدند و زیاده خواهی نداشتند. هر کس هر چه داشت یا به دست می آورد به همان راضی بود و روزگار را به شادمانی سپری می کرد. دوستی دیگر در تایید سخنانش شعری می خواند و می گفت بی دلیل نبوده که شاعری بلند آوازه و نامدار چون حافظ چنین سروده که: «رضا به داده بده وز جبین گره بگشا / که بر من و تو در اختیار نگشاده است.»

و در تأیید این کلام، خواجه ادامه می داد که آری انسان باید قناعت پیشه کند و زیاده خواهی و بلند پروازی را کنار بگذارد تا معنای سعادت و شادمانی را درک کند. و دوستی دیگر برای آن که موافقت خود را با اظهار نظرهای وی بیان کند اضافه می کرد که: راست گفته اند اگر انسان برای به دست آوردن رزق و روزی، خود را به آب و آتش نزند و بر آنچه که مقدرش بوده قانع شود هیچگاه سختی و ناراضیتی در زندگی را احساس نمی کند و برای اثبات نظرش بیت زیر را به گوش جان حاضران تزیین می کرد که: «رزق را روزی رسان پر می دهد / صبر اگر سازی نکوتر می دهد» و همه چیز را نتیجه سرنوشت انسان می دانست و معتقد بود که انسان باید در زندگی صبور و بردبار باشد، به بد و خوب زندگی خو کند و از حرص و طمع و زیاده خواهی پرهیز نماید تا آرامش و آسایش بیشتری در زندگی داشته باشد.

و آن سومی اظهار می کرد که خیر! چنین نیست که تا کنون بیان کرده اید و چنین سخنانی خیال پردازی های شاعرانه ای است که در زمان گذشته برای آرام ساختن مردم محروم و درمانده بیان می شده تا در برابر ظلم و ستم قدرتمندان به پا نخیزند و قد علم نکنند تا آن ها بتوانند با خیالی آسوده و راحت به بهره کشی و استثمار خود ادامه دهند و صله و جایزه ای هم به شاعران مداح خود بدهند و آن ها هم خواسته یا ناخواسته آب در آسیاب آنان بیندازند تا نشاط و شادمانی، قوی دستان خدشه دار نشود و غبار ملالی خاطر مبارکشان را آزرده نسازد!

و نفر چهارم با سخنانی این چنین اظهار می داشت که دوران بیان چنین نظریاتی سپری شده و ما امروز نباید چون گذشته با طرح این اظهار نظرها وقت بگذرانیم و به نتیجه ای هم نرسیم زیرا اگر این چنین بحث ها و مجادله ها راهگشا بود تا امروز می بایست مشکلات زندگی اجتماعی مردم به پایان می رسید و دیگر جایی برای بحث هایی این چنین باقی نمی ماند و سپس ادامه داد که آن چه را دوستان بیان کردند ممکن است واقعیت داشته باشد ولی تنها بیان واقعیت درمانگر و چاره ساز نیست آن هم درد پیچیده و عمیقی مانند دردهای اجتماعی، بلکه برای شناخت واقعیت هایی این چنینی، باید حقیقت بین بود و مشکلات را به درستی شناسایی و ریشه یابی کرد.

یکی از دلایل صبوری و رضایت عامه ی مردم در گذشته زندگی ساده و بی زرق و برق امروزی بود. تفاوت ثروتمندان و مردم عادی در نمودهای زندگی شان آشکار نبود، بلکه آنچه مایه تمایز بود اندوخته های پنهان در گنجینه ها و صندوق خانه ها بود و به چشم محرومان نمی آمد و نیشتر به جانشان نمی زد. در گذشته ای نه چندان دور در همین شهر رشت که از جمله شهرهای پیشرفته و مدرن به حساب می آمد و عروس شهرهای

ایران لقب داشت و دروازه ی ارتباطی با اروپا بود، چند ساختمان دیدنی و چشمگیر وجود داشت؟ بجز چند ساختمان دولتی و دو ساختمان هتل ایران و هتل ساوی که امروز اسمش هم نیست و عمارت جلوه و چند خانه ی اربابی و تاجران سرشناس، چیز دیگر سراغ دارید؟ در سراسر رشت چند اتومبیل در رفت و آمد بود؟ چند خانواده متشخص شهر دارای اتومبیل شخصی بودند؟ بجز درشکه (فایتون) و گاری چه وسیله ی حمل و نقل درون شهری فعالیت داشت؟ تصور می کنید سبب تنگی کوچه ها و پیچ در پیچ بودن و به قول قدیمی ها زولیبایی شهر رشت علاوه بر ترس از حمله و هجوم گاه و بیگاه همسایه شمالی آن روز چه چیزی بوده است؟ معلوم است که در زندگی آن روز نیازی به کوچه های پهن تر از چهارمتری نبود زیرا همین که دو سه نفر بتوانند از کنار هم رد شوند و یا دست بالا درشکه و گاری بتوانند از آن عبور کنند، کفایت می کرد و لزومی نداشت که حیاط وسیع خانه ها را برای کوچه حرام کنند. آری ظاهر زندگی ها ساده و بی پیرایه بود ولی در عوض، اعتماد و اطمینان بود، پایبندی به قول و فعل بود، رعایت حق و حقوق دیگران را در نظر داشتن بود، از حال و روز یکدیگر با خبر بودن بود و در مواقع سختی ها و پیشامدهای غیر منتظره به یاری هم شتافتن ها هم بود و این ها چیزهایی است که نمی توان از آن چشم پوشی کرد.

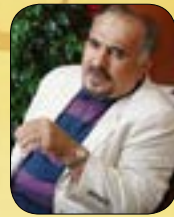
یکی از حاضران گفت: دوست عزیز تا اینجا که فقط مقدمه چینی و شرح و بسط بود، چه نتیجه ای می خواهید از این بحث ها بگیرید؟ و گوینده ی پیشین با کمی مکث و بیان چند لطفه ی مجلس گرم کن ادامه داد: داشتم عرض می کردم امروزه روز تا دلتان بخواهد چیزهایی در زندگی مردم راه پیدا کرده که در گذشته اصلاً وجود نداشت و همین چیزها سبب شده که افراد جامعه دچار این همه چشم و هم چشمی، رقابت ناسالم و حسادت شده اند و اخلاق و منش گذشته را فراموش کرده اند، متأسفانه امروزه معیار سنجش همه چیز و همه کس فقط به مال و ثروت و پولش بستگی دارد، اعتماد و اطمینان از بین رفته و راه و روش های نوینی جایگزین معیارهای گذشته شده است. سرانجام دوستی دیگر برای جمع کردن بحث و گفتگوهای این چنین گفت: وقتی چشم می بیند، دل هم می خواهد و یکی از گوشه ای با آوازی دلنشین خواند که: «ز دست و دل هر دو فریاد / که هر چه دیده بیند دل کند یاد» و سخنور ادامه داد که ما امروز از اخلاق و رفتار و کردار انسانی و پسندیده ی پیشینیان یاد می کنیم و تأسف می خوریم که آن همه صداقت و درستی و صفا و پاکدامنی کجا رفت؟! ولی حقیقت این است که نباید نسل کنونی را دانسته یا نادانسته به بی اخلاقی، نادرستی، زیاده خواهی و... محکوم کنیم، بلکه باید تفاوت زمانی نسل گذشته و حال را هم در نظر داشته باشیم و بدون این که سلامت نفس و پاکی و صداقت گذشته را نادیده بگیریم و یا جوازی برای رفتار و کردار برخی امروزیان اسیر هوای نفس، زیاده خواه و خود محور صادر کنیم، ببندیشیم که اگر نسل گذشته در شرایطی چون امروز به سر می برد آیا باز هم همان صفات گذشته ی خود را حفظ می کرد؟ مگر نسل کنونی از کجا آمده؟ اینان فرزندان همان نسل گذشته اند، منتها در شرایط و مناسباتی دیگر و برخاسته از همان تربیت و فرهنگ نسل گذشته.

نسل امروز در حال گذار است. گذار از پیچ و گردنه ای سخت و تاریخی، در حال عبور از آن برای دست یافتن به فرهنگی جدید. نباید گفت که گذشته ها همه سرشار از پاکی و صفا و صداقت بوده و امروزه چنین نیست، نه! در گذشته هم بهره کشی، خودخواهی، خودبینی و ناپاکی بوده و شاید بتوان گفت که به فراگیری امروز نبوده که آن هم بیان شد تابع شرایط خاص زمان و مکان است و باز نباید چنین اندیشید که نسل کنونی سراپا غرق در فساد و تباهی است و از صداقت و انسانیت خبری نیست. نه! هرگز چنین نیست، امروز هم بسیاری از مردم شریف، فرهیخته و با فرهنگ والای انسانی هستند که با تمام مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می کنند و با وجود داشتن همه ی امکانات سوء استفاده، دست از پا خطا نمی کنند و شرافت و فضایل اخلاقی و انسانی را در برابر خواست های هوا و هوس قربانی نمی کنند و فضیلت انسانی و شرافت شان همانند گریه های شرافتمند در کنار گوشت آویخته از سقف نیست(۱) و اما آیندگان در باره نسل امروز چگونه داوری خواهند کرد...

* فرهنگی بازنشته

(۱) ضرب المثلی می گوید: وقتی گوشت از سقف آویزان است، گربه حیوان شرافتمندی است.

میرزا کوچک خان، محبوب همگان



دکتر محمد حسن اصغر نیا

آدم ها چهار جورند. بعضی ها جاذبه دارند و برخی ها فقط دافعه و گروهی نه جاذبه و نه دافعه و انسان هایی هم هستند که هم دافعه دارند و هم جاذبه.

اولی ها فقط در فکر جذب هستند گویا عادت کرده و می خواهند همه را از خود راضی نگهدارند. دومی ها تخصصشان در راندن است و نق زدن و گویا عضو فعال حزب نق تقسیم هستند. سومی ها مانند خواص بی خاصیتند و سنگی هستند که به درد جرز دیواری نمی خورند و کلاغی هم رغبت نمی کند پنبیری را که با چه زحمتی ریخته و با مقدارش حمل کرده بر روی این سنگ بدقواره بنشیند و بخورد! و اما گروه چهارم دارای فکر و فهم و فرهنگند، مقصد و مقصودی را دنبال می کنند، جذابتشان حساب دارد و دافع شان هم حد و اندازه ای و هر روز خود را در حال شدن می دانند.

معمولا پس از دوران زندگانی هر چهار نوع آدمیان، برخورد مردم با آن ها هم ملاک و معیار است. گروه اول را فرصت طلب و چاپلوس، گروه دوم را کسانی می شناختند که هر روز نهال یاس و ناامیدی می کاشتند و گروه سوم بی بخار و بی برنامه در طول زندگی و گروه چهارم انسان های آگاهی که اراده و اختیار دارند که در مسیر حق و یا باطل حرکت کنند و در زمان حیات نمونه و الگو و پس از ممات درس و سرمشق دیگرانند و محبوب دل ها و یادگار ماندگار دوران ها و مفاخر محله و منطقه و ملت و دنیای آزادگان.

انسان مورد نظر ما شخصی است زمینی که یک صد و چند سال پیش به سال ۱۲۵۷ در محله استادسرای رشت به دنیا آمد و نامش یونس معروف به میرزا کوچک خان فرزند میرزا بزرگ خان بود و در مدرسه صالح آباد که حوزه علمیه ای در فاصله سبزه میدان تا آفرا قرار داشت درس خواند و در حوادث و وقایع آن روز پرورده و ساخته شد و نسیم مشروطه خواهی را استشمام کرد و با بزرگان آن روز آشنا شد و فضای باز سیاسی مجلس شورای ملی را لمس و با شیخ محمد خیابانی که نماینده تبریز در مجلس بود و همچنین سید حسن مدرس ارتباط برقرار کرد. و اولین طلبه انقلابی و روشنفکر مذهبی بود که اولین تشکیلات و انجمن روحانیان گیلان را تشکیل داد. آدم های بزرگ را مردم فراموش نمی کنند. نلسون ماندلا در آفریقا، مهاتما گاندی در آسیا، آبراهام لینکلن در آمریکا، آلبرت اینشتین در اروپا و ابوعلی سینا و مولانا و سعدی و حافظ و فردوسی و... اینگونه عطیه های الهی حد و مرز زمینی ندارند.

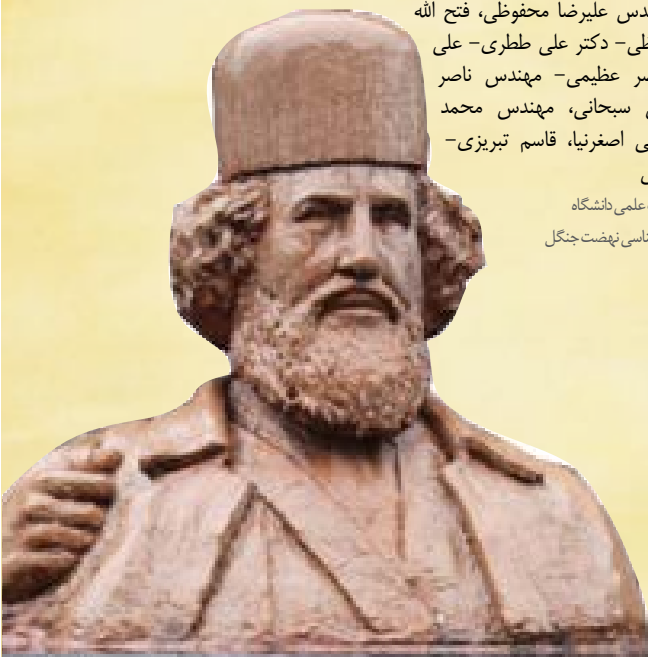
در باره یونس انقلاب های صد ساله اخیر «میرزا کوچک خان جنگلی» همه می گویند از ماست و با ماست. و متاسفانه از آغاز

شکل گیری نهضت جنگل تا به امروز در باره رهبر این نهضت و یاورانش در گفتار و نوشتار و اظهار نظرهاشان هر کس به گونه ای به قضاوت نشسته است و غالباً یک سویه و گاه متضاد و یک جانبه به محکمه قضا رفته اند! مخالفان نهضت جنگل عموماً او را تجزیه طلب، کمونیست، زودباور و مذهبی قشری معرفی می کنند. و برخی او را روشنفکر دینی و طلبه ای آزادی خواه و برخی او را دین ستیز و بعضی او را طلبه ای متعصب می شناسند. علی رغم نقطه نظرهای موافقین و مخالفین، مرکز بازشناسی نهضت جنگل که از سال ۱۳۶۸ فعالیت خود را شروع کرده، نه خوش بینانه و نه بدبینانه، بلکه با بررسی اسناد و مدارک و مکتوبات واقع بینانه همگان را به قضاوت نشانداده است. و خاطراتی که تا کنون از شاهدان عینی زنده به عنوان تاریخ شفاهی بهره گرفته و از نویسندگان خارج و داخل به صورت فرهنگ مکتوب به چاپ رسانده است و در آغاز بیست و هفتمین سال فعالیت مرکز مفتح است که هر ساله مستند، مستدل و مستمر تاریخ معاصر به ویژه نهضت جنگل را مورد نقد و بررسی قرار می دهد. و نقطه نظرایش را در مراکز علمی و دانشگاهی عرضه می کند و میرزا کوچک خان را به عنوان یک ایرانی مسلمان انقلابی و روشنفکر دینی و انسانی صالح و صادق و شهیدی شاهد و سرداری بی سر برای وطن و اسلام پرست از گیلان زمین سینه سرخان و دریادلان و امیر قبیله شقایق معرفی می کند.

به رسم ادب یاد استادانی که تا دیروز یار ما در شورای عالی مرکز بازشناسی نهضت جنگل بودند گرامی می داریم و اسامی همدلان و همراهان را مرور کرده و از پژوهشگران و محققان و استادان دانشگاه ها و حوزه ها و طلاب و دانشجویان، هدایت و حمایت علمی و از رسانه ها و مطبوعات روشنگری نسل جدید را با آشنا تر کردن جامعه با تاریخ ملت ها، به ویژه ایران پر افتخار خواستاریم. یاد استادان عزیز گرامی باد. استاد خمای زاده - دکتر عنایت الله رضا - سید محمد تقی میرابوالقاسمی - سید جعفر مهرداد - و دیگر همکاران دکتر مهدی محقق - غلامحسین امیرخانی - دکتر سید جعفر لوازانی، فریدون نوزاد، دکتر کیانوش کیانی، مهندس روبرت واهانیان، محمد جعفری گیلانی، مهندس علیرضا محفوظی، فتح الله کشاورز - رضا محفوظی - دکتر علی ططری - علی کریمیان - دکتر ناصر عظیمی - مهندس ناصر نوائی - دکتر توفیق سبحانی، مهندس محمد صالحی، دکتر مجتبی اصغر نیا، قاسم تبریزی - دکتر هومن یوسفدهی

* عضو هیات علمی دانشگاه

و مسئول مرکز بازشناسی نهضت جنگل



آثار منتشر شده مرکز بازشناسی نهضت جنگل:

- مدخلی بر بازشناسی نهضت جنگل
- مداخلات شوروی در جریان نهضت جنگل
- سردار قبیله شقایق
- بلشویک ها در گیلان
- درآمدی بر شخصیت و آرای سردار جنگل
- مکاتبات و نامه های رهبر نهضت جنگل
- جنبش جنگل و میرزا کوچک خان
- خاطرات احمد مدنی، عضو شورای اتحاد اسلام
- روزنامه جنگل
- میرزا کوچک خان، امیر قبیله عشق
- ویژه نامه نهضت جنگل در شماره ۴۳ گنجینه اسناد (پاییز ۱۳۸۰)
- ویژه نامه میرزا، ماهنامه فرهنگی تاریخی یاران (آذر ۱۳۸۵)
- ویژه نامه سردار بی سر ماهنامه نسیم بیداری (۱۳۹۲)
- احکام یادبود دکتر حشمت جنگلی با خط استاد امیر خانی (۱۳۸۵)
- نهضت جنگل به روایت تصویر

اهدائی
خانواده عشرت حسین فرزند
برخان میرزا کوچک جنگلی

تحریفات در واقعه تاریخی کربلا

(برگرفته از کتاب «حماسه حسینی» استاد شهید مرتضی مطهری)

و حس اسطوره سازی و افسانه سازی بشر در تمام تواریخ دنیا و برخی عوامل خصوصی اشاره کرد. عزاداری حسین بن علی «ع» واقعا فلسفه ی بسیار عالی هم دارد. هر چه ما در این راه کوشش کنیم، به شرط اینکه هدف این کار را تشخیص دهیم، به جاست. اما متأسفانه عده ای این را نشناختند، خیال کردند بدون اینکه مردم را با مکتب حسین آشنا کنند، با فلسفه ی قیام و مقامات حسینی آشنا کنند، همین قدر که آمدند و نشستند و نفهمیده و ندانسته گریه ای کردند، کفاره ی گناهان است. امروز اگر کسی بخواهد بر امام حسین بگریزد، بر این تحریف ها و دروغ ها و مسخ ها باید بگریزد.

نظیر آنچه که در حسین بن علی در حادثه ی عاشورا، در آن ابتلا و مصیبت پیدا شد، از توحید، از جلوه ایمان، از جلوه خدانشناسی، از ایمان کامل به جهان دیگر، از رضا و تسلیم، از صبر، از مردانگی، از طمانینه نفس، از ثبات و استقامت، از عزت و کرامت نفس، از آزادیخواهی و آزادی طلبی، از اینکه در فکر انسان ها و در خدمت آنان باشد، اگر در دنیا

نمونه ای پیدا کردید، آن وقت بگویید چرا ما نام حسین بن علی «ع» را زنده می کنیم. زنده کردن نام و نهضت او برای این است که پرتوی از روح حسین بن علی بر روح ما و شما بتابد. ذره ای از ذره او، غیرت او، حریت و ایمان او. ذره ای از تقوا و توحید او بر ما بتابد. شما یک چنین صحنه ی نمایشی از فضائل انسانیت در غیر حادثه ی کربلا نشان دهید تا به جای کربلا از آن حادثه یاد کنیم. پس چنین حادثه ای را باید زنده نگه داریم. وظیفه ی علماست که در این موارد حقایق را بدون پرده به مردم بگوید ولو مردم خوششان نیاید. وظیفه ی علماست که با اکاذیب مبارزه کنند، وظیفه ی علماست که مشت دروغ گویان را باز کنند. اگر شهادت حسین بن علی صرفا یک جریان حزن آور می بود، اگر صرفا یک مصیبت می بود، اگر صرفا این می بود که خونی به ناحق ریخته شده است، هرگز چنین آثاری را به دنبال خود نمی آورد چه بسیار خون ها در محیط هایی ریخته می شود که چون فقط جنبه ی خونریزی دارد، اثرش مرغوبیت مردم است و نفس ها بیشتر در سینه ها حبس می شود. اما شهادت حسین بن علی «ع» حیات تازه ای در عالم اسلام دمید. حمیت و غیرت به وجود آورد. شجاعت و صلابت به وجود آورد. به عبارت دیگر به اجتماع اسلامی شخصیت بخشید. از این بالاتر شب عاشورا است که اصحاب و اهل بیتش را جمع می کند و از آنها تمجید و تشکر می کند بعد به آنها می گوید: «از همه ی شما متشکر و ممنونم، ولی بدانید که دشمنان با شما کاری ندارند و اگر بخواهید بروید مانع شما نمی شوند، من هم از نظر شخص خودم که با من بیعت کرده اید بیعت خودم را از دوش شما برداشتم. هر کس که می خواهد برود آزاد است». اینکه من تاکید می کنم که حماسه حسینی و حادثه کربلا و عاشورا باید بیشتر از این جنبه مورد استناد ما قرار بگیرد، به خاطر همین درس های بزرگی است که این قیام به ما می آموزد. درس صبر و تحمل و بردباری، درس مقاومت و ایستادگی در مقابل شدائد، ترس را ریخت، عشق و ایده آل و شخصیت به مردم و جامعه ی اسلامی هدیه بخشید. حس استغناء در مردم به وجود آورد. خون ها را به جوش آورد و غیرت ها را تحریک کرد. من مخالف رثاء و مرثیه نیستم، ولی می گویم این رثاء و مرثیه باید به شکلی باشد که در عین حال آن حس قهرمانی حسینی را در وجود ما تحریک و احیاء کند.

یک مطلب را لازم است قیلا بگویم که در همه ی اینها مردم مسئولند. یعنی مردمی که در روضه خوانی ها شرکت می کنید، هیچ خیال نمی کنید که در این قضیه مسئول هستید، بلکه فکر می کنید که مسئول فقط گویندگان هستند؟ دو مسئولیت بزرگ مردم دارند. یکی اینکه نهی از منکر بر همه واجب است. وقتی می فهمند و می دانند که اغلب هم می دانند که دروغ است، نباید در آن مجلس بنشینند که حرام است و باید مبارزه کنند. و دیگر از بین بردن تمایلی است که صاحب مجلس ها و مستمعین به گرم بودن مجلس دارند و به اصطلاح مجلس باید بگیرد، باید کربلا شود. سخنران می



ببند که اگر هر چه می گوید راست و درست باشد آن طور که باید و شاید مجلس نمی گیرد و همین مردم هم دعوتش نمی کنند، ناچار یک چیزی اضافه می کند. مردم باید این انتظار را از سر خودشان بیرون کنند و با رفتارشان آن سخنرانی را که می میراند و مجلس را کربلا می کند تشویق نکنند. کربلا می کند یعنی چه! مردم باید روضه ی راست بشنوند تا معارفشان، سطح فکشان بالا بیاید و بدانند که اگر روحشان در یک کلمه اهتزاز پیدا کرد، یعنی با روح حسین بن علی «ع» هماهنگ شد و در نتیجه اشکی، ولو ذره ای از چشمشان بیرون آمد واقعا مقام بزرگی است. اما اشکی که از راه قضایی کردن از چشم بیرون بیاید اگر یک دریا هم باشد ارزش ندارد.

اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند می بیند از زنده ترین و مستندترین و از پر منبع ترین تاریخ هاست. مرحوم آخوند خراسانی فرموده بود آنها که به دنبال روضه ی نشنیده می روند، بروند روضه های راست را پیدا کنند که احدی آنها را نشنیده است. خطبه هایی که امام حسین «ع» در مکه و به طور کلی در حجاز، در کربلا، در بین راه خوانده، خطبه هایی که اصحابش خوانده اند، سوال و جواب هایی که با حضرت شده، نامه هایی که میان ایشان و دیگران مبادله شده، نامه هایی که میان خود دشمنان مبادله شده است، به علاوه ی اظهارات کسانی که حاضر در واقعه ی عاشورا بوده اند (چه از دوستان و چه از دشمنان) و این حادثه را نقل کرده اند، آنها را مطالعه کنند. سه چهار نفر از دوستان امام حسین بودند که جان به سلامت بردند. یکی از حاضرترین اشخاص، شخص امام زین العابدین «ع» است که همه ی قضایا را نقل کرده اند. نقطه ی ابهامی در تاریخ قیام امام حسین «ع» وجود ندارد. بعضی از این تحریف ها مربوط به وقایع قبل از عاشورا، بعضی مربوط به وقایع بین راه، بعضی مربوط به ایام اقامت در ماه محرم، بعضی مربوط به ایام اسارت و بعضی هم مربوط به ائمه بعد از قضایای کربلا و اغلب مربوط به روز عاشورا است. آن چیزی که بیشتر دل انسان را به درد می آورد این است که اتفاقا در میان وقایع تاریخی، کمتر واقعه ای است که از نظر نقل های معتبر به اندازه حادثه کربلا غنی باشد. اگر امام حسین (ع) در عالم ظاهر بیاید و ببیند، خواهد گفت که شما به کلی قیافه ی حادثه را تغییر داده اید. از عوامل تحریف می توان به غرض ها و عداوت های دشمنان

یک وقت هست که تحریف در یک سخن عادی است. مثل اینکه دو نفر در نقل قول و گفتار یکدیگر تحریف کنند. یک وقت هم هست که تحریف در یک موضوع بزرگ اجتماعی است، مثل تحریف در شخصیت ها، شخصیت هایی که قول و عملشان برای مردم حجت است. مثلا کسی سخنی را به حضرت علی «ع» نسبت می دهد که نگفته است، یا مقصودش چیز دیگری بوده، این خیلی خطرناک است. خلق و خوبی را به پیغمبر، به امام نسبت می دهند، در صورتی که خلق او طور دیگری بوده است. یا در یک حادثه ی بزرگ تاریخی که از نظر اجتماع، یک سند اجتماعی و یک پشتوانه ی اخلاقی و تربیتی است، تحریف به وجود آورده اند. حادثه ی کربلا برای ما مردم، خواهی نخواهی یک حادثه ی بزرگ اجتماعی است. یعنی در تربیت ما، در خلق و خوی ما این حادثه اثر دارد. این قضیه باید همان طوری که بوده است بدون کم و یا زیاد بیان شود و اگر کوچکترین دخل و تصرفی از طرف ما در این حادثه صورت بگیرد، حادثه را منحرف می کند و به جای اینکه ما از این حادثه استفاده بکنیم قطعاً ضرر خواهیم کرد.

با کمال تأسف این حادثه هم دچار تحریف های لفظی شده و هم دچار تحریف های معنوی، که گاهی وقت ها کوچکترین هماهنگی که با اصل مطلب ندارد هیچ، قضیه را هم مسخ و واژگون می کند که به صورت ضد خودش در می آید. باز هم با کمال تأسف باید بگویم این تحریف ها به دست خود ما مردم، گویندگان و برخی از علمای امت صورت گرفته که همه در جهت پایین آوردن و مسخ کردن قضیه بوده است. من نمونه هایی از بعضی تحریف هایی که در لفظ ظاهر، یعنی در شکل قضیه به وجود آورده اند و چیز هایی که نسبت داده اند را ذکر می کنم. مطلب آنقدر زیاد هست که قابل بیان کردن نیست، آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای بشود.



کاهش فشار روحی با افزایش سرمایه های اجتماعی

عکس و سرمایه اجتماعی



سبک زندگی و امور فرهنگی مرکز اجتماعی وزارت کشور نیز به عنوان میزبان این نشست در خصوص اهمیت سرمایه اجتماعی از نگاه وزارت کشور و نیاز جامعه به مطالبی اشاره کرد و گفت: وزارت کشور برای ورود و حمایت از طرح ها و برنامه های محلی در راستای تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد نشاط در کشور آماده است.

شایان ذکر است این نشست میهمانان ویژه ای هم از شهر رشت داشت و آقایان دکتر رنجکش مدیرکل امور اجتماعی استانداری گیلان و حسن پور رییس اداره ارشاد اسلامی شهرستان رشت در بخش تحلیلی عکس ها به جلسه ملحق شدند.

«گزارش: افشین میرزایی»

که ما می سازیم، پس هر قدم و خستی که به این راه می افزاییم اهمیت دارد. اگر بخواهیم در مسیر پایداری توسعه گام برداریم لاجرم می بایست به محورهای آن یعنی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، محیط زیستی و اقتصادی توجه کنیم و رشد متوازی از هر یک از این محورها داشته باشیم و اگر این محورها را به مانند چرخ دنده ای در نظر بگیریم، سرمایه اجتماعی مثل تسهیل کننده ای جهت حرکت عمل می کند و از این رو اهمیت فراوان دارد. و ما امیدواریم که با گسترش مفهوم سرمایه اجتماعی، دست ها برای داوطلبی و کمک به محیط زیست افزایش یابد.

دکتر حسین کوچکیان فر رئیس اداره سرمایه اجتماعی،

دومین نشست عکس و سرمایه اجتماعی اواخر آبان ماه در محل وزارت کشور با موضوع آشنایی با مفهوم سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با عکس و گنجانیدن مفهوم آن در قلب تصویر برگزار شد.

به گزارش پایگاه عکس چیلک همزمان با روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه پایدار و با حضور جمعی از اساتید، عکاسان و علاقه مندان به موضوعات تحقیقی و پژوهشی دومین نشست عکس و سرمایه اجتماعی در سالن اجتماعات شهید رجایی وزارت کشور، برگزار شد.

در این نشست دکتر سلیمان پاک سرشت جامعه شناس و استاد دانشگاه و نویسنده کتاب «سرمایه اجتماعی در ایران» با تشریح مفهوم سرمایه اجتماعی و ضرورت پرداختن به هزینه های اقتصادی و مهم تر از آن فشار روحی و استرس کاهش پیدا می کند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به مقایسه مفهوم سرمایه انسانی و اقتصادی با سرمایه اجتماعی پرداخت و در ادامه اعلام کرد: تنها ۱۰٪ مردم ایران معتقدند که هم وطنانشان قابل اعتمادند. وی میزان زیادی از این عدم اعتماد را ذهنی و زاینده بخشی از تفکرات دانست.

گفتنی است نسیم طواف زاده، مدیرعامل موسسه محیط زیستی سبزکاران بالان که بانی این نشست و برگزار کننده دومین جشنواره ملی «عکس سرمایه اجتماعی» بود نیز در این نشست گفت: اگر بپذیریم آینده جایی است

رونمایی از کتاب بسته بندی چای ایران

ضرورت تحول در بسته بندی چای ایرانی

و بازاریابی به وضعیت بازار چای ایران در جهان، بحران های موجود و راهکارهای آن پرداخته است.

گفتنی است در این مراسم آقایان سید محسن سنجرى، رئیس اداره ترویج و جلب مشارکت ها در سازمان چای کشور و صفا بخش استاد گرافیک دانشگاه گیلان در خصوص ضرورت تحول در چگونگی ارائه چای ایرانی و نقش بسته بندی به جهت تاثیر گذاری بر خریدار و همچنین در صادرات مطالبی ارائه کردند.

گفتنی است صفاری، کارشناس ارشد ارتباط تصویری و عضو رسمی انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، دارای سابقه بیش از یک دهه فعالیت در حوزه طراحی گرافیک، تدریس و تحقیق بوده و تا پیش از این علاوه بر چاپ مقالات مختلف، در چندین نمایشگاه انفرادی و گروهی عکس، گرافیک، تصویرگری در تهران، تبریز، یزد، اصفهان و گیلان شرکت کرده است.

آیین رونمایی از کتاب «بسته بندی چای ایران» به تألیف سمیرا صفاری پژوهشگر گیلانی، به مناسبت روز ملی صادرات در رشت برگزار شد.

مسوول روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان در این مورد گفت: این کتاب شامل مجموعه وسیعی ای از تصاویر، آرم، بسته بندی، نحوه ارائه و گرافیک محیطی مربوط به چای در داخل و خارج از ایران است.

قاسم مصفا با بیان اینکه مراسم رونمایی کتاب با حضور جمعی از مسئولین، اساتید هنر، متخصصین صنعت چای و دانشجویان استان در مجتمع خاتم الانبیا برگزار شد افزود: عضو انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران در کتاب حاضر علاوه بر معرفی خواص، انواع، تاریخچه و مراحل تولید چای، محتوا، کیفیت و ویژگی های بسته بندی مناسب آن را بیان کرده است و در فصل مصرف کننده



کلوچه سنتی فومن خوشمزه و خاطره انگیز

کوروش مهبیار



شاید محدودیت مطبوعات این اجازه را ندهد تا بتوان مفصل و آکادمیک به مسائل فلکلوریک و بومی ولایت خودمان که بیه پس (فیامین) یا فومن با همه جمهور سر سبز شفت

و کوهپایه های ماسوله و بلندی های باد گیر اسحاق و گسگرات و قلعه رودخان و سیصد و سه روستای آن را در برمی گیرد. اما می توان به یاری همه روشنفکران و علاقه مندان، «فومن شناسی» را با همه اصالت ها و تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب آن پایه ریزی کرد. این کار نتایج خواهد داشت که بر همگان بی اثر نخواهد بود. واگویی خاطرات افراد قدیمی و یادآوری تجارب زندگی همه کسانی که از قطار سرنوشت در این شهر

پایه شدند اما آثارشان همراه نسل های بعدی خویش در ضربان قلب های فروزان پا برجاست، می تواند منبع غنی برای جوانان پژوهشگر و دانشجویان علاقمند باشد تا شهر و روستای خود را بهتر بشناسند.

فومن را از جهت تاریخ، بوم شناسی، آداب و رسوم، روابط دیروز و امروز، گویش و اخلاق و ایستائی و بن بستى دیرینه سال و راه های توسعه آینده اش می توان بار دیگر مرور کرد. و ظرفیت های کشاورزی، گردشگری، فرهنگی و ... این شهر را بیش از حرف و شعار مرسوم مد نظر قرار داد و به بهترین شکل از این ظرفیت ها بهره مند شد.

بنابراین از ساده ترینش شروع می کنیم

و امید که علاقه مندان و ره پویان دامنه آن را گسترده تر کنند. پس ای خواننده عزیز بدان و آگاه باش که در هر گذر و خیابانی در اغلب شهرهای گیلان نه بلکه در سراسر ایران از تهران گرفته تا بندرعباس پرده هائی آویخته شده با این مضمون « کلوچه سنتی و خوشمزه فومن موجود است». چند نفری در مغازه های رنگارنگ و پر نور در حال گوده کردن (گلوله کردن) "دله" و چنگ زنی و مارک کوبی کلوچه ها هستند و اعتقاد هم دارند که اصل ذات فومن است. شما ای خواننده محترم شاید که بارها نوعی از آن را تناول کرده باشی. پس بدان در سال های بسیار دور که به اوایل سده ی اخیر یعنی حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی می رسد در شهر سرسبز و پر آب زلال فومن که به سه راسته دکان های سفالین بر سنگفرش خاک آلود و جوی های پر ماهی همیشه روان و محصور در دو قسمت بالامحله و پایین محله محدود بود، صنعت و هنر کلوچه پزی

شروع شد. در این شهر کوچک که مرکزیتی برای بیش از سیصد روستا تلقی می شد به لحاظ فراوانی برنج معطر هیچ گونه توجهی به نان و نانوائی نمی شد و اساسا خیلی ها نان را مخفیانه و لای دستمال به خانه برده و از این نعمت خدادادی استفاده می کردند. بنابر این طبیعی بود که به فکر نانوائی جوانی، بهجت نام، بطور کند که با ابتکاری مخصوص شاید بتواند پای مردم را به مغازه های نانوائی این شهر باز کند. بر اساس روایت، ایشان شیرینی گرد ابتکار رنگی راه نام (قند کلوچه) که شامل آرد و کله قند روسی پودر شده، مغزگرو، کره یا روغن کرمانشاهی، هل، تخم مرغ محلی و آب بوده ابداع کرد و البته این ابتکار سریعا الگو قرار گرفته و توسط همکاران پخته شد و تا امروز هم پخته می شود. از قضای روزگار و از وفای کردگار و در نبود بیسکویت، پفک، چیپس و ... در آن زمان این خوراکی خوشمزه، ارزان و مغذی به دل کودکان، جوانان و کهنسالان همولایتی ما خوش می

نشیند. نانوائی جوان ما بهجت، که پدر یکی از نوابغ فلسفه و دین و از بزرگان اسلامی دنیا بودند همراه دیگر همکاران خویش موفق شدند در آن دوران پای مردم را بیشتر به نانوائی ها باز کنند. البته در کنار این قند کلوچه انواع دیگر با قیمت کمتر به نام پفک، کلوچه و همچنین نان روغنی، نان خشک، نان تاخ و نان خشخاشی هم ابداع شد که خیلی از قدیمی ها شاید یادشان باشد. هرچند با آمدن هله وهوله های بی خاصیت و بی مزه در بسته بندی های پر زرق و برق برای مدتی این کلوچه سنتی تا حدی به بوته فراموشی سپرده شد اما دوباره به اوج خود رسیده تا بدانجا که امروز کمتر کسی از هموطنان است که طعم و مزه آن را نچشیده باشد.



تازگی ها دیده می شود رندان عالم، کم و بیش برای یادگیری پخت و پز زولبیا و بامیای خاص فومن که اساسا چه از لحاظ ظاهر و چه باطن طعم و مزه آن با همه جا فرق دارد به این شهر آمده و یا اوستاهای قدیمی و جوینده کار را به شهرهای خود می کشانند و احتمالا پس از یادگیری فرمول پخت، آنها را دی پورت می کنند. پس ای خواننده گرامی هم وند، بدان که دور نیست تا در ماه مبارک رمضان و یا ماه های دیگر در اغلب شهرهای ایران در کنار پرده های آویزان مغازه های "کلوچه سنتی فومن" مغازه هایی را ببینید با پرده های زولبیا و بامیای سنتی فومن، رشته خوشکار سنتی فومن، اربع دوشاب سنتی فومن، دست رشته سنتی فومن، کا کا دریچ سنتی فومن، بیج دوشاب سنتی فومن، خارکاره بیج سنتی فومن، اگر دک فومن، فیرینی و آلوچه فشکل سنتی فومن و... چنین باد.

سنت کلوچه پزی توسط خانواده های بهجت، نانواباشی، پورعلی، علیزاده، تقضلی، اخوان و اکنون توسط خیلی از جمعیت جوان دیگر در فومن و دیگر شهرها ادامه داشته و مشتریان زیادی هم دارد.



چطور است که خوراکی های سنتی شهرهای دیگر مانند گز اصفهان، سوهان قم، باسلوق بم، باقلوای یزد، کاک کرمان، نان برنجی کرمانشاه، ون تق سندانج، رنگینک شیراز، قره قوروت مشهد، بستنی اکبرمشتی تهران، پادرازی کاشان، حاجی بادام قزوین، پشمک قوچان، لواشک ساوه و... با آن همه سابقه تاریخی خود نتوانسته اند اینگونه سریع در سراسر کشور همه گیر شوند و فقط مختص نواحی تولیدی خودشان و در واقع سوغات شهر خودشان هستند. اما این کلوچه ی خوشمزه ی سوغات خالص فومن در اغلب شهرهای کشور عرضه می شود، هرچند کلوچه پخته شده در خود شهر فومن چیز دیگری است.

به قول رندی نمی دانیم در این وضعیت از نامدار شدن فومن خوشحال شویم یا از تنها برگ برنده این شهر خالی از اقتصاد مغموم!

ملودی دلنواز در شهر باران های نقره ای

می کنند.»

می گویم فکر می کنید چند درصد از رهگذرانی که از کنار تان عبور می کنند و یا از شما حمایت می کنند هنر تان را می شناسند؟ پاسخ می دهد: «خب می دانم که خیلی از رهگذران که با من همراهی می کنند ممکن است اطلاعات تخصصی از این هنر و این ساز نداشته باشند ولی یا از روی دلسوزی و یا از اینکه لحظاتی آهنگ زیبایی تقدیم شان می کنم از من حمایت می کنند. و من واقعا از محبت آنها ممنون هستم. اما دو گروه دیگر هم هستند. که یک گروه انرژی مثبت می دهند و یک گروه انرژی منفی. چون تعدادی خودشان هنرمند هستند و قدر هنر و ارزش کار را می دانند و حمایت می کنند که برایم بسیار ارزش است. ولی متاسفانه تعدادی از جوان های هم سن و سال وقتی از کنار آدم رد می شوند با متلک و حرف های بیهوده آدم را ناراحت می کنند. برادرم بخاطر حرف های همین آدم ها دیگر در خیابان ساز نمی زند. قبلا او هم مثل من برای مردم ساز می زد ولی الان دیگر انگیزه ای ندارد.»

حرف به اینجا که می رسد می پرسم آیا خودتان هم از هنرمندان دیگر حمایت می کنید؟ بلا درنگ می گوید: «بله، مثلا من هیچوقت سالن سینما را خالی نمی گذارم و به اندازه خودم حمایت می کنم. هر چند که بعضی فیلم ها چندین روز و طولانی مدت بر پرده سینما می ماند ولی بعضی فیلم ها را سریع بر می دارند، یعنی سلیقه ای عمل می کنند.»

پیشنهاد می کنم برای کارش مجوز بگیرد. می گوید: «قصدم مجوز بگیرم، ولی متاسفانه گاهی برخوردها طوری است که جوانان را سرخورده و بی انگیزه می کنند.»

ادامه می دهد: «چند سال مرخص شدم ولی خوشبختانه هفت ماه است که خوبم. خب اگر شما سال ها فقط توی خانه برای در و دیوار ساز بزنید مرخص نمی شوید؟ بالاخره هر کس یک استعداد و هنر و ظرفیتی دارد. اگر قرار باشد افرادی مثل من هیچ حمایتی نشوند و حتی وقتی که در سرما و گرما و در خیابان برای عموم مردم ساز می زند باز هم برخورد نامناسبی با آنها بشود قبول کنید که سرخوردگی بیشتر می شود. در حالی که همه جای دنیا هنرمندانی در خیابان برای عموم مردم ساز می زنند و خیلی هم استقبال می شود. همانطور که تئاتر خیابانی داریم می توان از این هنر هم استفاده کرد.»

با اینکه میدانم نصیحت در هر زمان و مکان اثر بخش نیست و اصولا بزرگترها باید از نصیحت های کلیشه ای و تکراری دست بردارند اما ناخودآگاه احساس مادرانه و خواهانه ام گل می کند و می گویم بهرحال شما باید خیلی تلاش کنید، چرا همراه با کار

هنری به درستان ادامه نمی دهید. الان شرایط تحصیل در بعضی از دانشگاه ها کمی راحت تر است. می گوید: «یعنی اینکه من الان با دیپلم ساز بزنم یا با فوق لیسانس فرقی دارد؟»

می گویم بله، اگر هم هنر و هم درس را دنبال کنید بهتر است، چون هر قدر هم اگر سطح دانشگاهی پایین باشد باز به شما دیدگاه می دهد و می توانید حرف های بیشتری برای گفتن داشته باشید. و البته از شما چه پنهان به او سفارش می کنم که از هر نظر مراقب خودش باشد و اگر می خواهد در کارش به موفقیت برسد باید مردم دار باشد. ساعت نزدیک چهار می شود و کم کم آفتاب بی رمق عصر پاییزی نسیم ملایمی را به همراه می آورد. برای این جوان شهروند هنرمند آرزوی سلامتی و موفقیت می کنم و یک بار دیگر به او می گویم که صدای زیبای نواختن ویلونش با آن اندازه ملایم و مطبوع بسیار لذت بخش و دلنشین است.

گیلان فردا- هر از گاه صدای زیبای نواختن آرشه ویلون در همههمه و شلوغی خیابان علم الهدی میدان شهرداری توجه ام را جلب می کرد. و احساس می کردم این ملودی های زیبا هر چند لحظاتی کوتاه، خستگی را از روح و روان رهگذران می گیرد. از آنجا که کمتر شاهد چنین اتفاقی در سطح شهر هستیم (البته گاهی افراد آکاردئون نواز که معمولا حرفه ای هم نمی نوازند در سطح شهر تردد می کنند و صدای سازشان شنیده می شود که در جای خود این موضوع هم قابل تامل است) کار این نوازنده جوان برایم همراه با خلاقیت بوده است. بهرحال باید قبول کنیم که علی رغم نواختن ساز در اماکن عمومی در بسیاری از کشورها و شهرها از جمله در تهران اما هنوز شهرهای کوچکتر از این موهبت برخوردار نیستند. بنابر این وقتی در چنین فضایی جوانی کمر همت می بندد و هنرش را تقدیم مردم کوچه و خیابان می کند باید قدرش را دانست و حمایتش کرد. ولی به راستی در واقعیت وضع چطور است؟

وقتی روزی از همین روزهای پاییزی در حال نواختن ویلون بود به سراغش رفتم. و دعوتش کردم تا برای گپ و گفتی دوستانه روی نیمکت تعبیه شده پیاده راه شهرداری بنشینیم. شاید چیزی که بیش از هر نکته در صحبت با این جوان نظرم را جلب کرد صداقت در گفتارش بود. هر چند که من به سبب تفاوت سن در بعضی از حوزه ها دیدگاه دیگری نسبت به او داشتم اما حرف دلش را می فهمیدم. و آن اینکه او هم مثل هر هنرمند دیگری نیاز به حمایت داشت و دارد. حمایتی که گاه دانسته یا ندانسته و یا بنا به مصلحت فراموش می کنیم ولی شعارش را می دهیم!

اشکان ارزبگی متولد ۱۳۶۵ است. می گوید نزدیک ۱۳ سال است که ساز می زند.

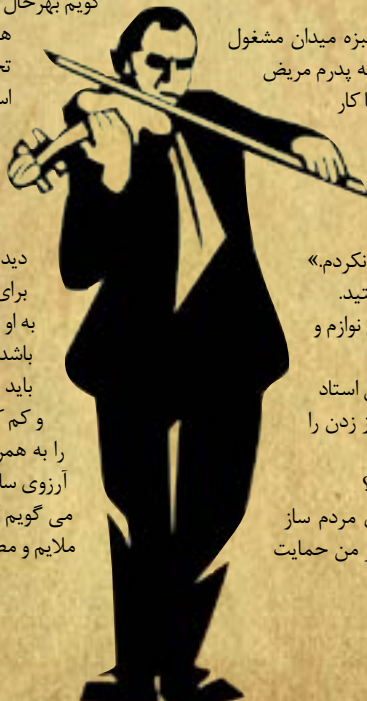
وقتی از تحصیلاتش می پرسم می گوید: «در رشته عمران دانشگاه صومعه سرا دانشجو بودم ولی دو ترم مشروط شدم.علاقه ای به درس ندارم. البته دیپلم عمران دارم و در دوران دانش آموزی همیشه نمره ریاضی ام ۱۹ و نمره شیمی و فیزیکم هم ۲۰ بود. ولی زیاد به درس علاقه نداشتم. پدرم همیشه می گفت (برو مهندس شو تا پول در بیاری، بعد منو دعا می کنی) ولی الان می بینیم که چقدر مهندس و کارشناس ارشد بیکار تو جامعه داریم.»

می پرسم نظر خانواده نسبت به کاری که می کنید چیست؟ پاسخ می دهد: «متاسفانه پدرم هیچوقت موافق ساز زدنم نبود. بارها برای این هنر تحقیر شدم. چون پدرم می گفت «از این کار پول در نمی آید.»

از اشکان می پرسم چرا همزمان با کار هنری شغلی برای خودش پیدا نکرده؟

می گوید: «پدرم سال ها در همین گذر سبزه میدان مشغول به کار بوده است. ما کبابی داشتیم و الان که پدرم مرخص است عمومیم آنجا را می چرخاند. من هم آنجا کار می کردم. ولی قبول کنید روزی ۱۲ ساعت کار کردن با درآمد کم دیگر فرصت و قوت و انرژی برای آدم نمی گذارد که وقتی شب به خانه می آید کار هنری را پی بگیرد. برای همین دیگر در مغازه کار نکردم.» می گویم شنیده ام که دو برادر دو قولو هستید. می گوید بله. من ویلون و تا حدی پیانو می نوازم و برادرم افشین گیتار کلاسیک.

آیا دوره دیده اید؟ بله دوره دیدیم، من پیش استاد فکوری و برادرم پیش استاد فلک انگیز ساز زدن را یاد گرفتیم. چند وقت است که در خیابان ساز می زنید؟ «از خرداد ۹۴ در خیابان علم الهدی برای مردم ساز می زنم. مردم بیشتر قدر هنر مرا دارند و از من حمایت



گیلما صدای پیشکسوتان کشتی گیله مردی را درآورد



مجیدی عابدینی بی بالانی

مدتی است ورزش رزمی «گیلما» که زیرمجموعه ی هیات کونگ فو بوده و فدراسیون کشتی آن را به دلیل وجود برخی از فنون، به طور کلی کشتی نمی داند، در گیلان رواج یافته و طرفدارانی نیز پیدا کرده است.

گیلما به طور کلی همان کشتی گیله مردی است و حتی رئیس کشتی گیله مردی استان گیلان ۹۰ درصد آن را از کشتی گیله مردی می داند، این در حالی است که ورزشکاران و کشتی گیرانی که در سطح استان سال هاست در کشتی گیله مردی فعالیت می کنند، در این رشته ورزشی تازه تاسیس نیز حرف اول و آخر را می زنند. اما این مهم صدای برخی از پیشکسوتان، مربیان و نیز برخی از ورزشکاران بومی و محلی و ... را درآورد، تا جایی که جعفر عابدینی، رئیس کشتی گیله مردی استان گیلان در نامه ای به مجمع نمایندگان استان گیلان با انتقاد از وضع موجود خواستار صیانت از ورزش گیله مردی شده است.

دربخشی از این نامه خطاب به نمایندگان آمده است: همانطور که استحضار دارید کشتی گیله مردی با قدمت بسیار بالا ثبت شده درآئامعوی کشور سابقه ی آن به ۷۰۰ سال می رسد که ریشه ی عمیق تاریخی در فرهنگ و اعتقادات مذهبی مردم گیل و دیلم و غرب مازندران داشته و به نوعی با گوشت و خون مردم عجین است. این ورزش کهن گیلان به واسطه ی آداب و رسوم خاص با سایر رشته های ورزشی متفاوت و مزین به

نیایش و ستایش به درگاه خداوند و ادای احترام به قبیله ی مسلمین و بارگاه امام هشتم (ع) است و دو حریف قبل از مبارزه با دست رفاقت به رقابت می پردازند، که نشان از صلابت و قوت و جوانمردی است. در فصل گرما در فضای آزاد و در فصل سرما در سالن های ورزشی بدون بار مالی و هزینه برای متولیان ورزش با سیل عظیمی از مشتاقان و علاقمندان درسین مختلف بعضی اوقات جمعیتی بالغ بر پنج تا شش هزار نفر در هر شب به تماشای کشتی می

نشینند و در طول سال حداقل در ۱۵ نقطه ی استان توسط پیشکسوتان برگزار می شود. که درحقیقت یکی از بهترین و رایگان ترین شیوه ی مبارزه با تهاجم فرهنگی و گذراندن اوقات فراغت مشتاقان است. بی گمان هر کدام از شما سروران ارجمند به این ورزش کهن به جا مانده از اجداد و نیاکانمان تعصب خاص و خاطره ای دارید. متأسفانه این ورزش دوسالی است توسط ورزشی بیگانه، وارداتی و سلیقه ای به نام گیلما مورد تهاجم و تهدید است و با جعل ۹۰ درصد از فنون کشتی گیله مردی و کمتر از ۱۰ درصد فنون رزمی در گیلان سر در آورده و باعث تشویش اذهان عمومی (علاقه مندان و پیشکسوتان) شده و شدیداً مورد اعتراض است. مراتب به طرق مختلف شفاهی، کتبی و حضوری به اطلاع مدیر کل محترم ورزش رسیده که عنایتی نشد، بلکه در تاریخ ۹۴/۰۷/۱۷ مجوز برگزاری مسابقه درسالن تختی رشت تحت عنوان کشتی گیلما صادر شد که اعتراض پیشکسوتان و علاقه مندان را به همراه داشت. خوشبختانه با حضور جناب آقای کوچکی نژاد نماینده



محترم شهرستان رشت درمحل سالن و به حرمتشان از شدت اعتراض کاسته شد. ما بر سوء استفاده از فنون و هویت کشتی بومی استان اعتراض داریم و همچنین نگرانیم که به چه دلیل در گیلان که مهد کشتی گیله مردی است باید چنین اتفاقی بیفتد. لذا از محضر مجمع نمایندگان گیلان انتظار داریم از هویت و فرهنگ بومی و محلی به ویژه کشتی گیله مردی دفاع نمایند تا بیش از این مورد تعرض قرار نگیرد. (عکس: مجیدی عابدینی بی بالانی)

در گیلما مشت امتیاز دارد

یکی از طرفداران کشتی

من از روز اول که این ورزش مطرح شد خیلی مشتاقانه آن را دنبال کردم، گیلما که بیشتر مسئولانش هم از استان مازندران هستند، مدتی است که آمده و طرفدارانی هم دارد ولی ورزشی خطرناک است و یکی از دلایلی هم که قبلاً آن را زیرمجموعه ی خودش نمیداند، این است که گیلما کاملاً شبیه کشتی گیله مردی است با این تفاوت که مشت هم امتیاز دارد و یک سری قوانین داوری اش هم با کشتی گیله مردی متفاوت است. به اصطلاح محلی (گالش مشت) همان مشت است که برای دعوا استفاده میشود در این ورزش جدید امتیاز هم دارد. و شاید به همین خاطر بعضی ها آن را تأیید نمی کنند.

گیلما در تقابل با کشتی گیله مردی:

به گزارش گیل خبر:

جبار کوچکی نژاد، نماینده شهرستان رشت به برگزاری مسابقات کشتی گیلما در شهر رشت اعتراض و آن را در تقابل با هویت و سنت ورزش بومی محلی کشتی گیله مردی خواند.

کشتی گیله مردی نماد اصالت گیلان:

به گزارش خراسپورت

فردین معصومی، کاپیتان اسبق تیم ملی کشتی آزاد و پهلوان کشتی گیله مردی با اعلام مخالفت نسبت به رشته ورزشی "گیلما" گفت: کشتی گیله مردی نماد اصالت و فرهنگ گیلانی هاست و من هرگز رشته ورزشی گیلما را به رسمیت نمی شناسیم.

رزم گیلما» مولود کشتی گیله مردی:

به گزارش خبرگزاری فارس:

«فرامرز کشاورز» رئیس کمیته مبارزات حرفه ای رزم گیلما که خود پهلوان کشتی گیله مردی منطقه ماکلوان فومن و چهره های شناخته شده در دنیای ورزش است می گوید «رزم گیلما» مولود کشتی گیله مردی است.

وی میگوید: همیشه آرزو داشتم روزی بتوانم کشتی گیله مردی را به ایران و بعد به جهانیان بشناسانم و زمانی که هشت سال پیش تصمیم بر این شد کشتی آزاد را از المپیک حذف کنند بنده در صدد شدم تا بتوانم کشتی گیله مردی را زیر نظر فدراسیون جهانی کشتی ببرم و حتی با آقایان طالقانی و برزگر در فدراسیون کشتی ایران صحبت کردم و اساسنامه و قوانینی را که نوشته بودم به این دو بزرگوار نشان دادم که نهایتاً آقای برزگر به من گفتند از آنجا که در این ورزش از ضربات مشت استفاده می شود بنابراین جزو ورزش های رزمی محسوب می شود اما با کمک آنها مکاتباتی با دفتر آقای مارتینی رئیس فدراسیون جهانی کشتی برقرار کردم که وی نیز پس از هشت ماه پاسخی مشابه آقای برزگر را از سوی فیلا به من دادند.

آنها معتقد بودند با توجه به اینکه در ۷۰ درصد این ورزش از ضربات مشت استفاده می شود باید زیر نظر رشته ورزشی دیگری باشد، و من با فدراسیون کونگفو مکاتبه کردم.

زمانی که هفت سال پیش مسابقات کونگفو قهرمانی جهان در شیراز برگزار می شد دو چوب سیستان و بلوچستان، رزم کردستان و کشتی گیله مردی گیلان برای نمایش در این مسابقات دعوت شدند که سرانجام پس از انجام هر سه نمایش، کشتی گیله مردی مورد تأیید بیش از ۶۰ استاد برجسته کونگفو دنیا قرار گرفت و بنده و پهلوان جهاندار چنان در میدان مسابقه با هم کشتی گرفتیم که اصلاً همدیگر را نمی شناختیم و در نتیجه رای تأیید تمام داوران را گرفتیم و در همان شیراز استارت رزم «گیلما» زده شد و چون نمی توانستیم این ورزش را به نام کشتی گیله مردی در همه کشور گسترش دهیم (زیرا کسی حاضر نبود با این نام و بدون قواعد مدون یا به این ورزش بگذارد) در نتیجه مجبور شدم برای آن سبکی انتخاب کنم و قانون و اساسنامه های بنویسم که این کار را با همت برخی از دوستانم از جمله آقایان شرح پور، جهاندار و ... انجام دادم. وقتی تمام موارد این ورزش به صورت قانونی به پیش می رفت آن موقع دیگر هیئت ها و فدراسیون به این ورزش اعتبار و ارزش می دادند که می شد یک کشور را برای مسابقاتش بسیج کرد.

زمانی که من کشتی می گرفتم بیش از یک هزار و ۲۰۰ پهلوان داشتیم اما در دهه اخیر تنها بالغ بر ۳۰ کشتی گیر سنگین وزن و ۷۰ کشتی گیر سبک وزن داریم و کشتی با این تعداد پهلوان با خطر نابودی همراه بود و من و دوستانم این فکر به ذهنمان رسید که اگر نجنبیم باید برای نسل فردای خود تنها خاطره ای از کشتی گیله مردی تعریف کنیم و در واقع کشتی گیله مردی را در دامان گیلما قرار دادیم تا از بین نرود.

تولد گیلما موجب فراموشی کشتی گیله مردی نمی شود چون ما رزم گیلما را با همان ساز و دهل سنتی خودمان انجام می دهیم و رزم گیلما یک سبک با همان روش کشتی گیله مردی است اما با حذف برخی قوانین دست و پا گیر. رزم گیلما در سه تا نیم ساعت دقیقاً برگزار می شود اما در کشتی گیله مردی دو حریف گاهی تا نیم ساعت کشتی می گیرند ضمن اینکه دنیای امروز عاشق سرعت و هیجان است و ما حرکات و قوانین زائد را از کشتی گیله مردی حذف کردیم و نام آن را رزم گیلما گذاشتیم. تاکنون دو مسابقه جهانی یکی در شیراز و دیگری در چالوس برگزار کرده ایم. ولی از آنجا که خاستگاه این ورزش از منطقه فومن است آرزو دارم در همین منطقه مسابقات جهانی را برگزار کنیم اما امسال که میزبانی مسابقات بین المللی را برای فومن گرفتیم به دلیل عدم همکاری مسئولان فومن از جمله فرماندار و رئیس سابق اداره ورزش این شهرستان این مسابقات در این منطقه برگزار نمی شود، حتی از عاشوری نماینده مردم فومن خواستیم که در این زمینه مساعدت کنند اما هیچ کمکی صورت نگرفت و تنها مسعود رهنما مدیرکل ورزش و جوانان گیلان همکاری لازم را با ما داشت. می خواهم با گیلما، فومن را روی آنتن جهانی ببرم و بخش مستقیم بگیرم ضمن اینکه هزینه یک مسابقه جهانی در فومن ۲۰۰ میلیون تومان است آن هم ورزشی که اساس و بنیاد آن از فومن آغاز و به تمام جهان معرفی شده و این هزینه خودش یک سرمایه گذاری برای فومن محسوب می شود.

گفت و گوی اختصاصی با فاطمه عاشوری، کارآفرین موفق و نمونه:

عاشق کار هستم

می‌کنم.

□ نگهداری از فرزندان همراه با کار برای تان سخت نبود؟

آن زمان دیگر مادر چهار فرزند بودم. سعی می‌کردم هیچ چیز برای بچه‌هایم کم نگذارم. آنها هم همیشه کمکم بودند و همین‌الآن هم کنارم هستند. خلاصه از جاهای مختلف سفارش کار می‌گرفتم. از جمله از ایران، پوپلین، فضای سبز، برق لامع، بیمارستان‌های بزرگ تهران، بیمارستان شفا، لباس‌های ناجا و سپاه. در واقع گرفتن سفارش کار و حضور در بازار کار برای من به اندازه حضور در چند دانشگاه علم و تجربه به همراه داشت و باعث شد چیزهای زیادی بیاموزم.

□ آیا در کارتان با مشکلات مالی هم مواجه بودید؟

بله، مشکلات مالی ریز و درشت همیشه هست اما من دو سال پیش متأسفانه به بحران خوردم و مشکلات مختلف و چک‌های معوق و برگشتی باعث شد ۱۲ چرخ خیاطی صنعتی را بفروشم. آن موقع ۱۵ نفر برایم کار می‌کردند و چند نفر هم کارگر ساده داشتم.

□ در آن حالت ناامید نشدید؟

ناامید نشدم ولی نگران و مضطرب بودم. در آن شرایط، مدیرکل تعاون هم برای پیگیری کار من جلسه‌ای گذاشت. آن موقع من دستگاه‌ها را فروخته بودم ولی به جهت اعتباری که داشتم می‌توانستم کار بگیرم چون افراد به من اطمینان داشتند و می‌دانستند که اهل کار هستم. بنابراین رفتم دنبال افرادی که چرخ صنعتی داشتند ولی سفارش کار نداشتند. و من در آن شرایط بدون پول، بدون دستگاه، بدون مکان تصمیم گرفتم باز هم به کارم ادامه دهم و ناامید نشوم.

خلاصه چند نفر دستگاه آوردند، چند نفر هم با آوردن مبلغی با من همکاری کردند. و من برای کاهش هزینه‌ها از رشت رفتم خمام و آنجا مکانی برای تولیدی گرفتم (البته قبلاً هم چند سال در خمام کار کرده بودم) دستگاه‌ها را هم آوردند و خرید لازم را انجام دادم و کارهای برش کرده را گرفتم. شاید باور نکنید ولی من در همان شرایط بحران با عشقی که به کار داشتم دوباره در مزایده یک کارخانه ورشکسته شرکت کردم و برنده شدم. (البته در حال حاضر اگر اداره یا سازمانی این کارخانه را بگیرند و با یک سهم کوچک ما را ورود دهند هم راضی هستم).

□ توانستید بحران را پشت سر بگذارید؟

به شکر خدا بله. وقتی دو سال پیش دوباره در خمام کار را شروع کردم خواستم برخی از کارهای شرکت نفت را که از تهران واسطه‌ای برایم آوردند، بگیرم که چند نفر از آنجا آمدند تا از مکان کار ما بازدید کنند. وقتی دیدند گفتند «تعداد دستگاه‌های شما

کار بافت هم فقط شش ماه از سال رونق داشت. در همان زمان از طرف اداره تعاون برای ثبت شرکت در خصوص بافت پارچه کاموایی و تریکو با دستگاه اقدام کردم و به اداره صنعت و معدن و تجارت معرفی شدم. و زمانی که خواستم شرکت را به ثبت برسانم یعنی در سال ۸۴ کارها خیلی سریع انجام شد و من با کمک اداره تعاون ظرف یک هفته به بانک توسعه تعاون معرفی شدم و بیست میلیون وام گرفتم.

□ پس حسابی کارتان را توسعه دادید.

آن موقع بیست میلیون ارزش داشت و من تریکو ثبت کرده بودم و جواز تاسیس هم برای پوشاک و پروانه بهره‌برداری داشتم. شانس آوردم همان موقع در مناقصه ای برنده شدم و اولین سفارش کار کلی من از طرف شهرداری رشت بود. جالب اینکه آن موقع من اصلاً خیاطی بلد نبودم. آن زمان در بازار شایع شده بود یک خانم تازه کار در مناقصه شهرداری برنده شده. و من هنوز نمی‌دانستم که خودم برنده شده‌ام. باورم نمی‌شد که در مناقصه انتخاب شده‌ام، خلاصه کار را گرفتم و با هر زحمتی که بود با استفاده برشکار و دوزنده، کار را انجام و تحویل دادم. آن زمان ۱۵ نیرو داشتم.

□ بعد از آن چه کار کردید؟

پس از آن در مناقصه پارس خزر و پارس شهاب برنده شدم و برای هر کدام به مدت دو سال کار انجام دادم. البته طی این مدت مشکلات هم خیلی زیاد بود. گاهی صاحب کار ایراد می‌گرفت، خلاصه کار راحت نبود. ولی من با علاقه کار را انجام می‌دادم. عشق به کار داشتم و دارم. الان هم خانم‌هایی را می‌بینم که کار نمی‌کنند افسوس می‌خورم، گاهی با آنها صحبت می‌کنم و اگر بتوانم راهنمایی‌شان

ماهانامه گیلان فردا - برای رسیدن به موفقیت باید تلاش کرد و پشتکار داشت. بی‌شک در مسیر رسیدن به موفقیت مشکلات و موانع هم وجود دارند اما مهم این است که چطور به مسائل بنگریم و حتی قادر باشیم که به یک کارآفرین تبدیل شویم. هم صحبت شدن با چنین افرادی لذت بخش است، چون اینقدر در کارشان راسخ هستند که می‌توان موفقیت را از همان آغاز حس کرد.

خانم فاطمه عاشوری مدیر تعاونی زیبا پوشان گیلان یکی از زنان موفق است که سال‌ها به جد کار کرده است. حتی وقتی در کار ورشکسته شد دوباره با دست خالی شروع کرد. می‌گوید خیلی زحمت کشیدم ولی دو سال پیش به بحران خوردم و سال قبل این موقع یک دستگاه صنعتی هم نداشتم. اوقات سختی بود چون احساس می‌کردم مشکلات از هر سو مرا احاطه کرده است. در راز و نیاز با خدا می‌گفتم «تو که از همه چیز خبر داری و می‌دانی چقدر زحمت کشیده‌ام، پس چرا باید این چنین به بحران بخورم...» نگران آینده فرزندانم بودم، ولی خدای بزرگ هیچگاه مرا تنها نگذاشت. و الان به شکر خدا آن مشکلات رفع شده و من با ۱۶ دستگاه صنعتی و ۸ نیرو مشغول تولید پوشاک هستم. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل یک گفت‌وگوی صمیمی در غروب پاییزی در محل کار این بانوی پرتلاش در رشت است:

□ از همان اول مشغول کار خیاطی بودید؟

خیر، کارم پرستاری بود. البته من زود کار را شروع کردم، یعنی از همان موقع که دانش آموز بودم (قبل از انقلاب) با مدرک سوم راهنمایی رفتم موسسه گیلگ برای یادگیری پرستاری. بعد از انقلاب این موسسه

جمع شد. و من دوسه سال بعد که دیپلم گرفتم بلافاصله در کلینیکی مشغول کار شدم و حدود چهار سال هم آنجا کار کردم. و وقتی کلینیک جمع شد دوباره در مرکز دیگری مشغول کار پرستاری شدم. ولی دیدم این کارها، کاری نیست که می‌خواهم. یعنی همه اش دوست داشتم کاری انجام بدهم که خودم مسئولیتش را داشته باشم، چون آدم پرکاری بودم، و وقتی می‌دیدم کاری را که به دیگران محول می‌کنم نمی‌توانند خوب انجام دهند خسته می‌شدم. احساس می‌کردم انرژی من هدر می‌رود. به همین خاطر آن موقع مغازه‌ای در بازار گرفتم و بافت (لباس کاموایی) تولید می‌کردم ولی باز هم چیزی که می‌خواستم نبود.

□ آن موقع مجرد بودید یا متاهل؟

آن موقع متاهل بودم و دو بچه داشتم. و برای اینکه کار خانه و خانواده را به درستی انجام دهم همیشه دلهره داشتم. و این دلهره دایمی خیلی عذابم می‌داد. به خاطر آینده بچه‌ها سعی می‌کردم کار خوبی داشته باشم. ولی



سلام و سپاس

به شکر خدا شماره اول «مجله گیلان فردا» در مهر ماه ۱۳۹۴ منتشر و خوشبختانه یا استقبال خوب شما عزیزان رو به رو شد! بذارید به حساب من - قوربان). و اکنون که توفیق انتشار شماره دوم حاصل شد بار دیگر صمیمانه از تمام کسانی که در این مسیر همراه و یاورم بودند تشکر می کنم و از همه دوستان ارجمند و خوانندگان نازنین که با نظراتشان در آرایه هرچه بهتر کار مرا یاری کرده و می کنند سپاسگزارم. نکات چهارده گانه ای را در شماره اول به عنوان چراغ راه مجله به اطلاع شما رسانده بودم که انشاءالله بتوانم به این رویای آرزوگونه یا آرزوی رویا گونه دست یابم و قدمی هر چند کوچک برای هم نوعان عزیز بردارم. از آنجا که روش خاص خودم را در خبرنگاری و روزنامه نگاری دارم عادت کرده ام که هر از گاه با شما حرف بزنم، البته به دور از قالب مالوف و مرسوم نگارش روزنامه نگاری، بلکه ساده و صمیمی.

این بار نکات سه چهارگانه ای را با هم مرور می کنیم که شاید خالی از لطف نباشد. به عرضتان برسانم چاپ اولین شماره جدا از الطاف محبت آمیز دوستان و همکاران و خوانندگان، بازخوردهای جالبی را هم در پی داشت. در یک دسته بندی کوتاه می توانم بگویم بعضی از همکاران و اساتید محترم و پیشکسوت رسانه با دید حرفه ای مجله را بررسی کردند و همراه با انرژی مثبت که لزوما حاوی تعریف هم نبود رهنمودهایی دادند که بسیار قدردانشان هستم.

گروهی دیگر از خوانندگان نیز که در تمام مدت فعالیت خبری با من همراه بودند، با اظهار نظر موجب دلگرمی ام شدند. اما چند نظر در این میان به نوعی دیگر قابل تامل بوده است. از جمله:

● در گیلان نمی شود کار خوب کرد! البته این جمله را قبلا هم در موارد و حوزه های مختلف شنیده بودم ولی چرایی اش را نمی دانم. شاید این تفکر حالا دیگر به یک رسوب ذهنی تبدیل شده باشد که در ناخودآگاه افراد نقش بسته است.

● عزیز دیگری ضمن اینکه خیلی از مجله تعریف کرد اما پیشنهاد داد که انصراف دهم و گفت: «تعجب می کنم شما با این سابقه کار که با مشکلات این بخش آشناستید چطور دل به دریا زده اید و در این شرایط سخت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چنین مسئولیتی را به جان خریدید. من پیشنهاد می کنم حالا که تازه شماره اول چاپ شده و هنوز اتفاقی نیفتاده، انصراف دهید، چون این کار خیلی سخت است، هر چند که شما را به همین دلیل تحسین هم می کنم!»

● اما شخص دیگری که اتفاقا خود از افراد با تجربه در حوزه رسانه استان است به من گفت: «مجله را دیدم ولی حوصله نظر دادن ندارم!»

به نظرتان این مورد سومی را چطور می توان تحلیل و تفسیر کرد؟! چون هر اثری نه کاملا خوب و بی نقص است و نه آنقدر بد و بی ارزش که نشود در مورد آن چیزی گفت! بنابراین همیشه جایی برای یک اظهار نظر ساده (نه قضاوت) وجود دارد. اما جالب است که بعضی ها حتی از کوچکترین عکس العمل خودداری می کنند!!!

به مددجویان آن ها آموزش بدهیم. و پول بیمه این مددجویان طی یک سال و نیم به عهده کمیته امداد باشد و به من قول دادند برای آموزش مددجویان و بابت تجهیزاتی که آنها استفاده خواهند کرد با ما همکاری کنند. و پس از آن چنانچه کار مددجویان مورد تأیید بود ما آن ها را جذب کنیم.

مدیران و کارشناسان مرتبط کمیته امداد در معاونت اشتغال همچنین به من پیشنهاد کردند که مدیریت مجتمع تجاری کلاچای را که زیر نظر کمیته امداد است به عهده بگیرم. چون این مجتمع چند سال است که از سوی کمیته امداد برای کمک به اقتصاد زنان سرپرست خانوار راه اندازی شده ولی متأسفانه رونقی ندارد. و من برای رونق

آنجا طرح و برنامه داده ام که اگر مورد توافق کمیته امداد و زنان سرپرست خانوار حاضر در آن مجتمع قرار بگیرد، مطمئن هستم که می توانم آنجا را رونق دهم.

● **الآن چند وقت است که محل کارتان را دوباره از خمام به رشت منتقل کرده اید؟**

بیش از یک سال است که دوباره در رشت کار می کنم. و امیدوارم وقتی مکان سه راه خاور را در اختیارم گذاشتند امنیت کاری داشته باشم. چون به مکان ثابتی احتیاج دارم. در واقع من امنیت شغلی می خواهم تا با عوض شدن مدیران، کار من دچار نابسامانی نشود.

● **شما که یک خانم توانمند هستید آیا ایده های کارآفرینی دیگری هم در سر دارید؟**

بله، اگر منابع طبیعی زمینی را در اختیارم بگذارند می توانم طرح جدیدی را که دارم عملیاتی کنم. البته در این مورد با فرماندار هم صحبت کردم که نظر ایشان مثبت بود. این را هم بگویم که طی این مدت بارها از مدیران مختلف تقدیرنامه گرفته ام.

● **با فروشگاه های رشت هم کار می کنید؟**

گرفتن سفارش کار، برای من مشکل نیست. فقط باید خیالم از بابت مکان و وسایل و نیرو راحت باشد. انشاءالله قرار است در فروشگاه

نجم خاورمیانه واقع در سبزه میدان رشت هم یک لاین فروش مانتو داشته باشم. هر چند گاه برخی سفارش کار می دهند و بعد ممکن است بد قولی کنند. به عنوان مثال یکی از مدارس غیرانتفاعی رشت سفارش کار داد ولی بعد بخاطر مشکلات داخلی مدرسه، کار را کامل از من تحویل نگرفت و هنوز تسویه نکرده، البته اداره آموزش و پرورش هم در جریان است.

● **و سخن پایانی شما**

از همکاری مسئولان کمیته امداد گیلان سپاسگزارم و امیدوارم بتوانم همکاری خوبی با کمیته امداد داشته باشم. من در تمام این ۱۰ ساله که مشغول تولید انبوه لباس بودم سعی کردم با حداقل سود کار کنم. و خدا هم همیشه کمکم کرد. عاشق کار و فعالیت هستم و امیدوارم بتوانم موجب اشتغالزایی بیشتر بشوم.

(عکس ها: ماهنامه گیلان فردا)

کم است و نمی توانیم به شما کار بدهیم» ولی وقتی پشتکار مرا دیدند گفتند «ما خودمان چند دستگاه به شما می دهیم و شما پول آنها را شش ماهه پرداخت کنید) و خودشان مرا به نمایندگی جک (دستگاه های صنعتی) معرفی کردند و خدا را شکر با هر زحمت و تلاشی که بود توانستم چک ها را پاس کنیم.

● **خب شما که همیشه مستقل بودید پس الان ارتباط شما با کمیته امداد به چه خاطر است؟**

بله من همیشه روی پای خودم بودم. وقتی مشکلات مالی برای برخی تعاونی ها از جمله تعاونی ما پیش آمد، تصمیم گرفتم به اتفاق دو تا از خانم هایی که

در بخش صنایع دستی کار می کردند و تعاونی آنها هم به بحران خورده بود به کمیته امداد امام برویم. من قصد داشتم

به مددجویان کمیته امداد آموزش بدهم. وقتی پیشنهاد را برای رئیس و معاون اشتغال کمیته امداد امام مطرح کردم آنها جلسه ای گذاشتند و به



اتفاق مدیر کل و معاونین و مدیران آمدند خمام تا از محل کارم بازدید کنند. و خوشبختانه کار را تأیید کردند و گفتند کمیته امداد می تواند تا سقف ۷۵ میلیون به من وام بدهد ولی چون چک برگشتی داشتم ۳۰ میلیون وام گرفتم و از آنجا که باید برای اختصاص وام، کدی از ما داشته باشند اسمم را در لیست خودشان نوشتند.

● **پس مسئولان کمیته امداد از شما حمایت کردند.**

بله، خوشبختانه وقتی مسئولان کمیته امداد امام استان گیلان از سوابق کارم مطلع شدند، خودشان گفتند که ما برای شما زمین می گیریم. بعد هم پیشنهاد کردند با اجاره مناسب در مکانی که در سه راه خاور هست مشغول شوم و تمام همکاران و دستگاه ها را به آنجا منتقل کنم. و در مقابل ما هم

«کیفیت» باید تکلیف باشد نه امتیاز



مهندس محمدعلی یوسفی، مدیر کل موسسه استاندارد گیلان اعتقاد دارد که بین استاندارد، مردم و مصرف کننده نباید فاصله باشد و استفاده از کالای استاندارد باید از دوران کودکی در جامعه نهادینه شود. وی با بیان اینکه امسال نودمین سال فعالیت سازمان استاندارد را تجربه می کنیم می گوید: معرفی تولید کنندگان برتر که با وجود تنگناها توانستند تولیدات خوبی را به مردم عرضه کنند بسیار مهم بوده و این عزیزان قابل تقدیر هستند.

مدیر کل استاندارد گیلان با تاکید بر اینکه «کیفیت» باید تکلیف باشد، نه امتیاز اضافه می کند: استاندارد نوعی نگرش معنایی و هویت بخشی کیفی به کالای تولیدی و زبان مشترک بین تولیدکننده و خریدار است و استفاده از کالای استاندارد این اطمینان را به مصرف کننده می دهد که با خیالی آسوده آن را مورد استفاده قرار دهد.

وی استاندارد را چتری حمایت بخش برای زندگی بهتر و آسوده تر می شمرد و می گوید: «کیفیت» رمز ماندگاری در بازار است و نیازها موجب می شود تا شاخص های کیفیت معنا پیدا کند.

وی نقش کیفیت در اشتغال پایدار و رضایتمندی مردم را مهم عنوان کرده و می افزاید: کیفیت باید مورد توجه تولیدکنندگان بوده و به صورت تکلیف باشد، نه امتیاز.

یوسفی با بیان اینکه استانداردسازی کالاها و خدمات از موضوعات مهم در اقتصاد مقاومتی است، می گوید: متولیان استاندارد باید به جد در راستای استاندارد سازی گام برزنند.

یوسفی با اشاره به اینکه بشر همیشه به دنبال تأمین سلامت، بهداشت و ایمنی بوده اضافه می کند: اگر در کارها مسئولیت پذیر بوده، اخلاق حرفه ای را رعایت کنیم و به حقوق مصرف کننده احترام بگذاریم می توانیم ضمن تولید کالای کیفی تر از حمایت مشتریان دایم و وفاداری نیز برخوردار شویم.

خلاقیت

حلقه مهم

در کسب و کار موفق



ساناز فرزانه



یکی از موضوعات مورد بحث در سال های اخیر حمایت از کسب و کارهای کوچک بوده است. اما بیشتر افراد فارغ التحصیل از دانشگاه های کشور نه تنها مهارتی ندارند بلکه سرمایه و تجربه ای هم برای راه اندازی یک کسب و کار کوچک ندارند. شاید از بین صدها فارغ التحصیل چند نفر علاقه و استعدادی در این زمینه داشته باشند ولی بقیه نه، از طرف دیگر بسیاری از حمایت ها در حد حرف باقی مانده و یا در مرحله اجرا در پیچ و خم تبصره ها و بخشنامه ها کمرنگ می شوند.

اما برآستی در دنیای امروز می توان به همان شیوه های قدیمی، کسب و کاری راه اندازی کرد؟ اگر نه، شیوه های جدید چیست و اصلاً چطور باید پس از راه اندازی یک کسب و کار آن را تداوم بخشید؟ فکر کردن به آغاز کسب و کار و رویای شیرین راه اندازی یک کار موفق، پر پول و آینده دار در ذهن خیلی ها است، اما تعداد کمی می توانند این رویا را به واقعیت تبدیل کنند.

بر اساس آن چه که صاحب نظران توصیه می کنند تحقق کسب و کار موفق نیازمند پیش زمینه ها و مقدماتی است که تا نباشند، کاری از پیش نمی رود.

به عنوان مثال سفارش می شود که اول خودتان و کاری که می خواهید انجام دهید را بشناسید. و بدانید که دقیقاً دنبال چه کاری هستید. و این اولین و مهمترین گام برای رسیدن به هدف است. سپس با توجه به سرمایه ای که برای کار در نظر گرفتید بهترین اقدام را انجام دهید تا راندمان بهتری حاصل شود. از سوی دیگر لازم است از قوانین مرتبط در کاری که می خواهید انجام دهید مطلع باشید. و موانع احتمالی را بشناسید. داشتن برنامه و چشم انداز برای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت شاید مهمترین بخش کار باشد تا بتوان هدف گذاری کرد. و سپس مرحله به مرحله با ارزیابی از روند انجام کار، یک کسب و کار موفق راه اندازی کرد.

داشتن مزیت رقابتی، شناخت رقبای، شناخت نیاز مصرف کننده از جمله نکات دیگری است که می تواند برای رسیدن به موفقیت امیدوارتان کند. اما نکته مهم تر بازاریابی درست است. هر چند که این بخش از کار سختی خاص خود را دارد.

داشتن نظم و ترتیب و جدی گرفتن کار و احساس مسئولیت به هنگام انجام کار از نکات کلیدی دیگر در یک کسب و کار موفق است.

بر اساس آنچه که اساتید در دروس مرتبط به آن اشاره می کنند، شناخت بازار و توجه به عوامل تاثیر گذار درون سازمانی و برون سازمانی، آمادگی داشتن برای شرایط پیش بینی نشده و آگاه بودن از میزان قدرت خرید مصرف کننده از دیگر مواردی هستند که باید به آن ها توجه کرد. البته توجه به بسیاری از نکات لازم و ضروری در یک کسب و کار کوچک، همانند رعایت قوانین مربوطه در یک تجارت و شرکت بزرگ است، چون برخی از موارد به عنوان پایه و اساس کار مطرح است.

ولی آیا با وجود مهارت، تجربه، سرمایه و رعایت دیگر شاخص های تاثیر گذار می توان امیدوار بود که همیشه شرایط بر وفق مراد باشد؟ طبیعتاً خیر، و اینجاست که تفاوت افراد خلاق و شرکت ها و کسب و کارهای واکنش گرا با افراد معمولی و سیستم های عادی مشخص می شود. چون برخی از افراد از دوران رکود و تحریم به عنوان یک فرصت خوب برای شکوفایی کار خود بهره می برند. بنابراین خلاقیت و نوآوری در دنیای امروز نه فقط به عنوان یک چاشنی بلکه به عنوان یک استراتژی مهم باید مد نظر قرار گیرد. کارشناسان می گویند مهمترین ویژگی برای به کار گرفتن استراتژی درست در زمان رکود، شناخت مشتری است. باید دانست که آنها چگونه می اندیشند و چگونه رفتار می کنند. همچنین باید دانست که وضعیت اقتصادی فعلی چگونه بر مشتری ها شما تاثیر می گذارد.

دانشجوی ارشد مدیریت بازرگانی

برای حل مسأله، فقط یک راه حل وجود ندارد



محقق خارجی پذیرفتند و تربیت کردند. که جا دارد از استاد ارجمندم (که البته فوت شد) و نقش مهمی در تربیت ریاضی من داشت به نام «لیشوویچ» که از اساتید کلژدوفرانس و از ریاضیدانان برجسته جهانی و عضو آکادمی کشورهای پیشرفته بود نیز یاد کنم.»

نمادی از اعتبار علمه گیلان در دنیا

استاد گیلان در دیدار با پروفیسور حسن اکبرزاده از برجسته ترین دانشمندان ریاضی جهان که در دفتر کار وی برگزار شد (۱۴ مرداد ۹۴)، روند راه اندازی انستیتو ریاضی در گیلان را بررسی کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی استانداری گیلان، دکتر نجفی در این دیدار که معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری، رؤسای دانشگاه گیلان و بنیاد نخبگان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و شهردار رشت نیز حضور داشتند گفت: ره آورد حضور این دانشمند برجسته گیلانی راه اندازی انستیتو ریاضی در گیلان و با نام وی است. وی پروفیسور اکبرزاده را نمادی از اعتبار علمی گیلان در سراسر دنیا دانست.

زندگی نامه

«حسن اکبرزاده» در سوم فروردین ۱۳۰۶ در شهر رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در این شهر آغاز کرد و سپس تحصیلات خود را در دبیرستان البرز تهران ادامه داد و پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته ریاضی با درجه ممتاز وارد دانشگاه تهران شد و با احراز مقام اول تحصیلات خود را در ایران به پایان رسانید. او پس از اخذ مجدد لیسانس ریاضی از دانشگاه سوربن پاریس و همچنین گواهینامه آنالیز عالی، برای فوق لیسانس در مورد نظریه نسبیت عمومی انیشتین تحقیق کرد و درباره هندسه دیفرانسیل و فضاهای ریمان بعد از ۳ سال تحقیق، اکتشافات خود را در قالب چندین مقاله در مجله آکادمی علوم پاریس به ثبت رسانید. اکبرزاده از سال ۱۹۵۷ میلادی به عنوان وابسته تحقیقات در مؤسسه معروف تحقیقاتی کلژدوفرانس پذیرفته شد و بعد از ۴ سال رساله دکتری دولتی در علوم ریاضی را در دانشگاه سوربن به پایان رسانید. او نزدیک چهل سال به عنوان رئیس تحقیقات در این مؤسسه بین المللی مشغول به کار بوده است. حسن اکبرزاده با اینکه بیش از ۵۰ سال در پاریس زندگی کرده، اما افتخاری می کند که فقط یک تابعیت دارد، آن هم تابعیت ایرانی. از این استاد گرانقدر مقالات علمی زیادی در مجله های معتبر جهانی به چاپ رسیده است، از آن جمله: درباره تجزیه فضای فینسلر - درباره گروه های ایزومتری فضای فینسلر - درباره هندسه فضاهای فیبره مماس به یک فینسلر - ...

از وی بیش از ۵۰ کتاب، مقاله و پژوهش در اروپا و آمریکا به چاپ رسیده است. حسن اکبرزاده بیش از ۳۳ سال خلاصه گر مجله علمی **Mathematical Review** بوده و دهه ها بوده است.

وجودی که موضوع را با آقای رئیس جمهور (منظور رئیس جمهور وقت است) مطرح کردم ولی نتیجه بخش نبود، می خواستم مؤسسه ای باشد که در وهله اول شامل علوم پایه، ریاضیات، فیزیک نظری و کامپیوتر باشد آن هم در سطح بین المللی تا جوانان با استعداد کشور تربیت شوند. اما متأسفانه موفق نشدم این طرح را در ایران پیاده کنم. شاید مسؤولان فعلاً به آن نتیجه نرسیدند که کشور ما به چنین مؤسسه ای احتیاج دارد.»

وی می گفت: «ابن سینا، ابوریحان بیرونی، کوشیار گیلانی و غیره از افتخارات سابق ما هستند و بسیار برایمان باارزش هستند چون سرمشقی برای ماست که چگونه باید برای پیشرفت علم و دانش در تلاش بود. اما آنچه ما را به عنوان مملکت در حال توسعه معرفی و از کشورهای توسعه یافته مجزا می سازد این است که از قرن هجدهم میلادی به بعد مملکت ما به علت نداشتن دانشگاه هایی نظیر دانشگاه های اروپا و نداشتن دانشمندانی نظیر لیبینز، گوس، ریمن و غیره که بنیانگذار آنالیز و هندسه هستند عقب مانده است. اروپایی ها در قرن هجدهم میلادی مثل دانشگاه سوربن در پاریس یا دانشگاه جاجلون در کراکوف (لهستان) داشتند. در حالی که ما کمتر از صد سال است که دانشگاه داریم و در علوم جدید تجربه کسب کرده ایم. عقب ماندگی ما به دلیل نبود محیط مناسب برای فعالیت علمی و نداشتن ابزار کار و کمبود اساتید ممتاز و مجرب بوده است. حافظ، فردوسی، سعدی، ابوریحان بیرونی، ابن سینا و بسیاری از اندیشمندان ایرانی مثال های بارزی هستند که ما در گذشته موفق بودیم و در آینه نیز با شکوفا کردن استعدادهای خلاقانه جوانان ایرانی موفق خواهیم شد.» او در مورد کشورهای که سابقه چندانی در علوم آکادمیک نداشتند اما به پیشرفت های علمی زیادی رسیده اند می گفت: «به عنوان مثال صدسال قبل کشور ژاپن مجله ای در سطح بین المللی نداشت ولی امروز کارهای تحقیقاتی آنها در بالاترین سطح جهانی است و یکی از پیشرفته ترین کشورهای دنیا محسوب می شود که البته این مهم بر اثر پشتکار و رحمت و انتخاب افراد با صلاحیت در رشته های مختلف علوم ریاضی و همچنین برنامه ریزی صحیح و نیز برقراری عدالت اجتماعی در توزیع مقام های دانشگاهی حاصل شده است. تا اوایل قرن گذشته میلادی وضع علوم ریاضی دانشگاه های ایالات متحده بدین نحو نبود که در حال حاضر است. جنگ جهانی دوم خدمت بزرگی به آمریکایی ها کرد. اکثر دانشمندان آلمانی نظیر انیشتین، اوپنهاইمر، نیومن، هرمن ویل، آشره ویل و غیره به آمریکا مهاجرت کردند و این گنجینه غنی شامل دانشمندان طراز اول، دستاورد جنگ جهانی دوم به نفع ایالات متحده تمام شد و هنوز هم این کار ادامه دارد. افرادی که در علوم ریاضی جایزه فیلد و یا جایزه نوبل دارند و یا در سطح بین المللی هستند، آمریکایی ها به استقبال شان می روند. در سال ۱۹۹۵ میلادی رئیس انجمن ریاضیدانان آمریکا بنده را به شهر سیاتل دعوت کرد و این کارها ادامه دارد. در حالی که ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم. از افتخارات گذشته صحبت می کنیم، بدون اینکه سرمشق بگیریم.»

استاد با تأکید و دلسوزی می گفت: «لازم است در اسرع وقت برنامه های صحیح برای پیشرفت علم ریاضی در کشور برقرار شود و از هموطنان عزیز داخل و خارج از کشور که در رشته علوم پایه زحمات زیادی کشیده اند و به نتایج مطلوب و ارزنده رسیده اند دعوت و از تبعیض و اطلاق وقت پرهیز شود. امتیازات شغلی بر پایه و اساس صلاحیت علمی افراد باشد تا عدالت اجتماعی برقرار شود و مردم را از آشفته گی و دگرگونی و نابسامانی و فقر فرهنگی و اقتصادی درآورد و این راهی است که هر انسانی بدان امیدوار است.»

وی انتخاب کوتاه ترین راه را یکی از مهمترین شاخصه های یک ریاضیدان شمرده و می گفت: «برای حل یک مسأله فقط نباید به یک راه حل بسنده کرد.»

وقتی از رمز موفقیتش سوال کرده بودم می گفت: «اول اینکه خواست خدا بود که زنده بمانم. دوم اینکه من شاید کمی استعداد در علوم ریاضی داشتم. چون از سن سیزده سالگی حل مسائل ریاضی را شروع کردم. یادم می آید مدرم را گول می زدم که مثلاً خوابیده ام اما ساعت دوازده دوباره بیدار می شدم، نماز می خواندم و بعد مشغول حل مسائل ریاضی می شدم. یعنی عاشق این رشته بودم و هنوز هم عاشق این رشته هستم. اما باز می گویم کار خدا بود که مرا طوری راهنمایی کرد بتوانم در مدرسه خوبی درس بخوانم (مدرسه البرز تهران) و در اروپا نیز در یک مؤسسه معتبر جهانی یعنی کلژدوفرانس مرا به عنوان یک

گیلان فردا - از اولین باری که با پروفیسور اکبرزاده در منزل پدری شان مصاحبه کرده بودم نزدیک به ۱۰ سال می گذرد. به یاد می آورم در آن مصاحبه گفته بودند «برای راه اندازی انستیتوی ریاضی در کشور، مسؤولان قول هایی به من داده اند». اما فکر می کنید بعد از این همه سال چه اتفاقی افتاده است؟ هیچ، ایشان همچنان با قول و قرار روبرو هستند.

یقیناً موجب مسرت اهالی رشت است که یکی از دانشمندان ریاضی جهان همشهری و هموطن آنهاست. دانشمندی که کودکی و جوانی اش را در رشت و تهران گذرانید و پس از آن نیز با وجود دوری از وطن هرگز شهر و دیارش را فراموش نکرد. هنوز هم وقتی به رشت می آید در همان خانه پتری واقع در کوی مسجد صفی ایام را می گذراند. وقتی از ایشان پرسیده بودم چرا درس ریاضی در تصور خیلی از افراد مشکل به نظرمی رسد می گفت: «به عقیده من آموزش ریاضیات در کودکی از دوره اول به طور صحیح در بعضی از مدارس، خوب تدریس نمی شود و این باعث می شود بچه ها از ریاضی واهمه داشته باشند. اگر ریاضیات خوب تدریس شود سخت نیست. ما دانش آموزان با استعدادی داریم که در ریاضیات موفق می شوند و در المپیادها شرکت می کنند و شاگردان ممتازی هستند. البته استقراری بودن علوم ریاضی ممکن است این درس را سخت جلوه دهد اما بستگی به علاقه هم دارد. ممکن است دانش آموزان به علم ریاضی علاقه داشته باشند و در آنها شوق و انگیزه ایجاد شود. ذاتاً هم تمایلات بیشتری به این علم پیداکنند که آن را می شود به استعداد تعبیر کرد. بعد به این استعداد عشق و علاقه افزوده می شود و اگر در محیط مناسب فعالیت هم قرار داشته باشند و اساتید ارزنده ای آنها را هدایت کنند در این صورت در این علم موفق می شوند.»

پروفیسور اکبرزاده اعتقاد دارد سه عنصر استعداد، علاقه و محیط مناسب فعالیت اگر با هم جمع شوند می توان بهترین فرزندان مملکت را تربیت و به استقلال کشور کمک کرد. وی می گفت: «متأسفانه دانشگاه های ایران در ریاضیات سرمایه گذاری نکرده اند و مقامات مسؤول با اینکه از ارزش علم ریاضیات در ایران مطلع هستند، اما توجه جدی به این مقوله نکرده اند.»

وی در مورد راه های اصولی ارتقای سطح ریاضیات در کشور می گفت: «در یکی از روزنامه های ایران خواندم که یکی از مسؤولان وزارت علوم و فناوری گفته بود - ما برای بهبود علوم پایه در کشور دو راه داریم یکی این که توجه و سرمایه گذاری بیشتری در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا داشته باشیم و دوم اینکه چون پایه های ریاضی در دوره لیسانس و قبل از آن یعنی سیکل اول و دوم ضعیف هستند در این بخش سرمایه گذاری کنیم - اما آنها راه حل اول یعنی ارتقای علوم پایه در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا را برگزیدند. چون با سرمایه گذاری کم می توان به این هدف رسید. در حالی که پایه های دانشجویان آن طوری باید و شاید در سطح لیسانس از نظر کمیت و کیفیت با کشورهای پیشرفته قابل مقایسه نیست.»

وی براین باور بوده است که اساس کار سیکل اول و دوم، آموزش ریاضی است. و می گفت: «اگر دانشجویی در سیکل اول و دوم ضعف داشته باشد نمی تواند در سیکل سوم که تحقیقاتی است موفق بشود. بنابراین انتخاب این راه حل غیرطبیعی است. در مورد سیکل سوم هم در کشورهایی پیشرفته همه اساتید ریاضی دانشگاه، شاگرد دوره دکتری نمی گیرند. آنهاهی که واقعاً شاخص هستند و در سطح جهانی اند و کارهای فوق العاده ای کردند، مسأله های زیادی دارند که خودشان وقت حل آن را ندارند. بنابراین شاگرد دکترا می گیرند و این مسأله ها را بین آنان توزیع کرده و آنها را برای نوشتن رساله راهنمایی می کنند. بنابراین اصولاً گذشتن دوره دکترا در یک دانشگاهی که اساتید آن در سطح بین المللی نیستند مفهومی ندارد و طبیعتاً محصولات آنها که رساله دکترا باشد ارزش قابل مقایسه ای با کشورهای پیشرفته ندارد.»

لازم به ذکر است که ریاضیات کلاً ۴۴ شته دارد. در این میان علاقه وی به رشته هندسه و دیفرانسیل که در فیزیک نظری کاربرد دارد بیشتر بوده است و محور فعالیت و تحقیقات ایشان نیز در این زمینه هاست. وی که بسیار علاقه مند به دایر کردن یک مؤسسه آموزشی - تحقیقاتی ریاضیات البته در سطح بین المللی در کشور بوده و هست در این خصوص اشاره می کرد: «من قصد داشتم یک مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی در سطح بین المللی از لیسانس به بالا در کشور ایجاد کنم. تا اگر احیاناً ضعیفی در این مورد وجود دارد برطرف شود و در راستای پیشرفت دانشگاه فعال شویم. متأسفانه هنوز موفق نشدم. با



بلوط کپک زده

و

عسل مورچه ای

مروری بر خاطرات زیبای پاییزی



شهلا اصلی

این روزها تا دلناتان بخواد در رسانه های واقعی و مجازی، پیام های مختلف بهداشتی و تغذیه ای خودنمایی می کنن. چی بخوریم چی نخوریم، تا حدی که آدم گیج می شه بالاخره فلان غذا، میوه، سبزی و... خوبه یا خوب نیس، اما اشتباه نکنین، قصد ندارم به شما دستور غذایی بدم. چون عملکرد معجون پیشنهادی، فراتر از این حرف هاست و اثرات خارق العاده ای داره!! فکرش را بکنین بلوط کپک زده و عسل مورچه ای و یک قاچ هم کدوی پخته شده که مزه آب بده! چه شود...

عاشق که باشین همه مواد نام برده شده می تونه به مذاقتان خوش بشینه و حتی براتون خاصیت دارویی داشته باشه. اما مشکل اینه که این روزها کسی عاشق نمیشه!...

سالها بود که ندیده بودمش، در واقع بعد از سال های دبیرستان هر کدام مان بی کار و زندگی خودمان بودیم. یکی اینجا و یکی شهر دیگر. تا اینکه پس از مدت ها چندی پیش اونو در همین پارک شهر خودمان دیدم. و فرصتی دست داد که بعد از قاچ سلامتی کمی در پارک قدم بزنیم و دقایقی را به خودمون اختصاص بدیم، به خود خودمون!

به همین خاطر هر کدوم از خاطرات گذشته گفتیم، از همکلاسی ها، از روزهای مدرسه و حتی از عشق و عاشقی های دوران جوانی. حرف به اینجا که میرسه شیطنت دوستم گل می کنه و با دیدن گاری مرد لبو فروش در این هوای سرد، میگه: «چندی پیش دیدم یکی از دستفروش ها کدوی پخته هم می فروشه». میگم: «چی شد که حالا با دیدن لبو، یاد کدو افتادی؟» زیر لب خنده ای می کنه و میگه: «آخه هر بار کدو می بینم یاد خاطره ای می افتم. یادمه قبل از اینکه مراسم عقد و عروسی ما برگزار بشه، یه روز همسرم برای انجام یک سری از تدارکات به خانه پدری ام اومده بود و پس از انجام کار و قبل از رفتن چند تکه از کدویی رو که مادر پخته بود براش آوردم. هوا هم سرد و پاییزی بود، خلاصه تعارف کردیم و او هم کدو را خورد و کلی تعریف کرد که مثلا خیلی چسبید و دست شما درد نکنه و از این حرف ها و خداحافظی کرد و رفت. و بعد که خودمون خواستیم یه قاچ از همان کدو را بخوریم دیدیم ای دل غافل،

کدوی تعارفی که برای تازه داماد آورده بودیم مزه آب هم نمی ده!! اینارو که میشنوم بهش می گم خب باز هم از خاطرات کدویی ات بگو. دوستم میگه: «اما از اون بدتر روزی بود که ایشان را به همان منزل پدری دعوت کرده بودیم و من هم کلی باد به غیغب انداختم که مثلا عزیزم به یاد تو و برای تو شاه بلوط و عسل گذاشتم کنار. اما وقتی در شیشه عسل رو باز کردم دیدم چه می بینی! واویلا! تقریبا نصف شیشه عسل از موجودات ریزی به نام مورچه (همان پوتال خودمان) سیاه شده! فکرش را بکن در اون روزهای اول که با هم رودروایی داشتیم چه حالی به من دست داد، اما بهش گفتم مهم اینه که من به یاد تو این عسل رو نگه داشتم و البته اون هم خیلی راضی و مسرور از این همه عشق و علاقه به من گفتم «می دونم عزیزم، اگر چیز دیگه ای هم به یاد من نگهداشتی تا مورچه ها حمله نکردن زودتر بیار» من هم که مثلا می خواستم خیلی ادای آدم های عاشق پیشه رو در بیاورم گفتم «باشه، نمی خواستم الان بهت بگم ولی حالا که خودت گفتی باشه، من به یاد تو، قشنگترین و درشت ترین شاه بلوط ها رو جدا کردم و یه جایی برات گذاشتم». و بعد با کلی افاده همراه با دلبری رفتم سبد کوچک شاه بلوط را از کمد کتابخونه در آوردم و گذاشتم روی میز! ولی فکر می کنی چی دیدیم؟ اثری از رنگ زیبا و براق قهوه ای پر رنگ شاه بلوط دیده نمی شد، چون به خاطر رطوبت موجودات ریز دیگری به نام کپک تمام سطح شاه بلوط ها را گرفته بود، طوری که فقط یه چیزهایی به رنگ یشمی در سبد دیده می شد!

حرف به اینجا که میرسه میگم: «لا بد باز هم همسر گرامی عسل مورچه ای و بلوط کپک زده رو خورد و گفت به به» دوستم خنده ای می کنه و میگه: «شاید باور نکنی ولی صداقت و صمیمیتی که در همان کدوی بیمزه و عسل مورچه ای و بلوط کپک زده بود شاید امروز در خیلی از خوراکی های مختلف و یا در هدایای رنگارنگ نباشه، آخه این روزها کسی عاشق نمی شه» و من با اشاره به برگ های زرد و زیبا و محیط دل انگیز و رویایی و پاییزی پارک بهش میگم: «چرا هنوز هم میشه عاشق شد و پاییز، بهاریه که عاشق شده...»

جشن رونمایی از اولین شماره مجله گیلان فردا و افتتاح سایت این مجله با حضور همکاران گیلان امروز
گیلان فردا، جمعی از مدیران و مهمان عزیز ۲۰ مهر ماه ۱۳۹۴ (جای بسیاری از عزیزان در این عکس سبز است)



سیدفرح

مکان های عرضه « ماهنامه گیلان فردا »

- شهر کتاب، گلزار، بلوار توحید
- شهر کتاب، میدان لاکانی، بلوار حافظ
- انتشارات طاعتی، میدان شهرداری، روبروی سینما میرزا کوچک
- کتابفروشی فراز مند، خیابان امام، جنب قنادی آذربائی
- کیوسک مطبوعاتی چهار راه میکانیک، جنب بانک مسکن
- کیوسک مطبوعاتی، میدان فرهنگ، اول خیابان پرستار، جنب بانک ملی
- کیوسک مطبوعاتی، میدان فرهنگ، جنب آموزش و پرورش
- کیوسک مطبوعاتی، اول خیابان سعیدی، نیش کوچه گیلان نور
- کیوسک مطبوعاتی، سبز ه میدان، جنب فروشگاه نجم
- کیوسک مطبوعاتی، سبز ه میدان جنب پاساز معانی
- کیوسک مطبوعاتی، خیابان بیستون، روبروی پاساز بزرگمهر
- کیوسک مطبوعاتی، خیابان بیستون، اول خیابان سردار جنگل

guilanfarda.ir
guilanfarda94@gmail.com

سیدفرح

خبر و نظر



اعلام ۵۶ کالا در طرح خرید با کارت اعتباری



بر اساس آخرین خبرها از طرح خرید کالای ایرانی با کارت اعتباری که تا سقف ۱۰ میلیون تومان برای هر شهروند در نظر گرفته شده است، ۵۶ گروه کالا در ۵۰ برند معرفی شده است. البته در اولین مرحله، این طرح مشمول کارمندان دولت می‌شود. به گزارش خبرنگار ایسنا، براساس آنچه اعلام شده در مرحله اول طرح خرید کالاهای ایرانی با کارت اعتباری پیش بینی شده که ارگان‌ها و کارمندان دولتی از آن استفاده کنند و در مرحله بعد استفاده برای عموم، آزاد خواهد بود. براین اساس، کارت خرید کالای ایرانی ابزار اعتباری معرفی شده که توسط بانک‌های کشور برای عموم مردم که درآمد مشخص و ثابتی دارند صادر می‌شود که دارنده کارت می‌تواند تا سقف تعیین شده که متناسب با درآمد ماهانه و حداکثر معادل ۱۰ میلیون تومان است، پنج بخش کالا در قالب ۵۶ گروه از زیرمجموعه‌های لوازم خانگی، صنایع نساجی و پوشاک، صنایع برق و الکترونیک، صنایع معدنی و صنایع شیمیایی و سلولزی را خریداری کند و طی ۱۸ قسط ماهانه و با سود ۱۲ درصد بازگرداند.

۳۰ میلیارد تومان اعتبار برای تجهیز بیمارستان حشمت رشت



با دستور معاون اول رئیس جمهور، ۳۰ میلیارد تومان اعتبار برای تجهیز بیمارستان «حشمت» رشت در زمینه تخصصی قلب اختصاص یافت. به گزارش خبرگزاری مهر دکتر محمدباقر نوبخت، معاون رئیس جمهور پس از بازدید از بیمارستان حشمت رشت و پس از شنیدن گزارش‌های مدیران مرتبط و مسائل و مشکلات مردم، ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار به منظور تجهیز این مرکز آموزشی درمانی مهم شمال کشور در زمینه تخصصی قلب اختصاص داد. وی با اشاره به پیگیری‌های فعال استاندار گیلان در مورد اجرای طرح‌های زیربنایی و عمرانی گفت: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به صورت مرتب آخرین وضعیت اجرای تعهدات سفرهای رئیس جمهور به استان‌ها را پیگیری می‌کند.

اختصاص بیش از ۱۱۰ میلیارد تومان اعتبار به بخش‌های مختلف استان گیلان



به گزارش خبرگزاری ایسنا، مهندس غلامعلی جعفرزاده، رئیس مجمع نمایندگان گیلان با بیان اینکه پیرو دیدار مجمع نمایندگان گیلان با دکتر نوبخت بیش از ۱۱۰ میلیارد تومان اعتبار به بخش‌های مختلف استان اختصاص یافت، اظهار کرد: طی این دیدار مباحث مختلفی نظیر پیگیری مصوبات سفر رئیس جمهور، پرداخت مطالبات چایکاران، پرداخت بدهی پره‌های صیادی، راه‌آهن و آزاد راه رشت - قزوین مطرح شد و اعتباراتی نیز به بخش‌های مذکور اختصاص یافت. وی افزود: با توجه به شرایط کشاورزی در استان، ۵۰ میلیارد تومان اعتبار جهت تسطیح، نوسازی و زهکشی به بخش امور کشاورزی اختصاص یافت. نماینده مردم رشت گفت: ۳۰ میلیارد تومان اعتبار نیز برای پره‌های صیادی استان، ۲۶ و نیم میلیارد تومان جهت پرداخت مطالبات چایکاران و ۴ میلیارد تومان اعتبار نیز جهت اتمام کتابخانه مرکزی رشت اختصاص یافته است.

رئیس مجمع نمایندگان گیلان اضافه کرد: در این دیدار مقرر شد تا پایان سال ۹۵ پروژه راه آهن رشت - قزوین به بهره‌برداری برسد و همچنین ۱۱ کیلومتر باقی مانده آزادراه رشت - قزوین نیز تا نیمه دوم سال ۹۵ تکمیل و همزمان عملیات خاک برداری راه آهن رشت - آستارا نیز آغاز شود.

تقاضای ۴۰ سرمایه گذار برای پرورش ماهی در قفس

به گزارش روابط عمومی استانداری گیلان، دکتر محمدعلی نجفی با اشاره به اینکه گیلان قطب اصلی شیلات در کشور است، به وجود دریای خزر به عنوان یک پتانسیل فراوان در آبروی پروری اشاره کرد و گفت: ۱۴ درصد از تولید آبیان در دنیا از طریق پرورش ماهی در قفس تولید می‌شود. و با توجه به مشکلات و موانع موجود پرورش ماهی در مزارع، این نوع از تولید ماهی یک فرصت است.

وی با اشاره به مصوبه تولید ۱۰ هزار تن ماهی از طریق قفس در دریا گفت: پس از این مصوبه و جدیت خوبی که در مدیران استان مشاهده شد، تاکنون ۴۰ سرمایه گذار برای پرورش ماهی در قفس در گیلان اعلام آمادگی کرده اند که از این تعداد ۱۲ سرمایه گذار روند نهایی اخذ مجوزها را برای آغاز کارشان طی می‌کنند و ظرفیت تولید آنها ۱۲ هزار تن است.

وی همچنین بر ضرورت همکاری بیشتر سیستم بانکی با سرمایه گذاران بخش خصوصی تأکید کرد و افزود: نباید فضا برای سرمایه گذار تنگ شود و بانک کشاورزی ملزم به تعامل بیشتر با سرمایه گذاران است.

حسن صالحی، رئیس سازمان شیلات کشور نیز گفت: با توجه به اینکه بحث آبروی پروری از استان گیلان آغاز شده است باید اولین قفس پرورش ماهی نیز در این استان شکل بگیرد. وی پرورش ماهی در قفس و پرورش گلخانه‌ای سیفی جات را دو برنامه مهم جهاد کشاورزی در اقتصاد مقاومتی عنوان کرد و افزود: باید این واقعیت را که برای تأمین غذا جز نگاه بر دریا راه دیگری نداریم را بپذیریم.

وی با بیان اینکه در سال گذشته اعتبار شیلات گیلان دو میلیارد بوده که در سال جاری افزایش ۱۰۰ درصدی داشته است، از امضای تفاهم نامه بین وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در خصوص تولید ۱۰۰ هزار تن ماهی در قفس خبر داد و گفت: مجری این تفاهم نامه وزارت تعاون خواهد بود و در این میان برای پرورش ماهی در قفس بنیاد مستضعفان نیز اعلام آمادگی کرده‌است. معاون وزیر جهاد کشاورزی بر تأکید رئیس جمهور در خصوص ضرورت انتقال تکنولوژی و فناوری‌های نو به داخل کشور اشاره و خاطر نشان کرد: در این خصوص با کشورهای اروپایی رایزنی‌ها صورت گرفته است تا تجهیزات در داخل کشور تولید شود. رئیس سازمان شیلات کشور با اشاره به افزایش چشمگیر تسهیلات در بخش آبیان برای اولین بار گفت: هزار میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی اعتبار در نظر گرفته شده است و هیچگونه محدودیت تسهیلاتی ارزی نداریم.



مقصد آستراخان در بخش گسترش کشتیرانی دریایی

به گزارش روابط عمومی استانداری گیلان، دکتر محمدعلی نجفی ضمن دیدار با ماکسیم بارانف سرکنسول روسیه در رشت که به مناسبت پایان دوره مأموریت ایشان انجام شده بر ضرورت تقویت این روابط در ابعاد مختلف در چارچوب همکاری‌های دو جانبه عمیق دو کشور تأکید کرد. وی ادامه داد: در سفر اخیر به باکو بر ضرورت پرواز رشت - باکو و آستراخان تأکید شد و در بخش گسترش کشتیرانی دریایی نیز مقصد ما آستراخان است. و با توجه به ساخت بندر کاسپین، به میزان ۱۵ میلیون تن به ظرفیت بنادر ما اضافه خواهد شد که بین استان های شمالی منحصرفرد است. وی وجود منطقه آزاد انزلی و احداث راه آهن در استان را از دیگر مزیت های گیلان برشمرد و افزود: گیلان از دیرباز به عنوان استان معین ارتباط شمال کشور با روسیه محسوب می‌شود و ساخت سرای تجاری ایرانیان توسط اتاق بازرگانی گیلان در آستراخان نیز بر همین اساس است.



غیر مجازهای بانکی باز هم در دسر ساز شدند

می‌گویند زور بانک مرکزی به ما نمی‌رسد!! موسسات مالی غیر مجاز با شیوه های مختلف بازار غیر متشکلی پولی کشور را به هم زده اند. پرداخت تسهیلات و سودهای کلان و غیرقانونی و جذب سرمایه های مردم، ماجرای تکراری موسسات اعتباری غیرمجاز به ویژه در سالهای اخیر است. به گزارش خبرگزاری ایستا، با پر شدن فضای بانکی از موسسات غیرمجاز و شکل گیری بازار غیرمتشکل پولی با ۷۰۰۰ موسسه‌ای که نه قانون می‌شناسند و نه تعهدی به هیچ سازمانی دارند، فعالیت نافرمان آن ها عمدتاً قابل پیش‌بینی است.

جدا از اینکه چرا باید موسسات مالی و اعتباری در شرایطی که برای فعالیت کوچکترین فروشگاه در دورافتاده ترین نقطه هم مجوز وجود داشته باشد، بدون هیچ مجوزی به راحتی تاسیس و خارج از قانون هزاران میلیارد تومان از نقدینگی کشور را در اختیار بگیرند، بی توجهی سپرده گذاران به محل انتخابی برای قراردادن سرمایه های خود مورد توجه است. آنهم در شرایطی که بارها اعلام شده که بانک مرکزی به عنوان سازمان نظاره گر و متعهد در برابر فعالیت شبکه بانکی هیچ تعهدی در مقابل موسسات غیرمجاز نخواهد داشت.

این در حالی است که بعد از انحلال موسسه میزان، اخیراً مشتریان موسسه ثامن الحجج بعد از مراجعه به شعب برای دریافت پول و یا مجموع سپرده های خود با پاسخ منفی مواجه شدند و به آنها اعلام شد که منابعی برای پرداخت وجود ندارد و این روند باید تدریجی طی شود و یا اینکه سپرده گذاران حساب های خود را تمدید کرده و فعلاً از پول خود چشم پوشی کنند. چندی نگذشت که از سوی مراجع قضایی اعلام شد که شعب موسسه ثامن الحجج در استان البرز تعطیل شده است. آنهم در وضعیتی که مردم البرز بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان در شعب آن سپرده گذاری کرده بودند.



صادرات ۹ هزار و ۵۰۰ تن محصولات کشاورزی از گیلان

رئیس اداره ارزیابی کیفیت کالاهای صادراتی و وارداتی اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی گیلان گفت: طی هشت ماه گذشته، ۹ هزار و ۵۰۰ تن محصولات کشاورزی مشمول استاندارد از استان به خارج از کشور صادر شده است.

به گزارش خبرگزاری ایرنا طلایی گفت: طی این مدت ۱۹۶ فقره گواهینامه برای این مقدار کالای استاندارد شامل خرما، کشمش و چای به ارزش ۳۹۵ میلیارد ریال صادر شده است. کشورهای

صادرات این محصولات کشاورزی به مقصد روسیه، آذربایجان، اندونزی، مالزی، ازبکستان، آلمان، ترکیه، امارات عربی متحده و هندوستان انجام شده است.



استفاده از الیاف کربن در پروژه پارکینگ طبقاتی رشت

پژمان احمدی فر

در شماره اول «مجله گیلان فردا» در مورد الیاف کربن اطلاعاتی در اختیار شما خوانندگان عزیز گذاشتیم و به کاربردهای زیاد این الیاف مقاوم اما سبک در حوزه های مختلف صنعتی، پزشکی، ورزشی، عمرانی و ... اشاره کردیم. در همین رابطه در این شماره به نمونه ای از کاربرد الیاف کربن در ساخت و ساز می پردازیم. مهندس فرید فیروزی رئیس هیات مدیره شرکت مشاور آباد در این زمینه مطالبی به گیلان فردا ارائه دادند که در ادامه می خوانید:

الیاف کربن در کف سازی



بسیست درصدی می شود، البته الیاف کربن گران است، اما ارزش دارد چون در دراز مدت دوام بتن را بسیار افزایش داده و باعث جلوگیری از ترک آسفالت می شود. به عنوان مثال استفاده از الیاف کربن در آسفالت، عمر آسفالت را از دو سال به حدود ۱۰ سال افزایش می دهد. و باعث افزایش مقاومت آسفالت در برابر گرما، سرما و یخبندان می شود. عضو انجمن ایرانی مهندسی محاسب ساختمان با بیان اینکه خوشبختانه دانش فنی این تکنولوژی را در داخل کشور داریم گفت: وجود کارخانه تولید الیاف کربن نوید در استان گیلان ظرفیت بسیار خوبی است و ما امیدواریم از این پس این تکنولوژی در بخش های مختلف از جمله در پروژه های عمرانی بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. به گفته مهندس فیروزی پارکینگ طبقاتی بلوار دیلمان در زیر زمین و طبقات گنجایش ۲۸۰ اتومبیل را دارد.

مهندس فیروزی رئیس هیات مدیره شرکت مشاور آباد و عضو شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان با اشاره به اینکه پروژه پارکینگ طبقاتی در بلوار دیلمان رشت در حال اجرا است گفت: حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد این پروژه انجام شده که امیدواریم تا آخر امسال افتتاح و به بهره برداری برسد. وی که دارای مدرک مهندسی سازه از دانشگاه صنعتی شریف است با اعلام اینکه در پروژه فوق برای اولین بار در کف سازی از الیاف کربن استفاده شده است در مورد مزیت های الیاف کربن در این پروژه گفت: کف سازی با این الیاف، مقاومت کششی بتن را افزایش می دهد و در مقابل سایش هم مقاومت بتن زیادتر می شود. به عبارت دیگر در حالت عادی برای کف سازی باید حدود ۸ تا ۱۰ سانتیمتر بتن ریزی شود ولی هنگام استفاده از الیاف کربن این میزان به حدود ۴ الی ۵ سانتیمتر می رسد، و این موجب صرفه جویی



(عکس ها: شرکت مشاور آباد)

الیاف کربن یکی از مهم ترین خانواده های الیاف پیشرفته است که استحکام بسیار بالا (بین ۷ تا ۱۰ برابر فولاد ساختمانی بسته به گرید الیاف)، چگالی پایین (حدود دو سوم آلومینیوم)، رسانایی الکتریکی بسیار خوب، قابلیت بافت و تولید پارچه، ساخت کامپوزیت های سبک و مستحکم و پایداری در برابر حرارت آن را از سایر مواد مهندسی متمایز می سازد. مواد اولیه ای که در تولید الیاف کربن به کار می رود، الیاف اکریلیک ویژه (تولید شده با هدف تبدیل به الیاف کربن) است که بر اساس فناوری های پیشرفته و تجهیزات خاص تولید می شود.

۱۰ نوع کاربرد مختلف الیاف کربن در حال و آینده :

- وسایل نقلیه از جمله: هواپیماها، قطارها، اتوبوس ها
- الیاف کربن در توربین های بادی
- الیاف کربن در تقویت سازه ها
- الیاف کربن و مقاومت در برابر سایش
- صنایع دریایی و قایق های تقویت شده با الیاف کربن

- پلاستیک های رسانا و کاهش الکتریسیته ساکن
- کاربردهای صنعتی
- صنعت ساختمان و کاهش وزن سازه ها
- لوازم ورزشی با بهای باورنکردنی
- صنعت خودرو، کاهش وزن و افزایش استحکام

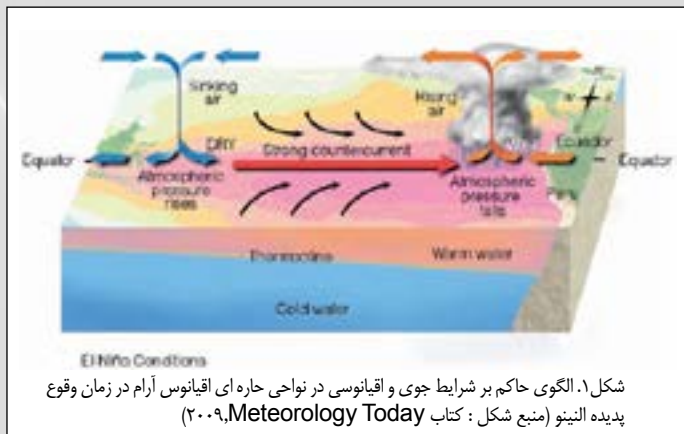


زمستان سخت خواهد بود یا نه



گیلان فردا - زمستان سختی در پیش داریم یا باید منتظر زمستانی ملایم با سرمای همیشگی باشیم؟ این روزها اختلاف نظر بین سازمان هواشناسی و وزارت نیرو باعث شده تا پدیده جو- اقیانوسی النینو سر زبان ها بیفتد. در همین رابطه نظر کارشناس هواشناسی را جویا شدم. از آقای غلامی در مورد سابقه این پدیده در دنیا پرسیدم و اینکه در چه بازه زمانی اتفاق می افتد؟ پرسیدم اگر بازه های زمانی کوتاه مثلا پنج سال است پس پدیده جدیدی نیست ولی چرا امسال این موضوع پررنگ تر جلوه داده شده؟ چرا نظر کارشناسان هواشناسی در مورد اثرات النینو با نظر مسئولان وزارت نیرو متفاوت است؟ پرسیدم آیا النینو که یک پدیده جو- اقیانوسی است می تواند روی آب های آزاد دیگر تاثیر بگذارد؟ و آیا پدیده دیگری مخالف با پدیده النینو هم وجود دارد؟ آیا تغییرات اقلیمی و زیست محیطی و گازهای گلخانه ای روی وقوع پدیده النینو اثر گذار است یا بلعکس؟ پرسیدم آیا النینو قابل پیش بینی است؟ و اگر بله بر اساس چه شاخص هایی و نظر کدام سازمان های داخلی یا بین المللی می توان در این زمینه پیش بینی کرد؟ آنچه در ادامه به نظرتان می رسد توضیحاتی است که ایشان به مجله گیلان فردا ارائه داده اند. لازم به ذکر است آقای مازیار غلامی دانشجوی دکترا و سرپرست اداره پیشبینی هواشناسی استان گیلان هستند. آنچه در این مصاحبه بیش از هر چیز نظرم را جلب کرد دقت ایشان در بیان توضیحات و تاکید بر این بود که با شنیدن هر مبحث سریع نتیجه گیری نکنم. ایشان تاکید داشتند که این موضوعات باید بر اساس سند و مدرک و آمار و منحنی ارائه داده شود و کلی گویی در این موضوعات خیلی پسندیده نیست.

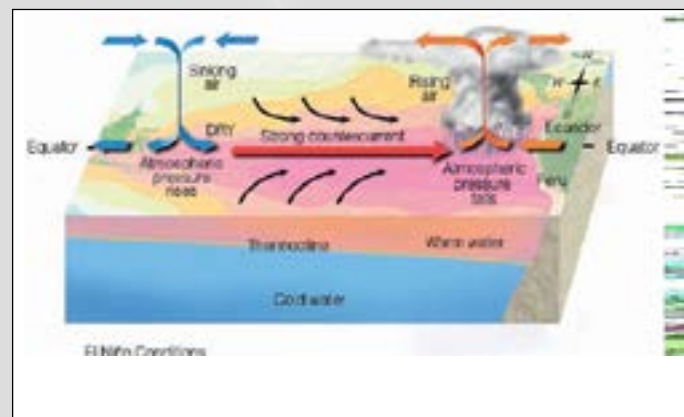
با توجه به این شرایط در نواحی شرقی بارش های سیل آسا و افزایش بارش پدیده غالب بوده در صورتی که نواحی غربی (استرالیا، اقیانوسیه، شرق آسیا) دچار کاهش بارش و خشکسالی می شوند. (شکل ۱)



پدیده النینو یک پدیده جو- اقیانوسی است که هر چند سال یک بار در نواحی استوایی اقیانوس آرام و بین بخش شرقی (سواحل آمریکای جنوبی) و بخش غربی آن (استرالیا و شرق آسیا) رخ می دهد. این پدیده به یک بی نظمی و وارونگی در الگوی جوی و دریایی بین بخش شرقی و غربی این ناحیه (نواحی استوایی اقیانوس آرام) اطلاق می شود.

بدین ترتیب که الگوی جوی و دریایی کاملا برعکس حالت معمول می شود. نام کامل آن ENSO (El Niño Southern Oscillation) یا نوسانات جنوبی النینو است که به سیکل گرم و سرد شدن دمای سطح آب و نوسانات جوی مرتبط با آن مربوط می شود. ENSO دارای سه فاز، فاز گرم (النینو)، خنثی و فاز سرد (لانینا) است.

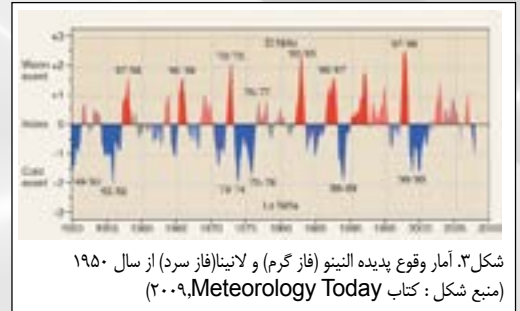
در زمان وقوع این پدیده (النینو) دمای سطح آب در بخش شرقی اقیانوس آرام (سواحل کشورهای پرو و اکوادور) به طور قابل توجه ای افزایش می یابد (برخلاف حالت معمول) و دمای سطح آب در بخش غربی کمتر از بخش شرقی می شود. این شرایط سبب می شود تا در نواحی شرقی، فشار هوا کم شده و شرایط برای شکل گیری توده هوای کم فشار مهیا شود و در نواحی غربی فشار افزایش پیدا کرده و توده هوای پرفشار شکل گیرد. با توجه به قوانین حاکم بر گردش عمومی جو، جهت وزش باد از غرب به شرق بوده و جهت جریانهای دریایی در سطح آب نیز از غرب به شرق می شود.



در حالت خنثی، الگوی حاکم برعکس حالت النینو بوده و دمای سطح آب در نواحی غربی بالاتر از نواحی شرقی است و بنابراین فشار جو در بخش غربی کمتر شده (شکل گیری کم فشار) و با توجه به بالاتر بودن فشار در بخش شرقی، شرایط برای شکل گیری بادهای شرقی (بادهای تجارتی) مهیا می شود. همچنین الگوی جریانهای دریایی نیز از شرق به غرب می شود.

در حالت فاز سرد (لانینا) که از نظر الگو شبیه به حالت خنثی است، کاهش دما در نواحی شرقی و افزایش دما در نواحی غربی بسیار شدید می باشد و بنابراین جریانهای جوی و دریایی تحت تاثیر قرار می گیرند. در زمان وقوع پدیده لانینا به دلیل الگوی حاکم بر جریانهای دریایی، در سواحل شرقی اقیانوس آرام (سواحل پرو و اکوادور) شرایط برای شکل گیری پدیده فراچاهی (upwelling) مهیا شده و سبب می شود تا مواد مغذی از کف به سطح منتقل شود و بر این اساس تجمع ماهی در سواحل زیاد شود و ماهیگیری از رونق بیشتری برخوردار باشد.

طی صد سال اخیر آمار بسیار دقیق و منظمی در خصوص پدیده النینو جمع آوری شده و تحقیقات زیادی انجام شده است. همچنین آمار و اطلاعات مشاهداتی و مستندی در خصوص این پدیده از ۲۵۰ سال قبل وجود دارد. این پدیده در ابتدا توسط ساحل نشینان و ماهیگیران پرو و اکوادور مشاهده شد. در بعضی از سالها فراوانی ماهی در سواحل پرو بیشتر بوده و ماهیگیری رونق داشته ، در بعضی از سالها (سالهای همراه با وقوع پدیده النینو) هم زمان با افزایش دمای آب فراوانی ماهی کم شده و ماهیگیران کسب و کار کمتری داشتند.



شکل ۳. آمار وقوع پدیده النینو (فاز گرم) و لانینا (فاز سرد) از سال ۱۹۵۰ (منبع شکل: کتاب Meteorology Today, ۲۰۰۹)

النینو لغتی اسپانیولی و به مفهوم پسر بچه یا پسر مسیح است. علت این نام گذاری به دلیل اعتقادات قلبی و مذهبی سکنه ساحل نشین و ماهیگیران کشور های اکوادور و پرو است. عبارت النینو در اصل به یک جریان گرم اطلاق می شود که حدوداً در زمان کریسمس به سمت جنوب در امتداد سواحل پرو و اکوادور جریان می یابد. لانینا (La Niña) یعنی دختر کوچک و بعضی مواقع یا Anti Elnino خوانده می شود.

وقوع این پدیده در گذشته های بسیار دور تقریباً بصورت تناوبی بوده اما در گذر زمان بسیار بی نظم اتفاق افتاده و عملاً قابل پیش بینی دقیق نبوده است و تنها از طریق مشاهدات و اندازه گیری های میدانی و ماهواره ای آشکارسازی و پیش بینی می شود. همچنین محققین همواره در خصوص این پدیده در حال تحقیق هستند تا راهی برای پیش بینی آن بیابند. در زمان وقوع پدیده النینو آب و هوای کل کره زمین دچار تغییراتی می شود و الگوی دما و بارش در نواحی مختلف تغییر می کند. نواحی نزدیکتر به اقیانوس آرام تأثیرات شدیدتری را می پذیرند.

زمان رخداد این پدیده و بازه زمانی آن چندان قابل پیش بینی و تعیین نیست اما تقریباً هر ۳ تا ۷ سال یک بار اتفاق می افتد و طول عمر آن نیز در سالهای مختلف، متفاوت بوده است. وقتی دمای آب در شرق اقیانوس آرام ۱ تا ۲ درجه بالاتر از نرمال باشد، معرف وقوع پدیده النینو است. در حال حاضر دمای سطح آب در این ناحیه حدود ۳ تا ۴ درجه بالاتر از نرمال است. از آنجا که النینوی امسال تقریباً قوی ترین النینویی است که از سال ۱۹۵۰ تا کنون رخ داده است بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

در خصوص وقوع پدیده النینو هیچ تفاوتی بین نظر کارشناسان هواشناسی و کارشناسان وزارت نیرو وجود ندارد. و اساساً وقوع این پدیده تنها محدود به امسال نبوده و تاکنون بارها و بارها پدیده النینو اتفاق افتاده است. همچنین النینوی فعلی نیز از ابتدای سال میلادی ۲۰۱۵ و حتی کمی قبل از آن توسط کارشناسان هواشناسی مشاهده و گزارش شده بود و اسناد و گزارشهای آن در وبسایت سازمان جهانی هواشناسی <https://www.wmo.int/pages/prog/wcp/>

(wcaspenso_updates.html) موجود است حتی در وبسایت هواشناسی گیلان در خلال پیش بینی های اقلیمی ماههای قبل به وقوع پدیده النینو اشاره شده بود. اما اختلاف بر سر اثرات این پدیده بر روی ایران است. کارشناسان هواشناسی معتقدند از آنجا که این پدیده در اقیانوس آرام رخ می دهد بطور غیر مستقیم بر آب و هوای ایران تأثیرگذار است و چون نمی تواند بصورت مستقیم بر آب و هوای ایران موثر باشد بنابراین اثرات آن کاسته می شود.

همچنین ارائه هرگونه پیش بینی (کوتاه مدت یا بلند مدت) باید براساس یکسری مستندات انجام شود و جزو وظایف سازمانهای هواشناسی در همه جای دنیا است و صرفاً وقوع پدیده النینو نمی تواند معیار تصمیم گیری در خصوص وضعیت جوی طی ماههای آینده باشد.

اصولاً در سازمانهای هواشناسی چندین نوع پیش بینی صادر می شود. و صدور هر یک از پیش بینی های زیر نیازمند ابزار و امکانات مخصوص به خود، نیروی انسانی متخصص مربوطه با گرایشهای مختلف و نیز سخت افزار و نرم افزارهای تخصصی خاص است.

پیش بینی خیلی کوتاه مدت: پیش بینی وضعیت جوی طی ۳ تا ۶ ساعت آینده.
پیش بینی کوتاه مدت: پیش بینی وضعیت جوی طی ۳ تا ۷ روز آینده.
پیش بینی میان مدت: پیش بینی وضعیت جوی ۶ تا ۱۵ روز آینده.

پیش بینی بلند مدت (فصلی): پیش بینی وضعیت جوی ۱ تا ۳ ماه آینده. در این نوع پیش بینی که به آن پیش بینی اقلیمی (یا پیش بینی فصلی) اطلاق می شود، وضعیت دما و بارش طی ۱ تا ۳ ماه آینده بصورت کلی و میانگین گیری شده و در قالب یکسری نقشه های هم مقدار بیان می شود.

هر یک از پیش بینی ها نیز با درصدی از خطا و در قالب احتمالاتی بیان می شوند. این موضوع صرفاً شامل ایران نیست و در همه جای دنیا مورد قبول و پذیرش است. اصولاً در علم هواشناسی بدلیل اینکه معادلات حاکم بر جو بسیار پیچیده و غیر خطی هستند، حل دقیق و جواب قطعی وجود ندارد و معادلات با تقریب حل می شوند و به این دلیل مقداری خطا بوجود می آید. بر این اساس پیش بینی ها با عدم قطعیت همراه است و با درصدی از احتمال بیان می شوند. این موضوع در کتاب های مرجع هواشناسی نیز ذکر شده است.

از آنجا که صحبت در خصوص وضعیت زمستان، مربوط به چند ماه آینده است، در حوزه پیش بینی اقلیمی قرار می گیرد بنابراین لازم است تا از نقشه های پیش بینی اقلیمی استفاده شود. در حال حاضر برای صدور پیش بینی های اقلیمی معمولاً از خروجی های پژوهشکده اقلیم شناسی مشهد و نیز یک مرکز اقلیم شناسی معتبر خارجی استفاده می شود. جدیدترین خروجی های این دو مرکز بیانگر آن است که متوسط بارش طی بازه آبان لغایت بهمن در حد نرمال و یا به صورت جزئی بالاتر از نرمال است و این در حالی است که میانگین دمای هوا نیز در این مدت در حد نرمال و یا بالاتر از نرمال پیش بینی شده است. هر دو مرکز در این خصوص اتفاق نظر دارند. البته همانطور که شما نیز اشاره داشتید، بالاتر بودن دما نسبت به حالت نرمال به معنی گرم بودن زمستان نیست، بلکه بیانگر این است که میانگین دما طی سه ماه بالاتر از نرمال است در عین اینکه در طول این سه ماه می تواند چندین مورد هوای سرد به منطقه نفوذ کرده و سبب

بارش باران و برف شود.

همچنین آخرین خروجی های مرکز اقلیم شناسی آمریکا (IRI) با عنوان The International Research Institute for Climate and Society نیز متوسط دمای هوا را برای بازه نوامبر ۲۰۱۵ لغایت مارس ۲۰۱۶ بالاتر از نرمال در نظر گرفته است.

از سوی دیگر، خروجی مربوط به مقدار بارش نیز بیانگر آن است که بارش در سطح کشور طی بازه نوامبر ۲۰۱۵ لغایت مارس ۲۰۱۶ در حد نرمال و در بعضی نواحی از جمله نواحی غربی و شمال شرقی کشور بالاتر از نرمال پیش بینی شده است.

بر این اساس، سرما و بارش زمستان امسال در حد معمول بوده و فعلاً برآوردی از شرایط خاص و یا زمستان بسیار سخت وجود ندارد.

در اینجا باید بر این موضوع اذعان کرد که بدلیل ماهیت جو که دائماً در حال تغییر و تحول است و رفتاری کاملاً بی نظم و غیرخطی دارد، پیش بینی های اقلیمی با درصدی از احتمال بیان می شوند و این خروجی ها همراه به روزرسانی می شوند و لازم است توسط کاربران پیگیری شوند. همچنین لازم است بر این نکته تأکید شود که تعبیر زمستان سخت و اطلاق آن به پیش بینی بارش برف سنگین کاملاً غلط بوده و اصولاً پیش بینی بارش برف سنگین در حوضه پیش بینی اقلیمی نمی گنجد بلکه پیش بینی آن تنها با ابزارو امکانات مربوط به پیش بینی کوتاه مدت (۳ تا ۷ روز) امکان پذیر است.

خوشبختانه در حال حاضر و با امکانات موجود، پیش بینی بارش های سنگین (باران یا برف) و انواع پدیده های هواشناسی با دقت مطلوب امکان پذیر است و اصلاً جای نگرانی وجود ندارد. کمالاتی که در حال حاضر این کار انجام می شود و روزانه چندین نوبت از طریق صداوسیما اطلاع رسانی می شود.

مستندات مربوط به پدیده النینو از طریق سازمان های بین المللی معتبر نظیر سازمان جهانی هواشناسی، اداره ملی جوی و اقیانوسی آمریکا یا مخفف NOAA (National Ocean and Atmosphere Administration) و نیز مراکز ملی آب و هواشناسی دنیا منتشر می شود.

به طور کلی اثرات پدیده النینو در نواحی حاره ای به صورت سیل در نواحی آمریکای جنوبی و آمریکای شمالی، خشکسالی در شرق آسیا و اقیانوسیه و استرالیا و افزایش دما در این نواحی و نیز کاهش بارش نواحی اقیانوس هند و تضعیف مانسون هند است. از آنجا که ایران با نواحی حاره ای اقیانوس آرام فاصله زیادی دارد به طور غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می گیرد. محققین مختلف در نقاط مختلف دنیا از جمله ایران در حال مطالعه بر روی اثرات این پدیده بر روی آب و هوای نواحی خود هستند. پژوهشهای مختلف کارشناسی ارشد و دکتری در این خصوص تعریف می شود.

در مقاله ای که توسط آقای کلاوس آریه از موسسه ماکس پلانک در سال ۲۰۱۲ در مجله Hydrology and Earth System Sciences. Vol ۱۶ به چاپ رسید، ایشان اثبات کردند که در زمان وقوع پدیده النینو، بارش در حوضه آبریز رودخانه ولگا افزایش پیدا کرده و سبب می شود تا دبی آب این رودخانه افزایش یابد و سبب افزایش تراز آب دریای خزر می شود.

نقش سرمایه‌های اجتماعی در بهبود کارآفرینی

دکتر مسعود اصفهانی

هزاره سوم میلادی عصر دانایی و خلاقیت است. در این عصر اقتصاد صنعتی به اقتصاد دانش بنیان تبدیل شده و یا می‌شود. کشور ما نیز همسو با تحولات جهانی، چشم اندازی را در افق بیست ساله کشور برگزیده است تا بتواند در بیست سال آینده به کشوری توسعه یافته و براساس رویکرد توسعه دانایی محور، به جامعه‌ای دانش بنیان تبدیل شود. تردیدی نیست که وجود جمعیت تحصیل کرده و ماهری که به خوبی بتواند دانش را خلق و آن را به کار گیرد و ارزش افزوده تولید کند از الزامات اقتصاد دانش بنیان است و سرمایه‌ای است که بدون آن اقتصاد دانش بنیان ناموفق و ناپایدار خواهد بود. بنابراین در برهه کنونی نیاز به تربیت "کارآفرینان دانش بنیان" ضرورت دارد.



کارآفرینان و کاهش بیکاری

کارآفرینان افرادی هستند که باعث پیدایش نوآوری در زمینه فناوری، تجارت، فرهنگ و اقتصاد می‌شوند. به عبارت دیگر، این افراد همیشه به دنبال روش‌های تازه برای تولید یا ارائه خدمت به جامعه هستند. بیره نیست اگر گمان کنیم نخبگان علمی کشور در ایجاد «کارآفرینی دانش بنیان» باید نقش اساسی را به عهده داشته باشند.

کارآفرینی برخلاف صورت ظاهری آن، تنها به معنی ایجاد کار نیست. این موضوع در جامعه و حتی

در میان تحصیل‌کردگان ما نیز بصورت اشتباه و به معنای «ایجاد کار» متداول شده است؛ در حالی که ایجاد کار و شغل ممکن است یکی از نتایج کارآفرینی باشد. تا به حال معادل

فارسی دقیقی برای عبارت انگلیسی Entrepreneurship ابداع نشده است، گرچه بعضی آن را معادل «ارزش‌آفرینی»

می‌دانند. واژه کارآفرین در حدود ۱۴۷۵ میلادی از واژه

فرانسوی Entreprenre به معنی «متعهد شدن و مسؤولیت پذیری» گرفته شده است. در قرون وسطی شخصی

که مسؤولیت پروژه‌های تولید انبوه را به عهده می‌گرفت، کارآفرین نامیده می‌شد. تعاریف جدیدتر، کارآفرینی را فرایند

آفرینش اثری جدید و با ارزش می‌داند که با صرف زمان و کوشش لازم و پذیرش ریسک‌های توأم مالی، روانی و اجتماعی

و دریافت پاداش‌های مالی و رضایت شخصی و استقلال، عجین است.

نقش شایسته کارآفرینی و تأثیر آن در رشد و توسعه اقتصادی، استقرار و توسعه عدالت اجتماعی و افزایش امید به زندگی و

سایر آرمان‌های اجتماعی به ویژه اقتصاد مقاومتی بر کسی پوشیده نیست. نخبگان علمی کشور ویژگی‌های روان شناختی

کارآفرینی را تا حد قابل قبولی دارا هستند که این موضوع می‌تواند به عنوان فرصتی استثنایی برای تصمیم‌گیران و

برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی به منظور بهره‌برداری برای رشد و توسعه کارآفرینی دانش بنیان در کشور مورد استفاده

قرار گیرد. وجود ویژگی‌ها و گرایش‌های کارآفرینی در میان افراد جامعه باعث می‌شود که اقتصاد آن جامعه رشد و توسعه

بیشتری داشته باشد. با این وجود علاوه بر ویژگی‌های روان شناختی، به نظر می‌رسد که مجموعه آموزش‌ها و مهارت‌افزایی

در زمینه کارآفرینی نیز مورد نیاز است.

توجه به مفهوم کارآفرینی و اقتصاد دانش بنیان

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است. بعد از انقلاب صنعتی، جهان وارد عصر اطلاعات شده است و این مهم‌ترین تحول اقتصادی اخیر محسوب می‌شود. با آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی، جهان به روشنی دریافت که نوع جدیدی از اقتصاد در حال ظهور است که مبنای متفاوتی برای توسعه اقتصادی کشورها ارائه می‌کند. این اقتصاد جدید که در واقع اقتصاد دانش بنیان است، نتیجه تعامل جهانی شدن توسعه و تحول دانش است. در این اقتصاد، کلید ایجاد ثروت، انباشت و به کارگیری دانش در فعالیت‌ها و جهانی شدن اقتصاد است. در گذشته مهم‌ترین عامل توسعه سرمایه بود و این اعتقاد وجود داشت که متفاوت بودن توسعه یافت‌یغ به توسعه دست یابند. طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، اهمیت سرمایه‌های فیزیکی و زیرساخت‌های فناورانه گی کشورها ناشی از تفاوت منابع سرمایه‌ای آنهاست و انتظار می‌رفت که کشورهای فقیرتر با تقویت این منافع مانند مخابرات و نیروگاه‌ها مورد تأکید قرار گرفت. پس از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سرمایه انسانی در اولویت قرار گرفت و «انقلاب اقتصاد دانش بنیان» بر اهمیت نقش محوری نیروی متخصص، خلاق، مولد و کارآفرین افزود. با این تغییرات، تنها راه توسعه، دیگر گذار از دوره کشاورزی به صنعتی نیست و این امکان وجود دارد که کشورهای در حال توسعه با درک میانی و ساز و کارهای اقتصاد دانش بنیان بدون نیاز به پشت سر گذاشتن مراحل سنتی، توسعه و الزام به پیمودن فرایند زمان‌بر و پرهزینه تغییرات از اقتصاد کشاورزی به صنعتی و سرانجام به اقتصاد دانش بنیان، به یک راه میانبر برای پیشرفت و استقلال دست یابند. در برنامه چهارم توسعه کشور و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، دوره اقتصادی جدید یعنی اقتصاد دانش بنیان مورد توجه قرار گرفته است. تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر «اقتصاد مقاومتی» و تأکید بی‌سابقه ایشان به ویژه به نخبگان، با رویکرد توجه به تولید دانش بنیان و فاصله گرفتن از خام‌فروشی و تکمیل حلقه‌های ایجاد ارزش افزوده بیشتر از منابع اولیه در کشور، گواه مهمی بر درک این موقعیت ویژه برای توسعه کشور و نقش ویژه نخبگان در مدیریت این تحول است. تردیدی نیست که وجود جمعیت تحصیل کرده و ماهری که به خوبی بتواند دانش را خلق و آن را به کار گیرد و ارزش افزوده تولید کند از الزامات اقتصاد دانش بنیان است و سرمایه‌ای است که بدون آن اقتصاد دانش بنیان ناموفق و ناپایدار خواهد بود. پس در این برهه نیاز به تربیت "کارآفرینان دانش بنیان" یک ضرورت محسوب می‌شود.



توجه به کارآفرینی در کشور

طی چند سال اخیر توجه خاصی به مفهوم کارآفرینی در کشورمان شده است. در کشورهای توسعه یافته این مفهوم بسیار محترم و مقبول است، به طوری که آرزوی هر جوان و فرد جستجوگر، یافتن فرصت تبدیل رویاهای خویش به کسب و کار، تولید و ارائه محصول و خدمات و سرانجام تبدیل شدن به یک قهرمان کسب و کار در صحنه اجتماعی است.

شرایط لازم برای کار آفرینی

یکی از الزامات اساسی اقتصاد دانش بنیان وجود محیطی مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی است که سبب تشویق و رشد سرمایه گذاری، تعامل با اقتصاد جهانی و گسترش زمینه رقابت در اقتصاد می‌شود. با توجه به ناهمگره‌های مربوط به محیط اقتصادی-تجاری برای حرکت به سوی اقتصاد دانش بنیان می‌توان گفت که فاصله ایران با دیگر کشورهای در حال توسعه در زمینه ایجاد محیط مناسب اقتصادی-تجاری و استفاده از مزایای آن نسبتاً زیاد بوده و در این مسیر کشور را با موانعی مواجه می‌کند. بنابراین یکی از چالش‌های حرکت به سوی اقتصاد دانش بنیان، تامین ساختارهای مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی - تجاری است. فراهم آوردن سازوکارها و یا ساختارهایی که قدرت ریسک پذیری نخبگان را افزایش دهد، از راه حل‌های بالقوه موثر برای استفاده از توان نخبگان در کار آفرینی دانش بنیان است. در کشور ما این مفهوم باید ابتدا در سطح نخبگان علمی ترویج شود و سپس طی یک برنامه منظم در قالب یک استراتژی جامع، نسبت به عمق بخشیدن به سیاست‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی در سطح دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی اقدام شود و در سطح جامعه نیز قهرمانان شایسته کسب و کار که همواره پیشگامان و نوآوران خدمات در کشور هستند، به جامعه معرفی شوند.

متولی توسعه کار آفرینی

به طور اخص در مورد توسعه توان کار آفرینی نخبگان علمی کشور، آموزش توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه اندازی کسب و کار و تقویت ساختارهای دانایی محور در تولید علم و فناوری، دو راهکار عمده به نظر می‌رسند. در حال حاضر، مراکز رشد دانشگاهی، پارک‌های علم و فناوری، شهرک‌های تحقیقاتی، در صدد هستند که از کار آفرینی و کاربردی کردن ایده‌های جدید حمایت کنند، اما طراحی و ارائه دروس کار آفرینی و تأسیس نهادهای مختلف در آموزش و حمایت از کار آفرینی، به ویژه از دوران نوجوانی نیز نقش زیربنایی در نهادینه شدن کار آفرینی دارد. آموزش در مورد خلاقیت، نوآوری، تدوین طرح کسب و کار، تدوین استراتژی بازاریابی، متناسب بودن دروس و برنامه‌های آموزشی رشته تحصیلی با نیازهای بازار کار و جامعه، ارتقای توانمندی‌ها و قابلیت‌های دانش‌آموختگان، فراهم آوردن شرایط لازم برای کار آفرینی و خوداشتغالی دانش‌آموختگان، ارائه دانش فنی لازم جهت طراحی و ساخت کالا، طراحی و احداث واحد تولید، دسترسی دانشجویان به استادان مشاور در انتخاب دروس و آگاهی از آخرین نیازها و وضعیت بازار کار، ایجاد ارتباط بین دانش‌آموختگان قدیم و جدید با دعوت برای سخنرانی و بحث و گفت و گو جهت بهره‌مند شدن از تجارب آنان، ارائه دروسی در زمینه راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای کوچک، بازاریابی، امور مالی و بازرگانی، انجام دادن پروژه‌های تحقیقاتی در مورد ایجاد کسب و کارهای جدید و مرتبط با رشته تخصصی خود، تسهیل آشنایی و ارتباط با سازمان‌های تخصصی در زمینه دستیابی به سرمایه و مشاوره‌های مدیریتی، حقوقی، مالی، بانکی، بیمه، مالیاتی، ترغیب و بالا بردن توان ارزش آفرینی آنان بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.



نخبه کیست؟

نخبه و نخبگی با توجه به تعریف بنیاد ملی نخبگان عبارت است از حد اعلا و اوج تکامل یافتگی یک فرد صاحب استعداد برتر خدادادی که توانایی به کارگیری این موهبت الهی را در خدمت به جامعه خود کسب کرده است. طبق تعریف مطرح در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» و «برنامه راهبردی بنیاد ملی نخبگان»، «نخبه» فردی برجسته و کارآمد با اثرگذاری بارز در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی است که لازم است این ویژگی‌ها را داشته باشد. از جمله: بهره‌مندی از هوش، خلاقیت، انگیزه ذاتی- واجد خبرگی و تخصص در حوزه‌های خاص- دارای اثرگذاری بی‌بدیل یا کم‌بديل در اجتماع تخصصی خود و در چارچوب گفتمان نظام اسلامی.

نخبگی و استعداد

«صاحب استعداد برتر» مستعد نخبگی هست، ولی هنوز به آن شرایط دست نیافته و مستلزم فرایند هدایت و توانمندسازی برای کسب خبرگی و نهایتاً اثرگذاری بر محیط است. به همین نسبت گروه نخبگان و گروه استعداد برتر نیز تعریف شده‌اند که منبعث از توجه اسناد یاد شده به فعالیت‌های گروهی به جای تأکید بر فعالیت‌های فردی است. فعالیت‌های فردی یا گروهی صاحبان استعداد برتر و نخبگان، فعالیتی آگاهانه، خلاقانه و نوآورانه با اثرگذاری محسوس بر پیشرفت کشور در حوزه‌های مختلف از قبیل: علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت با تأکید بر شناخت مسائل و مشکلات کشور است.

شرایط عضویت در بنیاد نخبگان

- اعضای بنیاد باید صاحب رتبه‌هایی باشند از جمله:
- الف. کسب رتبه برتر در المپیادهای دانش‌آموزی ملی و جهانی
 - ب. کسب رتبه برتر در آزمون‌های سراسری ورود به دانشگاه‌های کشور
 - ج. کسب رتبه برتر در المپیادهای ملی دانشجویی
 - د. کسب رتبه برتر در آزمون‌های سراسری علوم پزشکی کشور اعم از آزمون‌های جامع، پیش‌کارورزی، دستیاری در رشته‌های پزشکی، دندان‌پزشکی و داروسازی و دستیاری فوق تخصصی پزشکی
 - ه. کسب عنوان دانشجوی ممتاز دانشگاه‌ها
 - و. کسب عنوان دانشجوی نمونه کشوری
 - ز. برگزیده شدن در جشنواره‌های علمی، پژوهشی، فناوریانه مورد تأیید بنیاد
 - ح. برگزیده شدن در مسابقات قرآنی مورد تأیید بنیاد
 - ط. فعالیت‌های هنری یا ادبی برجسته
 - ی. برگزیده شدن در مسابقه‌های ملی و جهانی مهارت
 - ک. ثبت اختراع برگزیده

شکل‌گیری بنیاد ملی نخبگان

در دیدارهای سالانه‌ای که نخبگان دانشگاهی و حوزوی با مقام معظم رهبری داشتند و به طرح موضوعات و مسائل خاص این قشر می‌پرداختند، ایشان بارها بر ضرورت تشکیل یک نهاد فراسازمانی مستقل از وزارتخانه‌های فعلی تأکید داشتند و توجه به امور این قشر را فراتر از ظرفیت‌های دستگاه‌های اجرایی کشور می‌دیدند. بنا بر همین نیاز، ضمن مامور شدن عده‌ای برای تدوین سند راهبردی کشور در امور نخبگان، تشکیلاتی در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری با نام «بنیاد ملی نخبگان» تأسیس شد تا شناسایی نخبگان و تولید امور نخبگانی را ساماندهی کند. بدنبال آن دفاتر استانی بنیاد نخبگان که بعدها به «بنیاد نخبگان استانی» تغییر نام داد، تأسیس شدند و متعاقب آن بنیاد نخبگان استان گیلان نیز در سال ۱۳۸۹ در مرکز استان تأسیس شد.



وظایف بنیاد نخبگان استان

بنیادهای نخبگان استانی وظیفه شناسایی صاحبان استعدادهای برتر، سرآمدان و نخبگان و همچنین ساماندهی امور نخبگان استان در رده‌های مختلف دانش آموزی، دانشجویی، استادان دانشگاه‌ها، مخترعان و برگزیدگان جشنواره‌های رسمی کشور (خوارزمی، شیخ بهایی، فارابی و علامه طباطبائی)، مسابقات ملی و بین‌المللی مهارت و مسابقات بین‌المللی قرآنی را بر عهده دارند. در اولین گام، احراز نخبگی به صورت شناسایی از سوی بنیادهای استانی در دستور کار آنها قرار داشته و این شیوه بر خوداظهاری فردی ترجیح داده می‌شود. شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات سرآمدان و صاحبان استعدادها برتر در سطوح دبستان و دبیرستان از طریق ارتباط با دفتر استعدادهای درخشان اداره کل آموزش و پرورش استان، شناسایی برگزیدگان المپیادهای دانش آموزی و رتبه‌های برتر آزمون سراسری دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد. یکی از فراگیرترین روش‌های شناسایی استعدادها برتر دانش آموزی، از طریق اجرای «طرح شهاب» (شناسایی و هدایت استعدادها برتر) است که براساس قرارداد ملی بین نخبگان و وزارت آموزش و پرورش از سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ در کلیه استان‌های کشور به اجرا گذاشته شده و وظیفه نظارت بر اجرای آن به بنیادهای استانی محول شده است. این طرح به سفارش بنیاد ملی نخبگان و بودجه بنیاد از مقطع چهارم ابتدایی در یکی از مناطق آموزش و پرورش هر استان به اجرا گذاشته شده و هدف آن شناسایی انواع استعدادهای مختلف (درسی، کلامی، حرکتی، قرآنی و هنری) دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی است که در سال‌های بعدی و پایه‌های تحصیلی بعدی تا انتهای دوره دبیرستان ادامه دارد. بدیهی است که همزمان با شناسایی تدریجی استعدادهای برتر، برنامه‌ریزی برای «هدایت و توانمند سازی» آنها از طریق اجرای برنامه‌هایی چون مشارکت در برگزاری کلاس‌های آمادگی المپیادهای دانش آموزی، اجرای طرح «دوست علمی»، شرکت دانش‌آموزان در جلسات هم‌اندیشی با نخبگان، اردوهای علمی و کارگاه‌های آموزشی ایده‌یابی و کسب و کار و برگزاری جلسات مشاوره به اجرا گذاشته خواهد شد. شناسایی استعدادهای برتر دانشجویی، استادان دانشگاه‌ها، برگزیدگان مسابقات ملی و جهانی مهارت، قرآنی و هنری بر اساس آیین‌نامه‌های خاصی که توسط بنیاد تدوین شده

است، صورت گرفته و پس از آن حمایت‌های مادی و معنوی از برگزیدگان بعمل آورده می‌شود. البته کلیه آیین‌نامه‌های حمایتی بنیاد در سال گذشته مورد اصلاح و بازبینی اساسی قرار گرفته و رویکرد آنها از کمک مالی مستقیم به برگزیدگان (مقرری) به حمایت مالی در جهت ارتقای سطح آموزش، پژوهش و فناوری افراد برگزیده تغییر یافته است. این تغییر بر اساس تغییر رویکرد بنیاد از شیوه «حمایت از فرد» به «حمایت از فعالیت فرد» صورت گرفته است. ادامه حمایت‌های بنیاد از استعدادهای برتر نیز منوط به حفظ، تداوم و پویایی فعالیت‌های افراد تحت پوشش بوده و بدیهی است که در صورت عدم استمرار فعالیت نخبگانی، حمایت‌های به عمل آمده نیز از فرد سلب خواهد شد. به همین دلیل «عضویت در بنیاد نخبگان» موضوعیت ندارد. به علاوه به لحاظ تعابیر مختلف و متنوعی که از واژه «نخبه» در افواه عمومی در جامعه وجود دارد، در بنیاد به جای واژه نخبه از واژه «استعداد برتر» استفاده می‌شود، زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نخبگی حد اعلا و تکامل یافته یک استعداد برتر است که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذار است. یکی دیگر از وظایف بنیاد، برگزاری جشنواره‌های منطقه‌ای اختراعات است که در طول سال به تعداد هشت جشنواره به میزبانی یک استان و مشارکت چند استان همجوار برگزار می‌شود. در این جشنواره‌ها مخترعان پس از ثبت اختراع خود در اداره ثبت اختراعات سازمان ثبت اسناد و املاک، می‌توانند آن را به شرط داوری اولیه در جشنواره‌های مختلف بنیاد ارائه کنند. اختراعات ارائه شده در زمینه‌های مختلف کامپیوتر، برق و الکترونیک، پزشکی، کشاورزی، شیمی، عمران و ... بوده و پس از داوری دقیق، تعدادی از آنها برگزیده و حائز شرایط حمایت‌های بنیاد می‌شوند. در این جشنواره‌ها علاوه بر مخترعان جدید، شرکت‌های دانش‌بنیان، برگزیدگان جشنواره‌های اختراعات قبلی، پارک‌های علم و فناوری، چندها دانشگاهی و دانشگاه‌ها نیز برای شرکت دعوت می‌شوند و ضمن ایجاد بخش ویژه تجاری سازی و با دعوت گسترده از صاحبان حرف و صنایع و علاقمندان به خرید و یا سرمایه‌گذاری در اختراعات، تلاش می‌شود زمینه تجاری سازی اختراعات جدید و قبلی فراهم شود.

حمایت از نخبگان

شیوه حمایت بنیاد از اختراعات نیز از سال گذشته اصلاح شده و سعی بر این است که به جای پرداخت جوایز مستقیم نقدی، اعتبارات لازم برای تجاری سازی آنها از طریق اعطای تسهیلات آسان و کم بهره از سوی «صندوق نوآوری و شکوفایی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری» تامین شود. ترجیح به واگذاری برگزاری این جشنواره‌های اختراعات که با عنوان «جشنواره‌های رویش» نامیده می‌شوند، به سایر دستگاه‌ها و سازمان‌ها و پرهیز از تصدی‌گری توسط بنیادهای استانی نیز در دستور کار بنیاد قرار دارد.

بدنبال شناسایی استعدادهای برتر (که البته فعالیتی مستمر و ادامه‌دار است)، توانمند سازی آنها در دستور کار بنیاد نخبگان قرار دارد. این کار از طریق ایجاد تعامل با کلیه سازمان‌ها و نهادهای اجرایی سطح استان و با حداقل تصدی‌گری توسط بنیاد انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر بنیادهای استانی وظیفه هماهنگ سازی و هم‌افزایی بین دستگاه‌های اجرایی را بر عهده داشته و به همین لحاظ با حداقل تعداد کارکنان و حداقل بودجه (و البته حداکثر بهره‌وری) در استان‌ها فعالیت می‌نمایند. به تعبیر ریاست محترم بنیاد ملی نخبگان (جناب آقای دکتر ستاری) بنیاد باید به جای پارو زنی، نقش سکنداری را ایفا کند.

فعالیت‌های جنبی بنیاد

سایر فعالیت‌های مرتبط با توانمند سازی استعدادهای برتر و نخبگان عبارتند از: برگزاری جلسات هم‌اندیشی با نخبگان (با هدف ایجاد هم‌افزایی بین نخبگان و مسئولان و سازمان‌های اجرایی و سیاستگذار به منظور استفاده از ظرفیت‌های فکری و عملی نخبگان در یافتن راه‌های حل علمی مشکلات جامعه)، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مرتبط با تجاری سازی و کسب و کار (شامل ایده‌یابی، قوانین و مقررات ثبت شرکت و شرکت‌های دانش‌بنیان، فنون مذاکره، مقررات و مسائل حقوقی و ...)، برگزاری بازدیدهای علمی و ارائه مشاوره‌های تخصصی برای افراد تحت پوشش. موضوعات مهم دیگری که در سال جاری در دستور کار بنیاد قرار گرفته، الگو سازی و تکریم از نخبگان، سرآمدان، فرهیختگان و مشاهیر است. به علاوه تلاش بر استفاده از ظرفیت‌های استانی خیران و واقفان در حمایت از استعدادهای برتر و نخبگان، تلاش برای ایجاد ارتباط با سرآمدان و نخبگان استانی مقیم در خارج از استان و یا خارج از کشور به منظور بهره‌رسانی آنها به استان خود نیز مورد توجه بنیاد قرار دارند.

فعالیت‌های بنیاد نخبگان استان گیلان

اهم فعالیت‌های انجام شده و یا در دست اجرای بنیاد نخبگان استان گیلان عبارت بوده است از برگزاری دومین جشنواره اختراعات با عنوان «جشنواره اختراعات کوهساران» در پاییز سال گذشته به میزبانی استان گیلان و با مشارکت استان‌های البرز، اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان و قزوین که یکی از بزرگترین و در عین حال مهم‌ترین فعالیت‌های بنیاد نخبگان استان گیلان بود. این جشنواره با یکصد و پنجاه اختراع (جدید) همراه با تعداد زیادی اختراع قبلی در بخش تجاری سازی و حدود دویست شرکت کننده به مدت سه روز در رشت برگزار شد. در طول این مدت علاوه بر بازدید کنندگان علاقمند، طبق دعوت قبلی به عمل آمده، افراد و گروه‌های سرمایه‌گذاری نیز از اختراعات عرضه شده در جشنواره بازدید کرده و تعدادی از مخترعان نیز موفق به عقد قرار داد فروش محصول و خدمات خود شدند.

فعالیت بزرگ و مهم دیگر بنیاد نخبگان استان گیلان، اجرای موفقیت‌آمیز مرحله اول طرح شهاب با همکاری اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان در سطح یکی از مناطق آموزش و پرورش استان بود که در سال جاری نیز ادامه دارد. برگزاری تعدادی کارگاه آموزشی مرتبط با کسب و کار، بازدیدهای علمی از مراکز مهم پژوهشی و تولیدی داخل و خارج استان، برگزاری جلسات هم‌اندیشی با نخبگان، شرکت و برپایی غرفه در جشنواره‌های استانی و کشوری، معرفی اعضا و تشکیل شورای علمی بنیاد استان و تامین مقدمات تشکیل کارگروه‌های تخصصی، نمایندگی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در استان، همکاری با ستاد توسعه فناوری و صنایع دانش‌بنیان دریایی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و مشارکت در برگزاری مسابقه «دریا مسیر پیشرفت»، در کنار فعالیت‌های اداری و سازمانی در ارائه خدمات به افراد تحت پوشش از فعالیت‌های سال گذشته و در دست اجرای بنیاد استان هستند. اضافه می‌شود که با توجه به موقعیت بی‌نظیر استان گیلان در همجواری با دریای خزر، ستاد توسعه فناوری و صنایع دانش‌بنیان دریایی حمایت‌های ویژه‌ای از طرح‌های کلان مربوط به بهره‌برداری از ظرفیت‌های دریا در انواع زمینه‌های گردشگری، شیلات، حمل و نقل دریایی و بندار، نفت و انرژی، کشتی‌سازی، سازه‌های آبی و دریایی و به عمل می‌آورند که بنیاد نخبگان استان گیلان مسئولیت پیگیری امور مرتبط را برعهده دارد.

و سخن پایانی

در پایان مایل هستم به این نکته اشاره کنم که صاحبان استعداد برتر، سرمایه‌های فکری اجتماع هستند که در صورت پرورش و اثر گذاری در جامعه خود، به مقام نخبگی نائل می‌شوند و از آن به بعد است که رسالت و مسئولیت آنها بیشتر می‌شود. در واقع نخبگان به کشوری که به آنها امکان بالندگی و ظهور و نمود اعطا کرده، مدیون هستند و باید بیش از آنکه متوقع باشند، مسئولیت‌پذیر باشند. معمول است که افراد ورزیده‌تر به مأموریت‌های دشوارتر گمارده می‌شوند، نخبگان نیز با اتکال به موهبت الهی هوش و استعداد، دارای ورزیدگی فکری برتری هستند که مسئول اجرای امور فراتر از ظرفیت انسان‌های عادی هستند. همانند فراخی و گستردگی روزی که انفاق را ایجاب می‌کند، انفاق رزق الهی نخبگی نیز با اثرگذار بودن نخبه در اجتماع خود تحقق خواهد یافت.

عضو هیات علمی دانشگاه گیلان و رئیس بنیاد نخبگان استان

ضرورت توجه به نقش موثر فناوری در اقتصاد



می‌کنند، از دیگر ارکان فن بازار برشمرده و گفت: همچنین رکن دیگر، سرمایه‌گذاران هستند که در قالب موسسات تأمین منابع مالی، صندوق‌ها و بانک‌ها در ساختار نمایشگاه و فن بازار تعریف می‌شوند.

ممیزی دستاوردهای پژوهشی مطابق استاندارد بین‌المللی

دکتر متقی طلب با اشاره به سطوح مورد نظر اضافه کرد: سطح اول دستاوردهای در حد مطالعات و ایده‌های اولیه است، سطح دوم محصول اولیه و نیازمند اخذ استانداردها و گواهی‌نامه‌ها و در نهایت سطح سوم محصول آماده ارائه به بازار و تجاری‌سازی هستند. تمام سوال‌هایی که از صاحبان فناوری‌ها پرسیده می‌شود بر مبنای استانداردهای بین‌المللی است. و این روش باعث می‌شود تا صاحب ایده، طرح و فناوری در مراکز داخلی و بین‌المللی بتوانند ادعا کنند که کار او مطابق استاندارد بین‌المللی ممیزی شده و قابل بررسی و دفاع است.

برنامه‌های متنوع

وی افزود در فن بازار امسال برنامه‌های متنوعی از جمله برگزاری کارگاه‌های آموزشی مرتبط و جلسات میزگرد مشترک متشکل از واحدهای صنعتی، فناوران، تأمین‌کنندگان منابع مالی و کارگزاران حوزه فناوری و... پیش‌بینی شده است و پایگاه الکترونیکی فن بازار فعال و اطلاعات و کاربرگ‌های مورد نیاز در سایت پایگاه مذکور در دسترس است.

www.techtrade-msrtir

استقبال خوب مراکز علمی، پژوهشی و فناوری

وی در ادامه اظهار داشت: تا کنون دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و مراکز رشد زیادی برای شرکت در نمایشگاه ثبت نام کرده، در طی این مدت جلسات متعددی نیز با حضور معاون محترم پژوهش فناوری و مدیران ذیربط در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار و تلاش شد تا روسا و معاونین پژوهشی دانشگاه‌های سراسر کشور در جریان رویکرد جدید قرار گیرند. در عین حال هماهنگی‌هایی نیز با صندوق پژوهشگران و فناوران، صندوق نوآوری و شکوفایی و هم‌چنین با تعدادی از موسسات تأمین مالی به عمل آمد تا از کمک‌های آن‌ها در تجاری‌سازی فناوری استفاده شود. وی در ادامه اظهار داشت: دبیرخانه شانزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری و فن بازار کشور در پارک علم و فناوری گیلان مستقر بوده و همکاران ما به جد تلاش می‌کنند تا سازماندهی و اجرای کار با کیفیت بالا انجام شود و امیدواریم با همت آنها و همکاری و مساعدت وزارت علوم این نمایشگاه به یک کار ماندگار و اصولی در حوزه تجاری‌سازی علم و فناوری تبدیل شود.

حضور پارک‌های علم و فناوری کشورهای اسلامی

دبیر شبکه پارک‌های علم و فناوری کشورهای اسلامی در پایان به برگزاری دومین نشست مجمع عمومی کشورهای عضو این شبکه اشاره کرد و گفت: تا امروز ۱۰ کشور برای حضور در این نشست اعلام آمادگی کردند که امیدواریم امسال به ۱۵ کشور برسد، طبق برنامه ریزی‌هایی که انجام گرفته این مهمانان یک روز قبل از اتمام شانزدهمین نمایشگاه هفته پژوهش در تهران حضور می‌یابند، تا ضمن بازدید از نمایشگاه در مراسم اختتامیه نیز حضور داشته باشند. پس از آن مهمانان در رشت حضور خواهند یافت تا در کارگاه آموزشی که با همکاری بانک توسعه اسلامی برگزار می‌شود و همچنین در دومین نشست مجمع عمومی کشورهای اسلامی عضو شبکه پارک‌های علم و فناوری که در رشت برگزار می‌شود شرکت کنند.

پژوهشگران و دانشگاه‌ها و فراهم کردن زمینه انتقال و انتشار دانش و فناوری از اهداف نمایشگاه هفته پژوهش و فناوری است و در زمینه انتقال همکاری در فن بازار امسال شاهد حضور استارت‌آپ‌های همکار صنایع بزرگ اروپایی نیز خواهیم بود که از طریق رابطان با این شرکت‌ها، فراهم و در حال انجام فرایندهای قانونی آن هستند. ویژگی مهم دیگر حضور دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری از کشورهای دیگر است که می‌توان از آن به عنوان یک فرصت مناسب برای برقراری ارتباط بین دانشجویان داخل و شاغل به تحصیل در خارج استفاده کرد.

اعلام نیازهای پژوهشی

وی افزود: از دیگر ویژگی‌های برنامه هفته پژوهش و فناوری امسال، ادغام برنامه برگزاری هفته پژوهش و فناوری چند دستگاه اجرایی بزرگ از جمله وزارت صنعت و معدن با وزارت علوم است که در همین راستا وزارت صنعت، معدن و تجارت زمینه حضور بخش‌های تحقیق و توسعه صنایع و کارخانه‌های بزرگ را در نمایشگاه هفته پژوهش فراهم و نیازهای پژوهشی زیر مجموعه



خود را نیز به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی معرفی خواهد کرد. دبیر شانزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری گفت: با توجه به همزمانی این نمایشگاه با نمایشگاه صنایع کامپیوتر و الکترونیک-الکامپ- مقرر شد سالن ویژه ای با حضور شرکت‌های فعال شرکت کننده در نمایشگاه الکامپ و دانشگاه‌های فعال در حوزه فناوری اطلاعات تشکیل و زمینه معرفی پژوهش‌های دانشگاه‌ها در این حوزه فراهم شود.

عقد بیش از ۲۳۰ میلیارد قرارداد در فن بازار سال ۹۳

وی با بیان اینکه سال گذشته در طول برگزاری نمایشگاه، بالغ بر ۲۳۰ میلیارد ریال قرارداد در بخش فن بازار منعقد شد گفت: این کار به عنوان یک حرکت موثر و قابل توجه، نظر مسئولین وزارتخانه و شورای «عتف» را جلب کرد و به همین دلیل، ستاد ملی هفته پژوهش و فناوری و فن بازار تصمیم گرفت تا در سال جاری موضوع فن بازار در نمایشگاه را مورد توجه قرار دهد و در صورت وجود ظرفیت و شرایط لازم این آمادگی وجود دارد تا بجای حدود ۳ هزار متر مربع فضای فن بازار در سال گذشته آن را به میزان نیاز حتی در حد ۱۰ هزار متر مربع ارتقا دهیم.

رابطان فناوری از ارکان فن بازار

دبیر شانزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری و فن بازار کشور در ادامه با بیان اینکه عرضه فناوری توسط دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، پارک‌ها و مراکز رشد از جمله ارکان فن بازار هستند تأکید کرد: در این مسیر رکن مهم دیگر متقاضیان هستند و یکی از بزرگ‌ترین متقاضیان این حوزه وزارت صنعت، معدن و تجارت و نیز صنایع بزرگی همچون صنایع خودرو، فولاد و سیمان هستند. وی رابطان فناوری که صاحبان فناوری را به متقاضیان متصل

ماهنامه گیلان فردا- شانزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری و فن بازار با حضور دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد و تعدادی از سازمان‌های اجرایی مرتبط به مدت ۴ روز از ۲۲ لغایت ۲۷ آذرماه ۱۳۹۴ در نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار می‌شود. در همین راستا آقای دکتر احمدی معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی حکمی مسئولیت ستاد شانزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری و فن بازار را به پارک علم و فناوری گیلان واگذار و آقای دکتر مجید متقی طلب رییس پارک علم و فناوری گیلان را به عنوان دبیر ستاد نمایشگاه تعیین کردند.

نقش موثرتر فناوری در اقتصاد

دکتر متقی طلب دبیر شانزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری گفت: برگزاری مراسم هفته ملی پژوهش، فناوری و نمایشگاه فن بازار در راستای اسناد بالادستی از جمله نقشه جامع علمی کشور است که در فصل چهارم از راهبرد کلان سوم این نقشه برای جهت دادن چرخه علم، فناوری و نوآوری به ایفای نقش موثرتر در اقتصاد تأکید شده است و در بند هشتم این سند نیز بر ساماندهی فن بازارهای عمومی و ایجاد فن بازارهای تخصصی اشاره شده است. بنابراین در تلاش هستیم تا انشالله در سال « دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی، توانمندی‌های کلیه مراکز دانشگاهی، پژوهشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها، پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و مراکز تحقیقاتی در حوزه دستاوردهای پژوهشی و فناوری‌های قابل تجاری‌سازی و تجاری‌شده به نحو شایسته در نمایشگاه و فن بازار به معرض دید مخاطبان گذاشته شود.

شاخص سطح آمادگی فناوری

دبیر شانزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری با تبیین شیوه برگزاری این نمایشگاه گفت: مهمترین ویژگی این دوره از نمایشگاه نسبت به گذشته این است که محصولات و فناوری‌های عرضه شده در آن، براساس «شاخص سطح آمادگی فناوری» ارزیابی و طبقه‌بندی می‌شوند. وی لحاظ کردن یک قاعده و استاندارد بین‌المللی برای پذیرش دستاوردهای دانشگاه‌ها و موسسات علمی و فناوری با عنوان «سطح آمادگی فناوری» را از جمله مشخصات مهم این نمایشگاه برشمرده و افزود: هدف از برگزیدن این روش ارتقای سطح نمایشگاه، هدفمند کردن آن و در نتیجه ایفای نقش موثرتر علم و فناوری در اقتصاد است و کلیه دستاوردهایی که به نمایشگاه ارائه می‌شود، با استفاده از نرم‌افزاری که آماده شده و در سامانه قرار دارد، ممیزی و سپس در سه سطح دسته‌بندی می‌شوند.

ثبت نام در سایت فن بازار ملی

به گزارش روابط عمومی وزارت علوم، دکتر متقی طلب در نشست هماهنگی برگزاری هفته پژوهش و فناوری که با حضور معاونان پژوهش و فناوری دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری برگزار شد گفت: پس از ثبت نام متقاضیان شرکت در نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری، محصولات و فناوری‌ها براساس شاخص سطح آمادگی فناوری (TRL) و توسط نرم‌افزار هوشمند طبقه‌بندی شده و فناوری‌هایی که در سطح ششم به بالا این شاخص قرار بگیرند به بازارهای فناوری معرفی می‌شوند که از هم‌اکنون تا پایان نمایشگاه برای این فناوری‌ها بازارهایی گنند. وی افزود: متقاضیان فناوری، خریداران دانش و سرمایه‌گذاران نیز در سایت فن بازار ملی ثبت نام کرده و پس از بررسی درخواست آنها، این تقاضا از طریق سایت فن بازار اطلاع‌رسانی شده و با حمایت واحد بازاریابی فناوری، مذاکره با فناوران و عقد قرارداد در نمایشگاه فن بازار صورت خواهد گرفت.

حمایت از عرضه دانش فنی و فناوری

دکتر متقی طلب اظهار داشت: تقویت و تسهیل تبادل فناوری، حمایت از عرضه دانش فنی و فناوری، تأمین نیازهای فناوری جامعه، بهره‌گیری از فنون تجاری‌سازی و آموزش آن به

رشت بزرگترین و پرجمعیت ترین شهر شمال ایران

رشت بزرگترین و پرجمعیت ترین شهر شمال ایران در بین سه استان حاشیه ای دریای خزر (مازندران، گیلان و گلستان) و فاصله آن از تهران ۳۲۵ کیلومتر است. همچنین شهر رشت با مساحت ۱۳۶ کیلومتر مربع در زمینی مسطح و هموار به ارتفاع ۵ متر از سطح آب های آزاد قرار دارد.

- اولین داروخانه شبانه روزی در ایران
- اولین راه آهن ایران
- اولین اتوبوس وارد شده به ایران
- اولین تئاتر
- اولین کتابخانه ملی ایران با بنای شاخص
- اولین شعبه بانکی ایران و اولین شعبه بانک سپه
- اولین خانه معلولین و سالمندان در ایران



رشت لبخند خواهد زد

- احقاق حقوق شهروندی مفروض در متن قوانین و اسناد بالادست
- ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی در محله ها و محدوده های شهر
- ارتقای کارایی و بهره وری در فرایند تحقق بازآفرینی پایدار شهری
- حفظ زیست بوم ها و اکوسیستم ها
- ارتقای رضایتمندی سکونتی در ساکنان محله ها و محدوده های هدف
- ظرفیت سازی اجتماعی در تمامی کنشگران فرایند بازآفرینی شهری پایدار
- بهبود و ارتقای وضعیت معیشت و اشتغال ساکنان محله ها و محدوده های هدف بر اساس تقاضای واقعی و اولویت بندی آنها با رویکرد برنامه ریزی و مشارکتی
- ارتقای امنیت ساکنان محله های شهر
- حفاظت پایدار و احیای میراث فرهنگی، تاریخی و هویت فرهنگی شهر
- بهبود و ارتقای تصویر ذهنی مردم از محله ها و محدوده های هدف
- توسعه اجتماع محلی و ارتقای تاب آوری اجتماعی در برابر تغییرات
- ارتقای ایمنی و پایداری ابنیه در برابر بلایا و خطرات
- ارتقای ایمنی و پایداری زیرساخت های شهری و عرصه های عمومی در محدوده های هدف
- ترویج و بسط اندیشه تاب آوری شهری بعنوان سبک زندگی پایدار در تمامی اقدامات بازآفرینی شهری مرکز استان گیلان

توسعه اقتصادی و رونق فعالیت شهر

- بهبود وضعیت شبکه های ارتباطی و نظام حمل و نقل و ترافیک
- ارجحیت منافع عمومی بر منافع خصوصی و تأمین عدالت اجتماعی - فضایی
- اولویت به تقویت فضاهای عمومی در ساماندهی فضایی شهر
- حفاظت از محیط زیست
- بهبود و ارتقاء وضعیت و ساماندهی کالبدی شهر رشت سازمان فضایی شهر
- ایمن سازی در برابر سوانح طبیعی (زلزله، سیل و...)
- توجه به ابعاد فرهنگی، هنری و اجتماعی
- هویت بخشی به فضاهای شهری با تأکید بر هویت محله ای
- توسعه ی صنعت توریسم



باز آفرینی شهر رشت

لزوم مشارکت پذیری بیشتر

یکی از شاخصه های کارهای جمعی در کشورمان این است که فرهنگ مشارکت و اعتمادسازی عمومی پایین است. اگر فرهنگ مشارکت در کارهای عمرانی بیشتر شود، منافع خصوصی در کنار منافع عمومی معنا دار خواهد بود.

افزایش امید به زندگی شهروندان

ثابت قدم از تهران و اصفهان به عنوان دو شهری که در آنها قابلیت مشارکت پذیری مردم بالاتر است نام می برد و در خصوص تعلق خاطرش به رشت علی رغم امکان فعالیت مدیریتی در سایر شهرها می گوید: یکی از موضوعات تعلق خاطر به یک محدوده جغرافیایی، زنده کردن آن منطقه است. اولین نقش ما این بوده که بتوانیم کاری کنیم که شهروندان احساس کنند امید به زندگی دارند. به نظر من یک اتفاق مهم این است که در محرک توسعه عملاً آدم ها را ترغیب کرده ایم که حداقل فکر کنند و حداکثر کار این است که پول بیاورند. مشارکت شهروندان مبتنی بر اعتمادسازی، برندسازی و سرمایه گذاری سه استراتژی ما در سند بازآفرینی شهری است.

سند ده ساله با دو برنامه ۴ ساله و یک برنامه ۲ ساله

شهردار می گوید برنامه عملیاتی ما در شهرداری که بخشی از برنامه جامع یک سند ده ساله است، طی دو سند ۴ ساله و یک سند دو ساله تعریف شده که سند دوساله با احداث پیاده راه تقریباً به اتمام می رسد.



با کمک مردم موانع را از پیش رو برمی داریم

شهردار تاکید می کند: با کمک و مشارکت مردم فهمیم شهر رشت موانع را از پیش رو می برمی داریم، و از مطالبه گری منطقی مردم استقبال می کنیم.

نصب ۱۵ تلویزیون شهری در ۱۵ ناحیه رشت

وی با اعلام این خبر که ۱۵ تلویزیون شهری در ۱۵ ناحیه رشت نصب خواهد شد می گوید: در این تلویزیون ها به صورت آنلاین، اخبار در حوزه های مختلف از مشارکت پذیری گرفته تا اخبار روز آن محله و ترافیک شهری نمایش داده می شود.

تکمیل تمام پروژه های نیمه تمام تا پایان سال

دکتر ثابت قدم قول می دهد تمام پروژه های نیمه کاره مرتبط با شهرداری نظیر زیرگذر رشتیان، پایانه غرب و ... تا پایان سال تکمیل شود.



مدرک دارند با فارغ التحصیلان مهارت دار را نشانه ای از عدم مهارت آموزی به دانشجویان دانسته و می افزاید: دانشگاه ما باید علمی را ایجاد کند که دانش به مهارت بینجامد.

مسئولان باید پاسخگو باشند

وی پاسخگویی و مسئولیت پذیری مدیران را بسیار مهم شمرده و اظهار می دارد: باید به مردم پاسخگو باشیم. نمی توانیم به مردم بگوییم که ما مسئول هستیم اما از آنجایی که کارشناس ضعف فنی دارد این اتفاق افتاده است.

اقتصاد مقاومتی با رویکرد محله محوری

شهردار با نظر به اینکه اقتصاد مقاومتی یعنی درآمد هزینه یک شهر در همان شهر بدون وابستگی به نفت و عوامل خارجی بسته شود می افزاید: اگر به ازای خدمات ارائه شده هزینه کنیم ۹۹ درصد معضلات مردم حل می شود و هم اکنون تفکر شهرداری این است که صفر تا صد هزینه ها در شهر و در بخش توسعه و نگهداری، واقعی شود. برای مثال نگهداشت شهر هزینه ای دارد مثل شارژ ساختمان که باید واقعی و کیفی شود و مردم عیناً به چشم خود ببینند پولی که پرداخت کرده اند چگونه و کجا هزینه شده است. اما واگذاری کار به مردم دو پیش نیاز دارد یک پیش نیاز فضایی است که سرای محلات دارد این کار را انجام می دهد و دیگر مردمی کردن فعالیت ها توسط سرای محلات است.

سه ویژگی اصلی در سند بازآفرینی شهر رشت

وی مشارکت شهروندان در محلات با اعتماد سازی، برندسازی برای رشت در مقیاس فراملی و جذب سرمایه گذار را به عنوان سه شاخص اصلی در سند باز آفرینی اعلام می کند و می گوید: اگر این سه شاخص نمایان نشود هیچ اتفاقی رخ نمی دهد. بلکه بیکاری زیادتر و بر تعداد دستفروش و راننده مسافرکش شخصی افزوده می شود.

برند سازی برای رشت در چهار سطح فراملی

بر اساس گفته های دکتر ثابت قدم، برند سازی رشت در چهار سطح کشورهای حاشیه خزر، کشورهای منطقه، سازمان های بین المللی و کشورهای فرامنطقه ای پیگیری خواهد شد.

گیلان فردا - این روزها وضعیت شهری رشت یکی از موضوعات مهم شهروندان است. در این صفحه نظرات شهردار رشت را که در رسانه های مختلف انعکاس یافته است را مرور می کنیم:

به جای گذشته به آینده نگاه کنیم

دکتر ثابت قدم، شهردار رشت معتقد است به جای بازگشت به گذشته باید به آینده نگاه کرد. وی می گوید: طرح پیاده راه به عنوان محرک توسعه شهر و استان است. ولی متأسفانه به تاثیر تغییر رفتار در انجام یک کار عمرانی و اقتصادی توجه نمی شود و با موضوع مکانیکی برخورد می کنیم. در حالی که اگر فقط به دنبال اجرای یک طرح باشیم و رفتارهای مردم را در نظر نگیریم، صرفاً جاده ای ساخته می شود بدون اینکه مشکلی را حل کرده باشد.

رشت پایتخت فرهنگی و هنری

وی با بیان اینکه هم اکنون در سطح کشور هیچ شهری به عنوان پایتخت هنری شناخته نشده می گوید: رشت می تواند به عنوان پایگاه جشنواره فیلم و تئاتر در ایران شناخته شود و جشنواره هایی را در سطح منطقه و آسیا در شهر رشت برگزار کنیم. و در «بازآفرینی شهری رشت» همه ی این موارد دیده شده و محرک آن هم پیاده راه فرهنگی است.

بازتولید اقتصادی با تغییر رفتارها

شهردار اعتقاد دارد که پیاده راه به عنوان محرک توسعه چند خاصیت دارد. از جمله در مبحث اقتصاد خرد و کلان موجب رونق اشتغال و سرمایه گذاری می شود و با تغییر رفتارها عملاً تولید اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. و وقتی بازتولید اقتصادی داشته باشیم به تبع آن فقر اقتصادی و فقر فرهنگی نخواهیم داشت.

آمرانه با مردم حرف نزنیم

وی با اشاره به اینکه برای مشارکت پذیری بیشتر مردم باید بستری برای اعتمادسازی فراهم کنیم می افزاید: وقتی آمرانه به مردم بگوییم که دوستان داریم اما علی رغم اینکه شما فقیر هستید باید همین کاری که ما می گوییم را انجام دهید به گونه ای به شعور مردم توهین کرده ایم. بنابراین باید برای ارتقای شهر و افزایش رفاه شهروندان



کاری انجام دهیم. با ایجاد پیاده راه و در طرح بازآفرینی ۳۵ هزار اشتغالزایی خواهیم داشت.

دانشی باید به مهارت ختم شود

دکتر ثابت قدم فاصله زیاد بین فارغ التحصیلانی که فقط

تالار مرکزی رشت به زودی
افتتاح می‌شود

گفت و گوی اختصاصی با استاد میرباذل، طراح تالار مرکزی شهر رشت :

معماری ایرانی با جلوه‌ای از معماری یادمانی

ساناز فرزانه

در بسیاری از مصادیق فرهنگی جزو اولین‌ها بوده، سال‌ها از داشتن چند سالن استاندارد با کاربری فرهنگی و هنری محروم بوده‌است. مشکل صدا هم که یکی از معضلات همیشگی سالن‌های موجود است. اما خوشبختانه در سال‌های اخیر شاهد اقداماتی در این حوزه بوده‌ایم، سالن‌های نیمه‌کاره به بهره‌برداری رسیدند و یا سالن‌های موجود تا حدودی تعمیر و تجهیز شدند. در این میان کلنگی که هشت سال پیش با هدف احداث تالار مرکزی شهر رشت به زمین خورد به زودی به مرحله افتتاح می‌رسد تا پاسخگوی نیازهای اهالی فرهنگ و اندیشه و هنر باشد.

مهندس سید جلال میرباذل، عضو هیات علمی دانشکده معماری دانشگاه گیلان که تحصیل کرده دانشگاه علم و صنعت ایران و طراح پروژه تالار مرکزی رشت است می‌گوید طرح سالن با فرم مخروط ناقص و اسکلت نمایان، یادآور گنبد‌های معماری ایرانی است مطالبی که در ادامه می‌خوانید حاصل گفت و گوی مجله گیلان فردا با ایشان است.

نقش بناهای فرهنگی در افزایش فرهنگ عمومی و توسعه فرهنگ و هنر بر هیچکس پوشیده نیست. به اعتقاد کارشناسان بناهای فرهنگی از مهم‌ترین انواع ساختمان‌های عمومی به شمار می‌آیند که معمولاً مکان مناسبی برای نهادهای مسئول، ارائه تولیدات و محصولات فرهنگی و هنری به شمار می‌روند. در واقع این بناها وظیفه ارتقای فرهنگ جامعه را به عهده دارند. بنای فرهنگی، بیش از هر چیز مکانی عمومی است که باید قدرت جذب مخاطب و تأثیرگذاری بر او را داشته باشد و حتی به نمادی از شهر و هویت فرهنگی جامعه تبدیل شود. از سوی دیگر پرداختن به فرهنگ نه تنها ناهنجاری‌ها را در جامعه کاهش می‌دهد بلکه موجب رشد و شکوفایی ذهن و روان شده و افراد مستعد را قادر به خلق آثار هنری می‌کند که به لحاظ روحی و روانی بسیار ارزشمند خواهد بود. البته برای موفقیت در این بخش باید به زیرساخت‌ها و بسترهای لازم به لحاظ قانونی و همچنین امکانات سخت افزاری و نرم افزاری توجه ویژه و خاص داشت.

به عنوان مثال استان گیلان با قدمت فرهنگی دیرین که به گواه تاریخ

شرکت مشاور آباد است اضافه می‌کند: شرکت فرا سازه شمال پیمانکار کل پروژه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کارفرمای اصلی و اداره ارشاد اسلامی گیلان هم بهره‌بردار پروژه است.

عضو انجمن مهندسين معمار استان گیلان با اشاره به اینکه اعتبار این پروژه به جهت اهمیت کار، از اعتبار ملی است و کامل تخصیص داده شده است اضافه می‌کند: خوشبختانه این پروژه در قالب پروژه‌های «مهرماندگار» بود. یعنی جزو آن پروژه‌هایی که پیشرفت فیزیکی داشتند و قرار شد تمام شوند.

وی در پاسخ به این سوال که تاکنون چقدر هزینه شده است می‌گوید: برآورد اولیه مالی برای این پروژه سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بود ولی تا الان ۱۴ میلیارد تومان هزینه شده است. البته زمین پروژه مال شهرداری است.

طراح تالار مرکزی شهر رشت در پاسخ به اینکه سبک معماری و مصالح به کار رفته در این پروژه چگونه است می‌گوید:

کلیه استانداردهای آگوستیک و نورپردازی حرفه‌ای پیش‌بینی شده است. (البته پیمانکار این بخش از تهران است).

عضو پایه یک سازمان نظام مهندسی ساختمان با تأکید بر اینکه در حال حاضر ساختمان تالار به لحاظ فیزیکی پیشرفت زیادی دارد می‌گوید: دو سالن موسیقی سنتی و تئاتر زودتر (انشالله تا اواخر سال ۹۴) به بهره‌برداری می‌رسند. چون باید محوطه مربوطه طی چند ماه پیش‌رو آماده شود و پیمانکار بخش محوطه هم شرکت فرا سازه شمال است. اما چون کارهای آگوستیک و نورپردازی سالن اصلی موسیقی در حال انجام است. زمان بیشتری برای بهره‌برداری از آن سالن نیاز است. بنابراین چنانچه محوطه به موقع آماده شود دو سالن کوچک ترمین تئاتر و موسیقی انشالله در ۲۲ بهمن به بهره‌برداری می‌رسند.

به گفته استاد میرباذل محوطه در اختیار پروژه حدود ۱۲ هزار و ۳۰۰ مترمربع است.

وی با بیان اینکه طراحی و نظارت این پروژه به عهده

مهندس میرباذل با بیان اینکه تالار مرکزی شهر رشت در کنار بوستان ملت واقع شده و تقریباً در فاصله یک کیلومتری از میدان شهرداری قرار دارد می‌گوید: مساحت زیربنای این پروژه حدود ۱۴۰۰۰ مترمربع و در سه طبقه ساخته شده است. این مجموعه شامل چهار سالن همایش و آمفی تئاتر، سخنرانی، کنسرت، ۹۰۰ نفر، سالن تخصصی تئاتر به ظرفیت ۳۸۰ نفر، سالن برگزاری موسیقی سنتی به ظرفیت ۱۰۰ نفر و سالن ترمین تئاتر به ظرفیت ۸۰ نفر است.

وی ادامه می‌دهد: فضاهای مهم دیگر این مجموعه عبارتند از کتابخانه تخصصی برای تئاتر و موسیقی، مرکز آرشيو موسیقی، فضای برگزاری نمایشگاه‌های موقت و دائمی به صورت گالری‌های نمایشگاهی و فضای خدماتی و رفاهی شامل بوفه، بازارچه فروش کتاب و محصولات هنری.

وی در پاسخ به سوالی مبنی بر چگونگی کیفیت پخش صدا بیان می‌کند: برای سالن‌های موسیقی و تئاتر



هدف ما طراحی یک معماری یادمانی با تلفیقی از عناصر معماری بومی و مدرن بوده است و با توجه به شرایط اقلیمی منطقه همه فعالیت های تالار در یک مجموعه به هم پیوسته و یک پارچه در سه بلوک متصل به هم دیده شده، به طوری که یک سرسرای اصلی به صورت ثقل فعالیت های مجموعه از قبیل فضای انتظار، برگزاری نمایشگاه های کوتاه مدت، کلاس های آموزشی، بوفه و ... سالن های کنسرت و سالن تئاتر و دیگر فعالیت های

جنبی را به هم پیوند می دهد.

در مورد مصالح هم از سنگ تراورتن در نما استفاده شده و با استقرار ستون های مدور نمایان در بخش ورودی با ایجاد یک پیشخوان ورودی و طاق نماهای نمادین و ارتباط بصری مخاطبین با فرم های مدرن و پیچیده که وام دار معماری ایرانی است، جلوه ای از معماری یادمانی را برای مجموعه به نمایش خواهد گذاشت. همچنین سالن اصلی مجموعه (کنسرت هال) که برای

برگزاری موسیقی پاپ، ارکستر سمفونی و همایش ها دیده شده است به صورت یک مخروط ناقص با اسکلت نمایان (الهام گرفته از گنبد های معماری ایرانی) و سطح شیب دار طراحی شده که می تواند با ورق مس یا مشابه پوشش داده شود، به صورت ظاهری بر تکنولوژیک بودن روش ساخت آن دلالت دارد و طرح پوسته سالن با فرم مخروط ناقص و اسکلت نمایان، یادآور گنبد های معماری ایرانی است



(عکس ها: کیانوش زات درویش)

شرکت مشاور آباد

شرکت مهندسين مشاور آباد (سهامي خاص) در سال ۱۳۷۰ در اداره كل ثبت شرکتهای تهران به ثبت رسیده است و عضو جامعه مهندسان مشاور ایران بوده و دارای پروانه اشتغال به کار شخص حقوقی از وزارت مسکن و شهرسازی است. دفاتر این شرکت علاوه بر تهران در شهرستان های رشت و آستارا مستقر هستند. شرکت «مشاور آباد» علاوه بر خدمات مشاوره در مجموعه خدمات مشاوره و ساخت توأم نیز ثبت صلاحیت شده است.

مهندسين مشاور آباد در رشته های «ساختمانهای مسکونی، اداری، تجاری و خدمات شهری» و همچنین رشته های «ساختمانهای آموزشی، بهداشتی درمانی، ورزشی، فرهنگی» و نیز «رسته سازه» از طرف سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور احراز صلاحیت و در آخرین فهرست سراسری منتشره سازمان به کلیه وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی معرفی شده است.

مهندسين مشاور آباد در اسفند ۱۳۸۴ موفق شد گواهینامه استاندارد کیفیت ارائه خدمات در مدیریت (ISO ۲۰۰۰-۹۰۰۱) را از موسسه BUREAU VERITAS دریافت کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر:

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان:

- ◆ با بهره برداری از تالار مرکزی رشت ۳۰ درصد به فضای فرهنگی استان افزوده می شود.
- ◆ هنر نقش مهمی در گسترش و ترویج فرهنگ و ارتقای آن در جامعه دارد و فراهم کردن زیرساخت های توسعه فرهنگی و هنری هم یکی از دغدغه های دولت است.
- ◆ فضای فرهنگی گیلان در حال حاضر بیش از ۳۴ هزار متر مربع است.
- ◆ با توجه به اینکه فرهیختگان بسیار زیادی در استان سرسبز گیلان ساکن هستند فضای فرهنگی موجود پاسخگوی نیاز آن ها نیست اما با اتمام پروژه های فرهنگی نیمه تمام استان این فضا به ۵۴ هزار و ۵۲۲ متر مربع ارتقا خواهد یافت



- مناسب برای التهاب‌های پوستی ناشی از اکزما و کپهر.
- شفاف کننده و نرم کننده پوست.



- مناسب برای پوست های خشک و ملتهب.
- دارای خاصیت رایحه درماتی با رایحه اسطوخودوس (لاوندلر).



- حاوی امگا ۶، امگا ۳ و ویتامین های E و A.
- تغذیه پوست، ترمیم جای زخم و علائم کشیدگی پوست.



- صابون‌های جوانه کدوم گلمر (گلیسرینه و معمولی)



با پوست خود مهربان باشید

Be Kind to Your Skin

ISIRI

GOOD MANUFACTURING PRACTICE GMP

www.golmarsoaps.com